

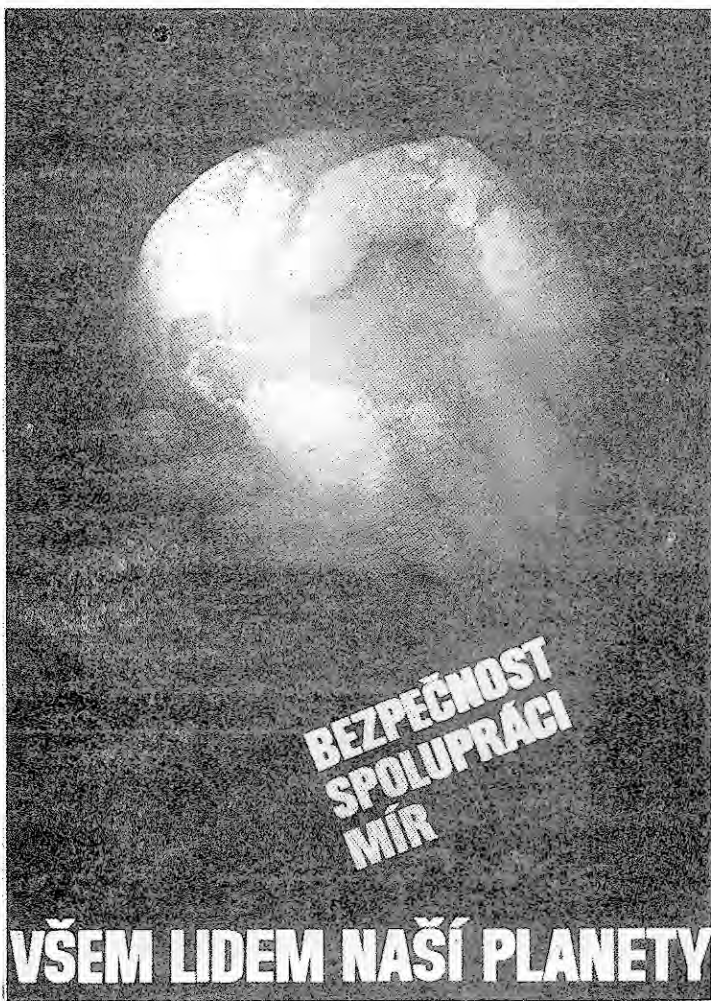
برولترهای جهان متحد شوید!



# مسائل بین‌المللی



مهر - آبان  
سال ۱۳۶۱



امنیت ، همکاری ، صلح . برای تمام مردم سیاره ما

پوستر اثر ای . ایلینچوا - ماتسکوا

( جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی )



## فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۱۷ - ۳	حلقه اصلی دموکراسی سوسیالیستی شوروی	واسیلی کوزنتسوف
۲۷ - ۱۸	سوسیالیسم واقعی موجود و مسئولیت کمونیست ها	ایب نیورلوند
۴۰ - ۲۸	کهنه ونو در سیاست آنتی کمونیسم	سه ساربرس کارلوس سون ایگا
۴۳ - ۴۱	گئورگی دیمیتروف ودوران محاصر	گیرگین گیرگینف
۵۱ - ۴۴	هنگامیکه ماسک ها برداشته شد	رافق سمهون
۶۳ - ۵۲	سخن رانیتوان تیرباران کرد	-
۶۵ - ۶۴	جان خوزه لویس ماسرارانجات دهید!	ساموئل بهاک
۶۸ - ۶۶	قهرمانان دوران ما	ح ° بهرامی
۷۶ - ۶۹	سیستم انتخاباتی : معیار دموکراتیسم	م ° ایوانشیک
۶۳ و ۴۳	خبرهای کوتاه صفحات	-



# حلقه اصلی

## دموکراسی سوسیالیستی شوروی

واسیلی گوزنتسف

عضو مشاور شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست  
اتحاد شوروی  
معاون اول صد رهیتک رئیس شورای عالی اتحاد  
شوروی سوسیالیستی

چند ماه دیگر شصتمین سال تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی فرا میرسد .  
اتحاد شوروی در برابر جهانیان همانند خانواده متفق و هم آهنگ جمهوری‌های برابری که یکدیگر  
یکدیگر سخاوتان کمونیسم اشتغال دارند عرض اندام میکنند .  
هنگام ارزیابی راهی، که فدراسیون شوروی طی کرده ، طرح این سؤال طبیعی بنظر  
میرسد که استحکام این "کشور کشورها" که در جهان سابقه نداشته و یازده جمهوری مستقل و افراد  
بیش از صد ملت و قوم را متحد میسازد در چیست ؟ بچه علت اتحاد شوروی از تأثیر مهلك گرایشهای  
فراز مرکز که بیرحمانه و قاطعانه تمام کشورهای کثیرالمله ای را که تاکنون پدید آمده از هم پاشیده  
مصون مانده است ؟ بچه سبب در برابر فشارهای نظامی و سیاسی امپریالیسم جهانی که دشمنی  
خود را با نظام سوسیالیستی پنهان نساخته ( و امروز هم پنهان نمیکند ) توانست ایستادگی کند ؟  
این کشور چگونه طی مدت نسبتاً کوتاهی ( از لحاظ تاریخی ) به کشوری پر قدر و به تکیه گاه مطمئن  
جامعه بشری متوقی در مبارزه در راه صلح ، مگانی و آزادی خلق تبدیل شد ؟  
برای پاسخ دادن به این سئوالات باید یک سلسله عوامل و مقدم بر همه عواملی مانند پایه  
اقتصادی و اجتماعی واحد تمام اجزا ترکیب دهند اتحاد جماهیر شوروی ، اشتراک وظایف  
طبقاتی و هدفهای ملت‌ها و اقوامی که با هم در این اتحاد متحد گردیده اند ، نقش رهبری کنند  
حزب کمونیست اتحاد شوروی ، اصول بشر و ستانه سیاست ملی سوسیالیستی یعنی ( اعتماد متقابل  
کامل و کمک متقابل طبقات ، توافق و وظایف آنها برای وحدت ، حذف هرگونه نابرابری ) و البته  
پرونده همه گیر اعتلای هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی راه تشریح و توصیف نمود . زیرا بطوریکه

لنین نوشت " . . . سوسیالیسم ظفر نمون بدن تحقیق بخشیدن به دموکراسی کامل ، امکان پذیر نیست . . . " ( ۱ ) .

یکی از عوامل بنیادی خلل ناپذیری اتحاد ملت‌های مافعالیت سازنده شوراهای نمایندگان خلق است که از نائین تا بالا سیستم واحد نمایندگی خلق و ارگانهای توده‌ای حاکمیت د ولتی واحد تمام حقوق را تشکیل میدهند . مشکل بتوان ارزش و اهمیت واقعی شوراهای د پیدایش و پیشرفت اتحاد جماهیر شوروی را بیان داشت . خود پیدایش شوراهای نتیجه خلافت انقلابی توده‌های انبوه پرولتاری بود . در جریان انقلاب سال ۱۹۰۵ در مراکز صنعتی که دستخوش مبارزات امتصابی بودند گروه‌های کارگری بمنظور وحدت عمل وهم‌آهنگ ساختن اقدامات خود ارگانهای ویژه خود را بوجود آوردند و نمایندگان منتخب خویش را بمیان ارگانها فرستادند . این همان شوراهای اولیه بود که نمایندگان کارگران کارخانه‌ها ارتباط بسیمای نزدیک داشتند و دستورات و سفارشات آنها را انجام میدادند . خدمت تاریخی لنین و حزب بلشویکها این بود که توانستند در ارگانهای که در نتیجه فعالیت مبتکرانه انقلابی توده‌ها بطور خود بخودی پدید آمده بود نطفه حاکمیت انقلابی را بپایند و آیندۀ پراهمیت آنها را چنانکه باید در پابند .

شوراهای که در سال ۱۹۱۷ از وجود آمدند اکثریت بزرگی از کارگران ، دهقانان و سایر قشرهای زحمتکش اهالی را متحد ساختند و حاکمیت د ولتی را بطریق انقلابی بدست خود گرفتند . رهبر پرولتاریای روسیه ضمن خاطر نشان ساختن راه انقلاب سوسیالیستی د روسیه گفت : " نه جمهوری پارلمانی ( که بازگشت بدان . . . گامی بمعقب میبود ) بلکه جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران ، مزدوران روستاها و دهقانان در سراسر کشور از نائین تا بالا " ( ۲ ) .

شوراهای که بنابه اهمیت خود عمیقاً دموکراتیک هستند نه فقط بیانگر منافع طبقاتی پرولتاریا و دهقانان زحمتکش بودند ، بلکه منافع ملت‌ها و اقوام متمددی را هم که در گذشته بد آنها ظلم و ستم روا میداشتند منعکس میکردند . راه رسیدن به سازمان د ولتی ملی ویژه خود بروی این ملت‌ها و اقوام از طریق شوراهای که شکل بین‌المللی حاکمیت کامل زحمتکشان است گشوده شد . شوراهای پایه سیاسی تمام تشکیلات ملی - د ولتی گردیدند که در سرزمینهای امپراطوری سابق روسیه پدیدار شد . برپایه چنین زیربنای واحد سیاسی وحدت د اوطلیانه کشورهای برابر حقوق و حائز حق حاکمیت یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوجود آمد .

۱ - و . ای . لنین . مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ۲۷ ، صفحه ۲۵۳ .

۲ - همانجا ، جلد ۳۱ ، صفحه ۱۱۵ .

شوراهاى نمايندگان خلقپاراه درازى راطى کرده اند . در هر مرحله تازه تاريخى شکل فعاليت آنها بمنزله ارگانهاى حاکميت دولتى که عملاً مجسم کننده آرمانهاى دموکراسى سوسيال-ليستى است ، گرايشهاى ترقى اجتماعى را منکسر مىساختند و پياسخگوى وظائفى بودند که در برابر کشورونيازهاى حياتى جامعه قرار داشت .

اکنون ارگانهاى حاکميت خلقى ماد مرحله نوى از پيشرفت کيفسى خود قرار دارند . شوراها در ميان توده ها و در ارتباط بمسئولان و بزرگان با آنها فعاليت مىکنند و اکثريت مطلق آنها جسورانه و مبتکرانه عمل مىکنند و فعالانه در توليد ، زندگى اجتماعى و معنوى جامعه تاثير مىنمايند و هدهد فشان اين است که در رهريش ، نظم و ترتيب ، تشکيل و انضباط برقرار باشد .

شوراها مجهز به تجربه فراوان در رهبرى ساختمان کشور و اقتصاد و در امور اجتماعى و فرهنگى به مرحله کتوبى گام نهادند . اينک تمام شرايط لازم براى اينکه شوراها با پذيرگيرى بيشترى سياست حزب را ( سياستى را که بيانگر منافع بنيادى مردم است ) اجراء کنند و بطور مشخص و مشخص در تمام جهات زندگى کشور و جامعه تاثير نمايند فراهم گرديده است . موازين قانون اساسى ، قوانين مربوط به شوراها و وضعى پذيرگير حزب کومنيست اتحاد شوروى در افزايش نقش آنها همه پايه قابله اطمينانى براى تحقق اين امر است . اين مىشى که با قرارها و مصوبات بيست و ششمين کنگره حزب کومنيست اتحاد شوروى کاملتر گرديده تجسم واقعى اندیشه هاى لنين در انطباق با شرايط سوسيال-ليسم به حد کمال رسيده است .

## I

از تمرين لنين در باره شوراها اين نتيجه بدست مىآيد که ارتباط ناگسستى ميان دموکراسى سوسيالليسم فقط برپايه ارگانهاى نمايندگى نوع جديد يعنى سوسيالليستى تأمين ميشود . اما معلوم است که ايجاد و تحکيم پايه هاى سوسيالليسم و ساختمان جامعه سوسيالليستى در کشورهاى مختلف و بزرگيهاى مخصوص بخود داشته و خواهد داشت . مارکسيسم - لنين ليسم کاملاً طرفدار جستجوى اشکال طبعى و ویژه سازمانهاى حاکميت زحمتکشان است ، سازمانهاى که به بهترين وجهى پياسخگوى شرايط مشخص تاريخى زندگى خلقهاى باشد که سوسيالليسم و کومنيسم مىسازند . در ضمن ، البته ، استفاده از پارلمان براى هدفهاى انقلابى هم ممکن است . لنين بارها اشتباه بودن امتناع کومنيست ها از اشتراك در فعاليتهاى پارلمانى را خاطر نشان ساخت ( ۱ ) . بعقيده او ، نه شکل ، بلکه مضمون است که مهم است . در ستگاه حاکميت دولتى در خدمت کيمت و

از منافع کدام طبقه دفاع میکند .

برقراری آرمانهای دموکراسی اصیل و استقرار سیستم فراگیر نمایندگی حقیقی حاکمیت خلق واقعی فقط در شرایط افتادن حاکمیت بدست زحمتکشان میسر است . لنین یادآور میشود که " اینک به اشتراک مداوم و حتمی و در ضمن قاطع د ر اداره کشور دست همان توده‌هایی جلب میشوند که حتی در دموکراتیک‌ترین جمهوری‌های بورژوازی ، در عین اینکه از لحاظ قانونی برابر حقوق هستند ، عملاً با هزاران شیوه و شگرد از اشتراک در زندگی سیاسی و استفاده از حقوق و آزادیهای دموکراتیک دورنگهداشته میشوند " ( ١ ) .

سوسیالیسم با برقراری نوع تازه‌ای تردموکراسی تحقق اصول لنینی سیستم نمایندگی سوسیالیستی را عملاً تأمین میکند . این اصول وحدت حاکمیت ( یعنی استقلال عمل و صحتار بودن ارگانهای نمایندگی ) ، وابستگی نمایندگان به رأی دهندگان ، روابط نزدیک و افروموسیات انتخاباتی با مردم ، در دسترس و تحت کنترل توده‌ها بودن آنها ، اشتراک زحمتکشان در اداره امور دولت و اجتماع ، دوره‌ای و متغیر بودن ارگانهای انتخاباتی و نقش رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی را شامل میشوند .

رفیق ل . ای . برژنف در بیانکمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صد رهبیت رقیبه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در مقاله خود تحت عنوان " یک تاریخچه در طریق کمونیسم " که در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " انتشار یافت نوشت : " در مرحله سوسیالیسم پیشرفته و در شرایط دولت هم‌مخلقی اشتراک هر چه بیشتر و عمالانه تر توده‌های زحمتکش در اداره زندگی کشور بمنزله صحت مرکزی ( عمده ) پیشرفت سیاسی جامعه شوروی بطور استوار تثبیت گردید " ( ٢ ) .

سراسر تاریخ شوراهای تاریخ استقرار و شکوفائی حاکمیت واقعی مردم به شکل سوسیالیستی آن بوده است . طبق خواست لنین در برابر اینکه بید رنگ باید به تمام زحمتکشان و تمام شهیدستان " امر اداره امور کشور " ( ٣ ) را موقت فقط طی نخستین دهساله پس از اکتبر ١٩ میلیون نفر نمایندگنکره‌های شوراهای موضوع کبیته‌های اجرائیه در جمهوری فدراتیف شوروی سوسیالیستی روسیه گردیدند و بدین ترتیب عملاً از اختیارات واقعی حاکمیت برخوردار بودند و آنرا در مرحله اجرا در میآوردند . از آن زمان بیست و سه سال آموزش اداره کشور در آنها و دهها میلیون نفر گردانیدند و سیستم شوروی پر روشنی امکانات دموکراسی سوسیالیستی را به جهانیان نشان داد .

١ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ٣٧ ، صفحه ٥٠٠ .

٢ - ل . ای . برژنف ، با مشی لنینی ، جلد ٦ ، مسکو ١٩٧٨ ، صفحه ٦٢٩ .

٣ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ٣٤ ، صفحه ٣١٥ .

بدین ترتیب باورزترین خصلت شوراهاد موکراسی واقمی ، نه صوری ، برای توده هاست . این خصلت شوراهاهم بمعنی واقمی کلمه در تمام آنچه که بافعالیت شوراهای ارتباط دارد خود را نشان میدهد . ما در آغاز به چگونگی و شکل پیدایش و تشکیل آنها توجه میکنیم .

انتخابات در سوسیالیسم هیچ وجه مشترکی با رقابت پر جنجال احزاب مختلف بورژوازی و نامزد های آنها ندارد . آنها در راه رسیدن به مقاصد آزندان خود به روشی و وسیله ای متوسل میشوند تا آنها را بیشتر " بچنگ آورند " و اتحاد امکان نمایندگان نیروهای مترقی را به ارگانهای حاکمیت راه ندهند ( ۱ ) . انتخابات در جامعه شوروی یک اقدام اصیل و واقعی و نمونه خود گرد آمدن مردم زحمتکش است که در جریان انتخابات کار و فعالیت سازمان دولتی خود را جمع بندی میکنند و وظائف آنها را برای دوره ممتد تعیین میکنند و به نمایندگان برای انجام این وظائف اختیار را لازم میدهند . در عین حال زحمتکشان در انتخابات اعتماد خود را به پیشواز سیاسی خویش یعنی حزب کمونیست اتحاد شوروی تأیید میکنند و بدان برای رهبری جامعه و کشور سوسیالیستی و کالست میدهند .

جریان انتخابات در اتحاد جماهیر شوروی در شرایط کار و فعالیت برگزار میشود . اهالی شوروی خود بلا واسطه ترکیب ارگانهای نمایندگی را تعیین میکنند . این امر در رجه اول بدین ترتیب تأمین میگردد که طبق قانون اساسی اتحاد شوروی تدارک و انجام انتخابات ، سازمان دادن آنرا و تعیین نتایج آن کار خود زحمتکشان و کمیسیون های انتخاباتی است که خود بوجود میآورند . علاوه بر این ، اینکجه کمی در صورت نامزد های انتخاباتی برای نمایندگی شوراهای آورده شود بطور مستقیم و ابسته به اراده انتخاب کنندگان است . این نامزدها را کارکنان یک مؤسسه یا اداره یا واحد های اولیه سازمانهای اجتماعی معرفی میکنند و پیش از ثبت نام آنها در صورت نهایی برای رأی گیری در باره آنها جلسات انتخاب کنندگان بحث و مذاکره همه جانبه ای بعمل میآید ، این جلسات حق دارند ( و اغلب هم از آن استفاده میکنند ) این یا آن نامزد انتخاباتی را رد کرده و پیشنهاد کنند که بجای آنها افراد دیگری نامزد گردند . در موکراتیسم واقعی و به صوری سیستم انتخاباتی که گزینش همه جانبه و دقیق نامزدها را در مراحل ماقبل رأی گیری تأمین میکند نیز در اینجا جلوه گرمیشود . بالاخره باید یاد آور گردید که در خود انتخابات شوراهای عملاً تمام افراد

۱ - شرح کوتاه ماطلاعاتی که در صفحات ۹۳-۹۵ هفتمین شماره امسال مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " بچاپ رسیده به اصول و موکراتیک سیستم های انتخاباتی کشورهای سوسیالیستی اختصاص یافته است . هیئت تحریریه .

بزرگسال کشور شرکت میکنند. در همه جا شرایطی فراهم میگردد که به هر شهروندی امکان میدهد آزادانه نظر موافق یا مخالف خود را نسبت به نامزد هائی که معرفی شده اند بیان کرده و اراده خود را بروز دهد. این نیز که در اتحاد شوروی تقریباً تمام کمانی که حق رای دارند بیای صندوق های برای می آیند گواه بر اعتماد عظیم مردم شوروی به سیستم انتخاباتی خود و شمر بخشی فراوان این سیستم است. منشاء این اعتماد پیش از هر چیز در آنجا است که شعوراها نمایندگی برخی قشرها و یا گروهی از اهالی، بلکه تمام مردم را بمعنی واقعی کلمه شامل میگردد، مردمی که اراده شان بیگانه پایه و اساسی برای تعیین ترکیب شعوراها و وظائف آنها است.

طبقه کارگر و سرمایه داری در جهان مبارزات خود در یک سلسله از کشورها به مبرخی دستاورد های دموکراتیک نائل گردیده است. این پدیده به زحماتشان و احزاب آنها امکان میدهد در سیاست محافل حاکمه تا حد مبینی که اغلب هم حائز اهمیت است، تأثیر بخشیده و از منافع خود در مبارزه طبقاتی وسیع تر و گام قدر فاع کنند. کم اهمیت جلوه دادن این واقعیت و تمایلات دموکراتیک توده ها نادانمستعبود. ولی با آنکه توجهی مملو میشود که با وجود حاکمیت سرمایه، دموکراسی به روز وائی قادر نیست بیانگرو نشان دهند. منافع توده های مردم بوده، خواست و اراده مردم زحمتکش را در مسائل بنیادی زندگی اجتماعی تحقق بخشیده و تأثیر آنان در سر نوشت کشور را تأمین نماید. بی سبب نیست که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری عدم حضور توده ای در انتخابات رایج است و بدین ترتیب زحمتکشان بحق عدم اعتماد خود را به انتخابات نشان میدهند و نسبت بدان بی اعتنا هستند.

نمی توان بر این نکته تأکید نکرد که مردمی بودن شعوراها در ارتباط نزدیک و روزمره آنها با زحمتکشان وزیر نظر و کنترل بودن نمایندگان و مسئولیت آنها در برابر انتخاب کنندگان بروشنی ظاهر میشود. یکی از موثرترین اشکال این ارتباط دستورات و توصیه های انتخاب کنندگان است. توجه و علاقه مردم زحمتکش به امور کشور خود، منافع جامعه و نمایانند بیای اهالی شهرها و روستاها را این توصیه ها بازتاب پیدا میکند. عزم و اراده مصفولیت طلب مردم شوروی در برابر کسانی که بدانها اعتماد میکنند و آنها را به ارگانهای حاکمیت خلق میفرستند نیز در این دستورات تجلی میکند. میلیون ها تن نمایندند با اصرار و ابرام هدفمند و کوشش و تلاش خویش در پی انجام این دستورات میباشند و آنها را به اعمال و کارهای نیک و خیریه که برای کشور به ضرورت دارد تبدیل میکنند. از پیش از چهار میلیون توصیه و دستوری که طی ده ساله اخیر برای انجام به شعوراها رسیده بیش از ۹۰ درصد آنها جامه عمل پوشیده است.

قانون اساسی اتحاد شوروی نمایندگان را موظف میسازد که هر روزها انتخابات کنندگان در ارتباط



باشند، در باره کارهای خود و از جمله آنجا خصوصیه‌ها و دستورات آنها گزارش بدهند. برای این — گزارش‌ها دوره و تناوب معینی در قانون پیش بینی شده است و علاوه بر این نمایندده بانخستین تقاضای انتخاب کنندگان و یگانگان مؤسسه و اداره ای که او را نامزد کرده اند باید بدانها گزارش بدهد. بطورمثال فقط در سال گذشته بیش از ۳۹ میلیون جلسه تشکیل گردیده که ۲۰۷ میلیون نفر از شهروندان در آنها گزارشات ۲۳ میلیون نمایندده را استماع کردند.

بالا هره باید گفت قانون اساسی به انتخاب کنندگان حق میدهد، پیش از پایان دوره نمایندگی، نمایندده خود را بازپس خوانند، حتی که لنین آنها را اصول دموکراتیسم واقعی بشمار می‌آورد (۱). این حق که در اتحاد شوروی توسط قانون تثبیت گردیده در واقع همانند وسیله تأثیر زحمتکشان در ترکیب و کارشوراها به آنها خدمت میکند. با استفاده از این حق انتخاب کنندگان از سال ۱۹۵۹ با اینطرف تقریباً ۸ هزار نمایندده را که انتظارات آنها را برآورده ن ساخته بودند بازپس خوانند، در میان آنها از جمله صد نفر نمایندده شوراها عالی جمهوریهایی شوروی و سایر جمهوریهایی خود مختار و ۱۲ نفر نمایندگان شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی بوده اند. کوتاه سخن، واقعیات و مجموعه پراتیک زندگی سیاسی کشور این را تأیید میکنند که اندیشه‌های تئوریکسین های بزرگ سوسیالیسم در باره ارگانهای حاکمیت واقعاً دموکراتیک و شوراها می‌باشند که خلق حقیقتاً تجسم یافته و امیدهای کهن زحمتکشان به اینکه صاحبان کشور و سرنویشت خود باشند عملاً تحقق مییابد.

### III

شیوه‌های سازماندهی داخلی و فعالیت شوراها می‌باشند که خلق برای آنها از یکسو پشتیبانی و کمک هرچه بیشتر زحمتکشان را تأمین میکند و از سوی دیگر، گسترش دامنه ابتکارات خلق توده‌ها و اشتراک فعالانه آنها در اداره روزانه امور جامعه یاری میرساند. این نیز یکی از مهمترین شاخص‌های دموکراتیسم واقعی است.

شوراها می‌توانند به این طریق جلسه و نشست تشکیل ندهند. نمایندگان شوراها ضمن انجام وظائف خود کارهای تولیدی یا اداری خویش را تعطیل نمیکنند و بخش بزرگی از وقت خود را میان اهالی میگذرانند. بهمین سبب آنها از افکار و نظریات مردم بخوبی با خبر هستند و از منافع و نیازهای انتخاب کنندگان مطلع میباشند و به هنگام بررسی مسائل در جلسات شوراها از این اخبار و اطلاعات استفاد میکنند. علاوه بر این در فاصله بین دو جلسه بخش بزرگ نمایندگان (بیش از ۸۰ درصد)

۱ — رجوع کنید به و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (به زبان روسی) جلد ۳۵، صفحه ۱۰۶.

در فعالیت کمیسیون های ثابت گوناگونی که شوراهای موجود میآوردند اشتراک میورزند. تا اول ژانویه سال ۱۹۸۲ فقط در شوراهای محلی بیش از سیصد وسی و پنج هزار از این نوع کمیسیون ها وجود داشت. به افزایش نقش کمیسیون های ثابت توجه ویژه ای بندول میگردد. آنها از اختیارات زیاد بی برخوردار میباشند که دایرهٔ بسیاری وسیعی از مسائل را در بر میگیرد. برای نمونه در سال گذشته از طرف کمیسیون های ثابت شوراهای در تمام سطوح بیش از ۳۳ هزار گزارش و سخنرانی در اطراف گزارشهای اصلی برای اجلاس هیاتهای شوراهای تهیه شده است. سی و دو کمیسیون ثابت شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نیز که ۱۱۴ نماینده از ۱۵۰ نمایندهٔ شورای عالی، در آنها عضویت دارند بطور جدی مشغول فعالیت هستند. طی پنج ساله که مدت معین فعالیت آنها است بسیاری از مسائل مهم کشور را مورد مطالعه قرار دادند. گزارشات و اطلاعات مربوط به وزارتخانهها و سایر ارگانهای ادارهٔ کشور رسیدگی میکنند و در عین حال لوایح قانونی برای شورای عالی تنظیم مینمایند. در امور شوراهای کمیسیون های آنها نه فقط نمایندگان، بلکه افراد فعالی که نمایندهٔ قشرهای گوناگون اهالی میباشند نیز اشتراک میورزند.

برای اجلاس هیاتهای شوراهای نمایندگان خلق راه تکامل می پیماید. دایرهٔ مسائلی که مورد بحث و مذاکره قرار میدهند توسعه یافته و آماده ساختن مسائل وقت وجدیت بیشتری میشود. پیش از آغاز کار اجلاسها مطالعات اولیه در اطراف این مسائل بعمل میآید و این امر را استفادهٔ کاملتر و بهتر از تجربهٔ توده‌های باری میبرساند و در عین حال به فعالیت روز افزون نمایندگان کمک میکند. به آمار سال پیش استناد میکنیم: در سوم فرستادگان خلق به شوراهای اجلاسهای مختلف سخنرانی کردند و مسائل کشور را با علاقه و احساس مسئولیت مورد مذاکره قرار دادند. جریان کار اجلاس طبق معمول بر فعالیت، با قاطعیت و مهمتر از همه سودمند و شریک بخش انجام میگردد. در سخنرانیها اغلب انتقادات آشکاری هم از مدبران و سرپرستان و هم از فعالیت های مؤسسات، ادارات مختلف و وزارتخانهها بعمل میآید. در عین حال نمایندگان در بسیاری از موارد از حقوق استیضاح استفاده میکنند و در نتیجه ارگانهای مربوطه مقامات و افراد مسئول موظف میباشند طی مدت معین و مرتبیهی که قانون معین کرده است در اجلاس هیاتهای شوراهای رهبرانه تدابیری که اتخاذ شده و بیا خواهد شد (در مورد هر یک از مسائل و استیضاحی که بعمل آمده) گزارش بدهند. طی سال ۱۹۸۱ نمایندگان هشتاد و هزار استیضاح ارائه نمودند و بدین شکل توجه و علاقهٔ در مسوولانه خود را در بارهٔ موضوع امری در شورای خود، چه ملی یا ایالات و چه در سایر کشور نشان دادند.

بطور مثال، فقط در جریان سومین اجلاس شورای عالی گرجستان شوروی در ریاست

پرسش های نمایندگان ، دادستان جمهوری ، معاون صدر شورای وزیران و معاون یکم صدر شورای برنامه دولتی و همچنین وزیر صنایع مواد ساختمانی گرجستان شوروی صحبت کردند . عالیترین ارگان جمهوری در باره تمام پرسش هایی که بهجهاستخلف زندگی جمهوری مربوط میشد قرارهای ویژه ای بتصویب رسانید . به سازمانهای دولتی مربوطه دستور داده شد مسائل مطرح شده را حل و فصل نموده و نواقص مورد نظر را برطرف ساخته و وضع کارهایی را که موجب تلنگرانی نمایندگان را فراهم ساخته هرروزه کنترل نمایند .

کنترل کارهای ارگانهای اجرائی و مدیریت و مسئولان امور از طرف شوراهای نمایندگان خلق وسیله موثری برای انجام برنامه های بتصویب رسیده و مراعات کامل قوانین و تحکیم انضباط در کشور بصورت تمام جامعه است . در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در رشته بررسی مسائل مربوط بفعالیت های دولت ، وزارتخانه ها و ادارات در اجلاس ها و جلسات هیئت رئیسه و کمیسیون های ثابت شوراهای تجرب فراوانی گرد آمده است . حق کنترل شوراهای محلی نسبت به سازمان های مختلف و ادارات تابعه ای که در محدوده اختیارات آنها قرار دارند بدانها امکان میدهد اطلاعات لازم را در باره جریان انجام وظائف دولتی ، برنامه های پیشرفت و استقرار موسسات بدست آورند و نظریات رؤساء و مدیران در مورد مسائل که به رهبری شوراهای مربوط میشود آشنا شوند و تصمیماتی از جمله در باره کارها اتخاذ نمایند و در صورت لزوم پیشنهادات خود را به ارگانهای بالاتر بدهند .

طی سالهای اخیر گرایش افزایش تعداد مسائلی که در نتیجه کنترل مورد بررسی قرار گرفته بچشم پیچیده است . این قانونمدانان است ، زیرا از بالا رفتن نقش شوراهای رهبری تمام رشته های ساختمان دولتی ، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ناشی میگردد . طبیعی است که در اینجانه فقط کیفیت کنترل ، بلکه کیفیت آن نیز مورد توجه است . ماهنوز کار زیادی در پیش داریم تا کنترل شوراهای و کمیسیون های آنها خلصت دائمی و ژرف نگارانه ای پیدا کنند و آنچه بویژه مهم است این است که هدف کنترل نتایج نهایی کار و بهبود کارها و برطرف ساختن نواقص باشد .

ارتش و مصلیون بازرسان مردم کم کم بزرگی در تحقق وظائف بازرسان است . طبیعت و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تأکید کرد که کنترل جامع کارهای ارگانهای اداری و کشور و مقامات مسئول از طرف مردم بخش و جزه ضروری صراحتاً بصیستم موقراسی شوروی است . شوراهای نمایندگان خلق حلقه اساسی این سیستم است .

#### IV

خلصت اثر بخشی غیر ضروری موقراسی و صوبالیستی در درجه اول در این پدیده خود را نشان میدهد که شوراهای نمایندگان خلق همواره در خط مقدم مبارزات مردم بمنظور حل و فصل موفقیت آمیز

بمخروج‌ترین مصالح که جریان ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی پیش می‌آورد بود و هستند . همین امروز هم آنها وظیفه اصلی خود را در تحقق برنامه دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی - اقتصادی آینده که بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تنظیم نموده و در پیشرفت همه‌جانبه جامعه سوسیالیسم پیشرفته می‌بینند .

گسترش دامنه اقتصادی ، افکندن آن در مسیر رشد و اعتلاء ، تسریع ترقی علمی - تکنیکی نیاز به اعتلای سریع سطح اداره امور کشور و هماهنگ ساختن تمام مکانیسم اقتصاد با مقتضیات زمان را باشد سخاوی پیش‌آوردند . این جریان با تکامل بنیادی سیستم اداری کشور ، بهبود برنامه ریزی ، تشدید فعالیت اهرمهای اقتصاد تأثیر در تولید و در عین حال با تشدید امور تربیتی و امید تولیدیک و افزایش نقش عامل اخلاق در ارتباط است .

شوراهای بطور هر چه مؤثرتری ساختمان اقتصاد را رهبری میکنند و بدین منظور کوشش خود را روی مسائل گرهی مانند افکندن اقتصاد به مسیر رشد شدیدی ، پیشرفت همه‌جانبه آن و فعالیت ارگان‌های اداره کشور متمرکز می‌کنند . به اختیارات شوراهای این فرصت افزوده شده و نقش‌علی آنها به‌یازان قابل توجهی افزایش یافته است . اینک زحماتشان از طریق شوراهای فعالیت هر چه بیشتری در انجام تدابیر لازم برای بالا بردن ثمر بخشی تولید و بهبود کیفیت کار در رهبر بخش تأثیر میکنند . در صحت بهمین سبب افزایش نقش شوراهای ساختمان اقتصاد کشور مظهر واقعی پیرونده گسترش هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی در اقتصاد یعنی در مهم‌ترین حلقه زندگی اجتماعی میباشد .

یکی از جهات عمده فعالیت شوراهای در شرایط کنونی شرکت در تحقق موفقیت آمیز برنامه‌های مواد غذایی است که در پلنوم ماه مه ( سال ۱۹۸۴ ) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب رسید . هدف عمده این برنامه تأمین اهالی با مواد غذایی با کیفیت عالی و صنایع کشور با مواد خام کشاورزی بطور منظم و بدون وقفه است . طبق قراردادهای پلنوم شوراهای موظف میباشند رهبری تولیدات کشاورزی را بویژه در بخش زیربنایی آن یعنی در روستاها و شهرهای کوچک بهبود بخشند ، بطور مشخص تر فعالیت لگخوزها و سوخوزها بپرند ، بدینجهاد را متمرکز دانش و فرهنگ کشاورزی بیشتر کمک کنند و از تکنیک ، کود و سایر منابع مادی و تکنیکی بطور متمرکزتری بهره‌برداری نمایند . افزایش تولید کالا های مصرف عمومی و تأمین کاربرد و وقفه مؤسسات بازرگانی و عرض خدمات مورد توجه مداوم و وظیفه شوراهای است . افزایش تولید این قبیل کالاها در مؤسسات محلی و همچنین در مؤسساتی که چهره تولیدی دیگری دارند بزرگترین ذخیره تأمین مواد مصرفی مورد نیاز روزافزون در شرایط کنونی است . در اینجانباز خیلی چیزها وابسته به موضوع ارگانهای دولتی محلی میباشد . بدین مناسبت تهیه مجموعه برنامه‌های تولید کالا از طرف تمام مؤسساتی که در محدوده این

منطقه قرار دارند ( صرف نظر از اینکه تابع کدام مرکز میباشند ) و طبیعتاً کنترل مداوم انجام این برنامه ها ، که بابت کار شوراها صورت میگیرد ، رواج هر چه بیشتری پیدا میکنند .

تأمین اهالی با مسکنی خوب و مجهز و کاربرد و وقفه و با کیفیت مراکز اقتصاد و خدمات شهری برای زندگی روزمره مردم حائز اهمیت بسیار است . حزب بطور پیگیر از این مشی پیروی میکند که شوراها در اینجا سازمان دهندگان اصلی باشند و تمام بنیاد دولتی مسکن و اقتصاد و خدمات شهری و محل سکونت اهالی را در دست خود متمرکز نمایند . شورا های محلی با تمرکز وسائل و اعتباراتی که موسسات و ادارات برای تهیه و ساختن مسکن شهروندان اختصاص میدهند هر چه بیشتر بمثابة یگانه طرف معامله بهنگام انعقاد قرارداد با سازمانهای ساختمانی عمل میکنند . این امر امکان میدهد که ساختمان کاملتر و پرهزینه تر باشد . معماری - نقشه کشی معاصر انجام گیرد و در نتیجه وسائل لازم برای آسایش و راحتی شهروندان ایجاد گردد .

تحقق تدابیری که کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی بمنظور استفاده از ذخایر مصرفی اجتماعی روز افزون و بهبود هر چه بیشتر بهداشت ، آموزش و پرورش و علم و فرهنگ مطرح نموده نیز با فعالیت شوراها ارتباط نزدیک دارد . این همان سیاست مشخص ما در جهت اعتلای رفاہ و آسایش مردم است . برنامه اجتماعی بمنزله بخش ارگانیکی جزوقانونی گردیده که به برنامه دولتی اقتصاد و اجتماعی پیشرفت و تکامل اتحاد جماهیر شوروی برای سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۵ معروف است و شوراهای اتحاد جماهیر شوروی آنرا تصویب کرده است .

شوراها عملاً و بطور جدی در امور تربیتی و پرورش انسان نوآشنا و اشتراک میورزند . تشکیل فعالیت های فرهنگی - تربیتی ارگانهای حاکمیت بر پایه تجارب گرد آمده و زیربنای مادی استوار و موجود متکی است . شوراها اینک شبکه گسترده ای از موسسات فرهنگی ، آموزش خلقی ، تحصیلی و ورزشی در اختیار دارند . این خود ژرفاخانه عظیم وسائل لازم برای تربیت انسانی است که شایسته دوران سوسیالیسم پیشرفته است .

مسابقات سوسیالیستی در شرایط امروز اهرم نیرومندی است که امکان میدهد عملاً کارهای ایدئولوژیک و فرهنگی و تربیتی را با زندگی مرتبط ساخته و وظائف تولیدی و تربیتی را با هم در یکجا با انجام رسانیم . اشتراک هر چه گسترده تر شوراها در سازماندهی و ترویج این جنبش میهن پرستانه توده ای بیکو از مشخصات کار شوراها مبدل گردیده است . نمایندگان که از مراکز تولیدی انتخاب میشوند و در موسم مجموع نمایندگان را تشکیل میدهند در پیشاپیش این مسابقات قرار دارند .

رفیق ل . ای . برژنف ضمن گفتگو در باره نقش منتخبین خلق اهمیت اشتراک آنان در مسابقات و اوج نمونه و سرمشق نمایندگان را که از جمله افراد پیشرو و نوآر تولید میباشند بویژه خاطر نشان ساخت .

ترتیب میهن پرستانه و انترناسیونالیستی زحمتکشان و مبارزه آشتی ناپذیر علیه هرگونه بروز ملت گرائی و شوینیسیم از مهمترین عرصه های فرهنگی - تربیتی شوراها است که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی تحقق و گسترش مییابد . در اتحاد شوروی دوستی برادرانه تمام ملل و اقوام میهن ما با تمام مظاهر گوناگون و غنای شکل و مضمون خود تثبیت گردیده است و پیراتیک بحد اعلیٰ بشرد وستانه و همکاری مفید و شمرخش آنها در چارچوب یک کشور واحد کثیرالمله پیشرفت میکند و تکامل می یابد .

کارچند جانبه و پر مسئولیت شوراها کاملاً با متن و روح قانون اساسی اتحاد شوروی که در سال ۱۹۷۷ تصویب گردید مطابقت میکند ، این قانون اساسی مرحله مهمی در راه تحکیم و گسترش حاکمیت سوسیالیستی خلق گردید . این قانون اساسی واقعیات کیفی نوید موکراسی شوروی را عمیقاً منعکس ساخت ، ارجح و اعتبارش را هارا بیش از پیش بالا برد و نقش آنها را در رهبری کشور ، اقتصاد و ساختن اجتماع - فرهنگی افزایش داد .

شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و شوراهای عالی جمهوریه های متحد ، که کار قانون گذاری را به مدیریت و کنترل پیوند میدهند اینک وظائف چند جانبه ای را انجام میدهند . رفیق ل . ای برژنف ضمن شرح و توصیف فعالیت آنها در اجلاسیه هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی تأکید کرد که " بدون کاستن از توجه به مسایل قانون گذاری ( که در کشور ما فعالانه و طبق برنامه انجام میگردد ) باید کارزنده سازماندهی را تشدید نمود و اجرای دقیق و بدون انحراف قوانین و برنامه هارا تأمین کرد . سیاست حزب ما و قانون سوسیالیستی به اصول واحدی متکی هستند و هدف واحدی را تصقیب میکنند و آن خیر و رفاه مردم زحمتکش است . قوانین همیها تمام قدرت میبایست بنام این هدف شریف عملی گردند " ( ۱ ) .

بدین ترتیب میتوان چنین نتیجه گرفت که افزایش نقش شوراها که زمینه آنها تمام جریان پیشرفت اجتماعی ما فراهم آورد و همواره موکمال پاسخگوی مشی سیاسی حزب ما است مهمترین قانونمندی زندگی جامعه سوسیالیستی بحد کمال رسید است .

## V

در شرایط سوسیالیسم پیشرفته زحمتکشان خواست و اراد خود را در مقام حاکمیت نه فقط در داخل کشور بلکه در عرصه بین المللی هم تحقق می بخشند . از آنجا که خواست عمده مردم شوروی زندگی در شرایط صلح است لذا شوراها نیز که ارگانهای موکراتیسم واقعی هستند فعالیت خود را در عرصه سیاست خارجی تابع مبارزه علیه خطر جنگ و در راه حفظ و تمسک کاهش تشنج بین المللی



میکنند . سخنان مال اندیشانه لنین دربارهٔ اینکه " دموکراسی بیشتر از همه در مسئله اساسی جنگ و صلح بروز میکند " ( ۱ ) در کارارگانهای نمایندگی سوسیالیستی بطور درخشانی بازتاب یافته و تأیید میگردد .

اتحاد شوروی بطور جدی دست اندرکار مبارزهٔ بیگیری در راه صلح و امنیت خلقها و خلع صلاح است و با این عمل خود آزارانهای دموکراسی واقعی و مساوات در مناسبات بین المللی پشتیبانی میکند . برنامهٔ صلح سالهای هشتاد که بتصویب هیئت و ششمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید بسط و تکامل منطقی سیاست خارجی صلحد و ستانهٔ لنینی است که بوسیلهٔ مواد قانون اساسی سال ۱۹۷۷ اتحاد شوروی که در آن اصول بشر و ستانهٔ مفاسد متقابل میان کشورهای تثبیت گردیده تحقق مییابد . ابتکارات صلح آمیز نوی رفیق ل . ای . برژنف در هفدهمین کنگرهٔ سند یگای اتحاد شوروی ، در سخنرانیهای خود در تاشکند و در نوزدهمین کنگرهٔ کمسومول ( اتحاد کمونیستی جوانان شوروی ) مطرح ساخت نیز در خدمت مهمین هدفهاست ، این ابتکارات بار دیگر علاقهٔ همیشگی و صادقانهٔ ما را به صلح بتمام خلقهای روی زمین نشان دادند . اوضاع سخنرانی خود در برابر نمایندگان مجمع وسیع جوانان اهلام داشت که " صلح نهضتی نیست که از آسمان برسد ، حفظ صلح و استحکام آن نیازمند مبارزهٔ هرروزه و دشواری است " ( ۲ ) .

شوراهای نمایندگان خلقها در تمام سطوح و ویژه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی ارگان عالی حاکمیت کشور و تحقق مشی سیاست خارجی سهم ارزنده ای وارد میکنند . روابط بین المللی آنها با ارگانهای نمایندگی کشورهای خارجی تهییق و تکمیل میگردد . طی پنج سال اخیر پنجاه هیئت نمایندگی پارلمانی از ۴۶ کشور از اتحاد شوروی دیدار رسمی بعمل آوردند . طی همین دوران ۵۹ هیئت نمایندگی ما از ۵۶ کشور بدعوت پارلمانهای آنها بدین کردند . روابط کمیسیونهای امور خارجهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی ، گروه پارلمانی اتحاد شوروی و ارگانهای حاکمیت شهرهای برادر خوانده روابطی نزدیک و شمرخش است . کافیتت یادآور شویم که فقط با ارگانهای محلی حاکمیت کشورهای سوسیالیستی نزدیک به ۱۳۰ شورا ، از شوراها ایالتی ، ولایتی و شهری روابط نزدیک و دوستانه دارند .

شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی باضمکس ساختن ارادهٔ مردم ، بنا بابتکار برژنف در ژوئن سال گذشته بیانیه ای خطاب به پارلمانها و خلقهای جهان بتصویب رسانید که در مجامع بین المللی بازتاب گسترده ای یافت . از این بیانیه پارلمانهای کشورهای سوسیالیستی و رهبران

۱ - و . ای . لنین ، مجموعهٔ کامل آثار ( بزبان روسی ) جلد ۴۰ ، صفحه ۹۲ .

۲ - " پراودا " ۱۹ مه سال ۱۹۸۲ .

بسیاری از کشورهای آفریقا، آسیا و امریکای لاتین پشتیبانی کردند. حتی مخالفان سیاسی مانیتوانند  
اعتراف نکنند که شرایط تشدید و خامت اوضاع بین المللی از کرملین نهی نوآوازی متین و منطقی  
بصورت صلح، کاهش تنش و امنیت خلقها شنید میشود که نه به رویارویی بلکه به مذاکره فراخواند.  
سیاست بشر دوستانه آشکار و عمیقاً دموکراتیک کشورهای پاصخگی منافع تمام خلقها و تمام انسانهای  
صلح دوست است.

## VI

ضمن بیان رساندن تجزیه و تحلیل جهات اساسی فعالیت ارگانهای صیستم نمایندگی  
شوروی این را نیز باید گفت که این ارگانها دارای امکانات وسیعی هستند که تأثیر گرسازنده ای در  
پراتیک دارند و بهر حال بر نرفا و آسایش مرد موصاختن انسانهای عصر نو مؤثر میباشند. آنچه مهم  
است اینست که تا حد اکثر ممکن این امکانات مورد استفاده قرار گیرد، حزب مسائل حل نشده،  
دشواریها و نواقصی را که پیشرفت ما را کند میسازد بخوبی ببیند. کنگره بیست و ششم حزب کمونیست  
اتحاد شوروی این وظیفه را مطرح ساخت که با اتکا به تجارت گرد آمده موانعی را که از پیشروی ما  
بجلو مانعت بحصل میآورند با قاطعیت بر طرف سازیم. یکی از مهمترین امکاناتی که ما برای انجام  
این امر در اختیار داریم اینست که شوراها وظایف و تکالیف گسترده و متنوع خود را فاصلاً نه ترو مشخ  
تر با نجام رسانند. حزب ارگانهای حاکمیت خلق را متوجه این هدف میسازد که آنها مشخ ترو  
هدفمند تر کار کنند، سطح لازم رهبری را در تمام بخشهای ساختمان دولتی، اقتصادی و اجتماعی  
فرهنگی تأمین کنند، نسبت به ارگانهای اداره امور سختگیر تر باشند و کنترل شوراها بپوشه در مرصه  
هایی که بلا واسطه با رضای نیازهای روزان مردم ارتباط دارند مؤثر تر گردند. در تحقق این وظیفه  
ماهیت عمیقاً دموکراتیک یکی از جهات عمده پیشرفت سازمان دولتی شوروی آشکار میگردد و آن افزایش  
هرچه بیشتر نقش ارگانهای حاکمیت خلق و رشد پیگیری دموکراسی سوسیالیستی شوروی در طول و عمق  
است.

حزب کمونیست شوروی رهبری کنند و روح و روان پروسه همه گیر دموکراتیک است که سراسر  
زندگی دولت تمام خلقی شوروی و سیاست بین المللی آنرا فرا میگیرد. شوراها با صرمش گرفتار  
از حزب و تجربه عظیم آن دموکراتیسم واقعی را فرا میگیرند. حزب بدون مدخله مستقیم در فعالیت  
مشخص ارگانهای حاکمیت کشور و ارگان ویدون آنکه جانشین آنها گرد کار شوراها را هماهنگ  
ساخته و بدان سمت میدهد و آنها در رحل و فصل وظایف ساختمان کمونیستی و مبارزه در راه استقرار  
صلح در سیماره ماکم میکند.

در برنامه حزب کمونیست روسیه " بلشویکها " که در کنگره هشتم در سال ۱۹۱۹ به رهبری  
لنین بتصویب رسید گفته میشد " وظائف کلکتیوهای حزبی و وظائف ارگانهای دولتی را که همان  
شوراها هستند بهمیچوجه نباید مخلوط کرد . . . حزب قرارهای خود را باید از طریق ارگانهای  
شوروی و در چارچوب قانون اساسی شوروی مرحله اجرا در آورد . حزب میگوید فعالیت شوراها  
را رهبری کند ولی جانشین آنها نمیشود " (۱) . فعالیت همه جانبه حزب کمونیست اتحاد شوروی  
تا امروز هم طبق این اصل لنینی که در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی تثبیت گردیده معین و  
شخصی گردیده است .

سازمانهای حزبی میگویند تاملی سیاسی حزب بوسیله شوراها و همچنین سایر ارگانهای  
دولتی بطور پیگیر جافعلی بهبودند . این کار نه از طریق صدور دستور و فرمان بلکه در بر توارج و اعتبار  
کمونیستها ، اعتماد و پشتیبانی توده ها و فعالیت نمونه و ار خود اعضای حزب در ارگانهای دولتی  
انجام میگیرد .

حزب خود متکروضامن اصلی پیشرفت دموکراتیک سازمان دولتی شوروی است . حزب گه  
بیانگر و گاهی خلق است فعالانه از نوآوریها و هر آنچه پیشرو است در کارشوراها پشتیبانی  
میکند و بدانها راه بالا بردن مداوم سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان دست میدهد . شوروی  
شوق و روحیه ای که حزب میدهد فضای سیاسی کشور را معین میکند و به افزایش مستمر و تغییرناپذیر  
نقش دموکراتیک سوسیالیستی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی مایاری میرساند .



تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی بطور قناعت بخشی برتریهای آشکار ارگانهای  
نماینده از نوع شوراها را در مقابل ارگانهای نمایندگی کشورهای سرمایه داری ، همانند برتریهای  
دموکراسی سوسیالیستی بطور کلی در برابر دموکراسی بورژوازی نشان داد . این امر مهمترین  
عامل تأمین کننده اتحاد آزاد و خللناپذیر تمام ملل و اقوام کشورها گردیده که بنوع خود با اتحاد جماهیر  
شوروی امکان داد در مبارزه با اشغالگران خارجی پایداری کند و یکی از نیرومندترین کشورهای  
جهان گردد . ولی همانطور که در تصویب نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی " درباره  
ششمین سالگرد ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " تأکید میشود اتحاد جماهیر شوروی  
" بهمیچکس هیچگونه قالب یا " مدل " سازمان دولتی را که بویژه گهای این بیان کشورهای معتدلا  
بقیه در صفحه ۴۰

۱ - " حزب کمونیست اتحاد شوروی در قرارها و قطعنامه های کنگره ها ، کنفرانس ها و ولنوم های  
کمیته مرکزی " ، جلد ۲ مسکو ، ۱۹۷۰ ، صفحه ۷۷ .

# سوسیالیسم واقعی موجود

و

## مسئولیت کمونیست ها

ایب نیورلوند

عضو کمیته مرکزی و دبیر کمیته مرکزی  
حزب کمونیست دانمارک

اکنون پرورده های اجتماعی و سیاسی در جهان بسیار خنجر تر و پیچیده تر از گذشته است. این وضع فقط ناشی از پیشرفت فوق العاده نیروهای تولیدی و علم و تکنیک و وسائل ارتباط جمعی نیست. حادث شدن پیکار طبقاتی و تشدید بین المللی شدن آن و جلب نیروهای اجتماعی تازه و اغلب خلقها بطوریکه جای این پیکار در این جریان اهمیتی قاطع و تعیین کننده دارند.

جریان رویدادها در برخی از موارد بقدری بهت آور و گیج کننده است که کسانی که تجربه ای در سیاست ندارند دست و پایی خود را گم میکنند. آیدئولوژی های بورژوازی هم میکوشند این سردرگمی را تشدید کنند و از آن استفاده ببرند.

به همین سبب یکی از وظائف اساسی پیشتاز جنبش انقلابی کارگری این است که ضمن تعیین گرایش پیشرفت معاصر معنی و مفهوم و اهمیت آنچه را که میگردد برای توده های انبوه مردم توضیح دهد و آنها را بفهماند. در ضمن و بنظر ما این نیز حائز اهمیت است که به توصیه های متدولوژیک و ای. لنین تکیه شود که آیدئولوژی رفورمیست و خرد بورژوازی را بدین سبب انتقاد و محکوم میکرد که "از پشت درخت ها جنگل را نمی بیند، پشت پرده قانونیت قانون اساسی متوجه مبارزه طبقاتی شدید نیست و در گوشه و کنار کشور کوچکی مسائل تاریخی بزرگ دوران معاصر را فراموش میکند" (۱).

مبارزه طبقاتی در عصر جهانی دردوران ما توسعه مییابد. نتیجه آن تعیین کننده آینده جامعه بشری است. در این جریان نقش اساسی جهان سوسیالیسم و طبقه کارگر جهانی و نیروهای آزادی ملی است.

بطوریکه بخوبی میدانیم جنبش کمونیستی بین المللی معاصر در مبارزه علیه امپریالیسم و جنگ

جهانی که شعله‌ور ساخت بوجود آمد . و رشکستگی انترناسیونال دوم احیای جنبش جهانی کارگری را برپایهٔ ایدئولوژیک و سیاسی که کارل مارکس بنانهاد ، بود ضروری ساخت .

بدین ترتیب اگر وسیع تر موضوع بنگریم مشاهده می‌شود که نیاز به احیای احزاب انقلابی ناشی از لزوم گسستن از نظریات اپورتونیستی بوده است که در آن هنگام در جنبش کارگری جهانی ، در نتیجهٔ نفوذ ایدئولوژی بورژوائی در آن ، اشاعه یافته بود . بطوریکه لنین نشان داد هر مسئله کم و بیش " تازه ای " یاندک تغییر و چرخش غیرمنتظره ای در جریان رویدادها باعث پیدایش این یا آن نوع رویزونیسم میگردد ( ۱ ) .

همانوقت هم عیب همیشگی اپورتونیسم یعنی اختلاف بین حرف و عمل با حدت ویژه ای آشکار شد . درستی يك سلسله از قطعنامه‌های انترناسیونال دوم در بارهٔ مبارزه علیه جنگ امپریالیستی که فرامیرسد شك و شبیه ای برنی انگیخت . عیب کار در این بود که بهنگام آزمون لیدرهای آن عملاً از آن قطعنامه هادوری جستند . موضع مشابهی هم زمانی اختیار کردند که صحبت از هدف سوسیالیستی پیش می‌آمد . پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثربه معنی واقعی کلمه نه فقط برای روسیه ، بلکه برای جنبش کارگری جهانی بطور کلی در آنسازگردد . این پیروزی برهبری حزبی بدست آمد که باگرایش " شناسا کردن در جهت جریان " که از ویژگیهای اپورتونیسم است مخالفت میکرد . بلشویک‌ها شجاعانه به راه پیشگامان قدم نهادند . آنها هنگام حل و فصل مسائل کشورخویش و انقلاب اصول مارکسیسم را بطور پیگیر رهنمود خود ساختند و آنها را بطور خلاق بکار بردند .

اهمیت بین المللی چنین برخوردی در برتودر سهای رویدادهای انقلابی در آلمان یکسال بعد بویژه آشکارگردد . اپورتونیسم لیدران سوسیال دموکرات یکی از علل قاطع شکست توده های زحمتکشی گردید که دست یحصیان زده بودند ، شکستی که پی آمد های محتوم و فلاکتباری برای طبقه کارگر آلمان داشت . آزمایش دو راه انقلابی و اپورتونیستی بوسیلهٔ پراتیک تاریخی به جنبش ما امکان میدهد در سهای بگیرد که صحت آنها را زمان نمیتواند رد کند .

مبارزه علیه سیاست امپریالیستی که به جنگ ( این نغرت انگیزترین مظهر امپریالیسم همانند سیستم اجتماعی ) منجر میگردد از مهمترین وظایف احزاب کمونیست از همان گامهای اولیهٔ آنها گردد . در اینجانبین جنبش کمونیستی معلومات و تجربهٔ اصولی اندوخته که در دوران ما هم که دفاع از صلح در دستور روز قرار گرفته اهمیت آنها تأیید میشود .

لنین در یادداشت های مربوط به وظایف هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس لاهه که در سال

۱۹۲۲ برگزارگردید ضرورت مقابله با تدارکات ایدئولوژیک امپریالیسم برای جنگ را خاطر نشان ساخت .  
 او هشدار میداد که " بزرگترین مشکل عبارت از برطرف ساختن این توهم است که این مسئله ای ساده و روشن و نسبتاً آسان میباشد " ( ۱ ) .  
 لنین تأکید مینمود که قبول تئوریک اینکه جنگ خیانت است بهیچوجه کافی نیست . آنچه اهمیت قدراولی را داراست این است که " . . . تمام سفسطه های راکه جنگ را در حال حاضر تیسره میکند جز به جز " مورد بررسی قرار دهیم . ممکن است ، عمدتترین وسیله برای جلب توده های جنگ همین سفسطه های باشد که مطبوعات پرزروائی بدان استناد میکنند . . . " ( ۲ ) .  
 درک و انجام این وظیفه در مبارزه و توفه ناپذیر کمونیست ها علیه جنگ به مسئله عمدتاً مبدل شده است . این وظیفه امروزه در مرکز فعالیت آنها قرار دارد .

با انقلاب اکبر که نخستین اقدام صد و فرمان صلح بود و از خلقها و دولتها میخواست به جنگ های غارتگرانه امپریالیستی پایان دهند ، دوران تازه ای در مبارزه در راه صلح آغاز گردید . سوسیالیسم بمنزله نیروی سیاسی واقعی صلحدوستی به عرصه بین المللی گام نهاد . ولی برای اینکه از امکاناتی که در نتیجه این چرخش بنیادی تاریخی بوجود آمده استفاده کند ، کمونیست ها ناگزیر بودند مسائل ایدئولوژیک تازه ای راکه بمسئله جنگ و صلح ارتباط داشت حل و فصل نمایند و کار مداوم و پرتحرکی نیز میان توده ها لازم بود .

در باره محافل امپریالیستی باید گفت ، تدارک ایدئولوژیک آنها برای جنگ حالا دیگر بطور عمدتاً در جهت متزلزل ساختن سوسیالیسم ، بمنزله عامل صلح بود . با زهم به سفسطه بازی متوسل شدند ولی این بار سفسطه های ضد کمونیستی و ضد شوروی .

در آن هنگام تناسب نیروها هنوز طوری بود که پیشگیری از جنگ میسر نگردید . علاوه بر این طبقه کارگر در بسیاری از کشورها نتوانست وحدت لازم مورد نیاز وظایف مبارزه با جنگ و خطر فاشیسم راکه زمان مطرح کرده بود بدست آورد . از ایجاد جبهه ضد جنگ و ضد فاشیسم در درجه اول اباطیل و توهمات ضد کمونیستی و ضد شوروی جناح رفورمیست جنبش کارگری جلوگیری میکرد . اشتباهات سکناریستی جناح انقلابی آنها در اینجانب نقش منفی معینی ایفا کرد . احتمال نمیرود که سراسر جنبش کارگری در سهائ را که از این جریان گرفته شده مورد توجه قرار ندهد .

کمونیست ها در همان سالهای ۳۰ راهی راکه به وحدت طبقه کارگر و عمل مشترک تمام نیروهای ضد فاشیست منتهی میگردد تعیین کردند . آنها امیدواری داشتند که بر هر چیز احزاب سوسیالیست دموکرات

۱ - و . ای . لنین . مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ۴۵ ، صفحه ۳۱۸ .

۲ - همانجا ، صفحه ۳۱۹ .



وسند یکاها را متقاعد سازند که مخالفت با جنگ و فاشیسم واقعاً بسود صلاح آنهاست .

مخالفان ما اغلب از اشتباهاتی که کمونیست‌ها در آن دوره مرتکب گردیده اند سخن میگویند . البته کمونیست‌ها هم اشتباه میکنند . ولی از " اشتباهی " مانند امتناع از مبارزه علیه امپریالیسم و جنگ و امتناع از مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم وجدان‌مارا حث است . کمونیست‌ها بر این عقیده اند که در نین مبارزه ای همبستگی لازم است ، بی‌شک در شرایط دشوار ، اختلاف میان سیاست‌اصولسی طبقاتی ، پیگیر و بر پایه عوامل عینی و ذهنی و بی‌پرنسیپی اپورتونیستی که مآخا حال با آن در د انمارک هم بر خورد می‌کنیم در همین است .

اقدامات کمونیست‌ها علیه فاشیسم و جنگ در سالهای ۳۰ بی‌شمر نبود . خوش‌بینی پیکار جوانه جنبش در راه ایجاد جبهه خلق در یک سلسله از کشورهای همبستگی انترناسیونالیستی ، با مبارزه جمهوری اسپانیا علیه ارتجاع داخلی و خارجی در صحنه بین‌المللی گواه بارزی بر این است . ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی که الهام بخش طرفداران ترقی سوسیالیستی بود و نیروهای آنها را چندین برابر می‌ساخت نیروی محرکه شدیدی برای جنبش کمونیستی بود .

بلافاصله پس از جنگ مخالفان سوسیالیسم به رد کردن واقعیت سهم قاطع و تعیین‌کننده اتحاد شوروی سوسیالیستی در پیروزی سترک پرداختند . ولی بسیاری از کسانی که در راه این پیروزی در کشورهای دیگر مبارزه کرده بودند ، به این نکته پی‌بردند که سهم اتحاد شوروی رانه فقط قدرت نظامی آن ، بلکه در درجه اول یکپارچگی تاریخی بی‌نظیر خلف شوروی برای ایستادگی در برابر تجاوزکار تأمین کرد بود . بسیاری از شخصیت‌های جنبش کارگری سرچشمه چنین وحدت و یکپارچگی را در این میدانند که توده‌های مردم بدفاع از میهن سوسیالیستی برخاستند . مثلاً در تابستان سال ۱۹۴۵ ، شخصیت‌های سیاسی سوسیال دموکراسی د انمارک آشکارا اعلام کردند که آنها تمام آنچه را که " نیکوسالم " است و زائیدۀ سوسیالیسم است نتوانستند بموقع درک کنند ( باید متوجه بود که آنها از دشوارترین روزهای جامعه شوروی صحبت می‌کردند ! ) .

بدین شکل خود واقعیت اباطیل و توهمات ضد کمونیستی ضد شوروی را که ریشه‌های عمیق دوانده بود رد کرد . تمایل شدید به اینکه از شرایطی که در نتیجه پیروزی برفاشیسم بوجود آمده برای ایجاد جوامع نواستفاده شود بحد کمال رسید . در یک سلسله از کشورهای انقلابی دموکراتیک توده‌های پیروز شد .

اگر تغییر و تحولات بعدی در شرایط پس از جنگ در اروپای غربی بسرعت انجام نشد ( چنانکه بر همگان روشن است ) نه به این دلیل بود که از نیروی الهام بخش سوسیالیسم میتوانست کاسته شود ، بلکه بدین سبب که امپریالیسم از آن جلوگیری میکرد . بخاطر آروم که امپریالیسم آگاهانه به تبلیغات

ضد کمونیستی کین توزانه دانشه داری دست زد • این تبلیغات در همان اواخر سالهای ۴۰ به " جنگ سرد " انجامید که بنوبه خود تلاش دیگری برای شعله ور ساختن جنون ضد شوروی در شرایطی بود که نیرو های امریالیستی درصد برآمدند چرخ تاریخ را به عقب برگردانند • انجام این نقشه بدین سبب میسر نشد که تحت تأثیر پروسمهائی که با انقلاب اکبر آغاز شد مورد راضر پیروزی بر فاشیسم تشدید گردید مبادند جهان آنچنان نشد که در آستانه هرد و جنگ بین المللی بود •

هم نقشه هیتلر با منظور برقراری سلطه بر جهان و هم نقشه های نظیر آن محافل امریالیسم امریکاکه به انحصار مباحثی در دست ایالات متحده امریکا متکی بودند با شکست مواجه گردید • در واقع سوسیالیسم بود که در برتوقدرت روز افزون خود به پید آهنگی وضع تازه ای در جهان کمک کرد ، وضعی که به خلقهای بسیاری از کشورهای امکان داد طی سالهای بعدی در جریان مبارزات طبقاتی سرسختانه راههای دیگری غیر از راه رشد سرمایه داری برگزینند • در حقیقت با تغییر تناسب نیروهای اجتماعی و طبقاتی در روی زمین بسود سوسیالیسم ، دموکراسی و آزادی ملی شرایط برای مقابله موفقیت آمیز با نیروهای جنگ طلب فراهم آمد •

البته در شرایط تازه هم که راه حل های نو و متناسب با اوضاع روز را می طلبید صرف نظر کردن از تجربه فعالیت های ضد جنگ سالهای پیش از جنگ عقلانی نبود • و تالیفه ای که لنین معین کرده بود و ما در سال ۱۰۰۰ باید تمام سفسطه های راکه بوسیله آنها در حال حاضر جنگ را تبرئه میکنند مطالعه و بررسی کرد • افشای سفسطه های ضد کمونیستی و ضد شوروی در مبارزه در راه صلح تا کون هم نقشه ایی ایفاء میکند ، زیرا با اتکا بدان سفسطه ها محافل امریالیستی اینک میخواهند تدارکات جنگی خود را تبرئه کنند •

اغلب مخالفان ایدئولوژی ما میکوشند اقدامات قاطع کمونیست ها علیه این سفسطه بازیهای معاصر را بمنزله گناه خصلت گویا " ضد ملی " احزاب کمونیست قلمداد کنند و میگویند : آنها ( یعنی کمونیست ها ) گویانفع " بیگانه ای " را بر منافع کشور خود ترجیح میدهند • بر طرف ساختن توهّمات ضد کمونیستی یا بنگته تو ماس مان این " حماقت اساسی دوران ما " عامل مهم رهائی و قدرت تحرك یافتن نیروهای صلحدوستی است که در توده های مردم نهان است •

نیروی متحد سازنده ابتکارهای کشورهای سوسیالیستی برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز کشورهای که دارای سیستم های گوناگون اجتماعی - اقتصادی میباشند ، نقش بزرگی در عقیم گذاردن نقشه های افروختن آتش جنگ و گذاره کاهش تشنج بین المللی ایفاء کرد • کار ایدئولوژیک بسیار و ضرورانه که به جلب محافل گسترده اجتماعی و سیاسی بطرف اندیشه همزیستی مسالمت آمیز باری رسانید مقدم بر پیدایش تغییر و تحول بسوی کاهش تشنج بود • کمونیست ها سهم بسیار ارزنده ای در این جریان داشتند •

نباید فراموش کرد که جریان اپورتونیستی در جنبش کارگری نه فقط با " جنگ سرد " از مخالفت در نیامد ، بلکه در طرفی هم کنیروهای مدافع منافع صلح قرار داشتند ، قرار نگرفت ، درست در همان موقع مبلغین " جنگ سرد " به پیروی از سپاآک یایکی از جنگ طلب ترین شخصیت هاد تاریخ ناتو همزیستی مسالمت آمیز را " بدنیّت ترین دروغها و افسانه کونیست ها " نامیدند .

وضع سیاسی بین المللی پس از جنگ با آنچه تعیین کننده جریان رویداد هاپیش از جنگ بود از بیخ و بن فرق داشت . نیروهای صلح موفق به متزلزل ساختن " جنگ سرد " شدند ، در محیط سوسیال - دموکراسی هم برخورد به اندیشه همزیستی مسالمت آمیز کشورهایی که دارای سیستم های اجتماعی گوناگون هستند تغییر کرد . علاوه بر این اندیشه همزیستی مسالمت آمیز اندازه ای درد هن و بیخیل مردم جهان تقویت گردید که بتدریج حتی محافل بانفوذ کشورهای امپریالیستی مجبور شدند به کاهش تشنج بین المللی تن در دهند . البته این تغییر مهبسی بود ، اگرچه نیروهای ارتجاعی امپریالیسم از تلاش خود برای برهم زدن امر صلح در سیاره مادست برنداشتند .

این واقعیت را که کونیست ها به غلبه بر " جنگ سرد " در فاصله سالهای ۵۰-۷۰ کلنگ کردند و این پیروزی از اهمیت تعیین کننده ای برای آینده تمدن بشری داشت نمیتوان از صفحه تاریخ زدود ، اگرچه ، از قرار معلوم ، بعضی ها آنرا فراموش میکنند . کافی است که حداقل کم بهادان به سهم حزب کونیست اتحاد شوروی در وسط و تکامل اندیشه لنینی همزیستی مسالمت آمیز در انطباق آن با اوضاع پس از جنگ را خاطر نشان سازیم .

استراتژی مبارزه کونیست ها علیه امپریالیسم و جنگ ، در راه همزیستی مسالمت آمیز را یک " مرکز کونیستی بین المللی " تهیه و تدوین نکرده بود . چنین مرکزی در سالهای پس از جنگ وجود نداشت و اکنون هم وجود ندارد . این سیاست را کونیست های هر کشوری مستقلاً زمولفندی کردند . در کفرانس های بین المللی احزاب کونیست طی سالهای ۵۰ و ۶۰ باروح همکاری سازنده ، بطور پیگیر از استراتژی مبارزه در راه صلح ، علیه امپریالیسم و همچنین علیه تحریفات گوناگون اصول جنبش ما دفاع میشد . اسناد دفاع از صلح که کونیست ها مشترکاً بتصویب رسانده اند گواه بارزی بر احساس مسئولیت تاریخی آنهاست .

همانطور که احزاب برادریشکوی میکردند ، کاهش رویاروی کشورهای رعرصه جهان و کاهش تشنج هرد و مسود خلقهای تمام کشورها بود . این پروسه ، پس از آنکه خلق ویتنام با اتکا به همبستگی بین المللی و مقدم بر همه به پشتیبانی برادرانه کشورهای سوسیالیستی امپریالیسم امریکارا و اداریه پایان دادن به جنگ راهزنانه در سرزمین ویتنام ساخت استحکام بیشتری یافت .

کاهش تشنج برای قبول همگانی مرزهای پس از جنگ در قاره اروپا شرایط لازم را فراهم ساخت

و این نیز بنویسه خود راه را برای موفقیت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا هموار کرد . سند نهائی این کنفرانس که در سال ۱۹۷۵ در هلسنکی با مضامین رسید اساس های لازم برای ایجاد سیستم همزیستی سلامت آمیز در قاره را تثبیت کرد .

هیچکس هم نمیتواند این واقعیت را تکذیب کند که چرخش در پروسه های بین المللی در سالهای هفتاد پس آمد پیروزی اندیشه هائی بود که اتحاد شوروی ۵ سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی بین المللی مصرانه و بطور خستگی ناپذیر در راه آن مبارزه میکردند . این موفقیت گواه بر آن بود که نیروی جاذبه سوسیالیسم واقعی موجود در مجموع سیاست بین المللی بطور روز افزونی تأثیر بی بخشید . البته پروسه کاهش تشنج ۶ راه همواری نیست . از قضا بر سر این راه مانع جدی هم بوجود میآید . ولی آیا مقصد سوسیالیسم یا جنبش کمونیستی بین المللی است ؟ بهیچوجه . کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۷۰ برنامه صلحی راهبیه و تدوین کرد که تمام و کمال پاسخگوی منافع حیاتی تمام خلقها و کشورها بود . در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دادند که مبارزه سیاسی در راه تأمین پیشرفت هر چه بیشتر پروسه کاهش تشنج بر پایه توافق هلسنکی را چگونه تحریک بیشتری بخشند . مشی کشور شوروی در دفاع از کاهش تشنج برای سالها هشتاد راه بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین کرد .

پی بنای کاهش تشنج را از طرف دیگر و بران میکنند . هنگامیکه او اخرد هه گد شته بحران دراز مدت سیستم سرمایه داری جهانی عمیق تر شد ، در محافل حاکمه کشورهای امپریالیستی تمایل بممانعت از اینکه توده ها درک کنند ، علت بحران در سیاست خود نظام بورژوازی نهفته است تشدید گردید . نمایندگان تنگ نظر خیال پرور و کوتاه فکر محافل انحصاری حتی میکوشند مشکلات سرمایه داری را به پای کاهش تشنج بگذارند . آنها سادسده لوحانه چنین می اندیشند : اگر صلح آشکارا بسود سوسیالیسم است گویا برای سریانگهداشتن سرمایه داری باید کاهش تشنج را از بیخ و بن برانداخت . در حالیکه صلح برای همه لازم است . در قرن اتم راه دیگری برای ادامه دادن به موجودیت جامعه بشری وجود ندارد . ولی " نظریه " ضد کاهش تشنج برگه پراگت برای آن چرخشی در سیاست امپریالیسم امریکاشد که خطر جنگ را ایجاد کرد .

این شکل پیشرفت رویدادها ما را ملزم به یادآوری ضرورت حفظ و حراست مداوم صلح و حفظ هشیاری بدون تزلزل و تردید و هر چه فعالانه ترمیسازد . نمیتوان این را ندید ه گرفت که حمله متقابل شدیدا امپریالیسم علیه کاهش تشنج و ترقی اجتماعی مشکلاتی برای طبقه کارگر در سراسر جهان فراهم میآورد . تلاش ایدئولوگ ها و مبلغین بورژوازی برای استفاده از هر دشواری که در راه سوسیالیسم و جنبشی های آزادی خلقها پدید میآید اوضاع بین المللی را وخیم ترمیکند .

تجربه می‌آموزد که برای ضد انقلاب این تنها مهم نیست که دشمنان ما خواستار وخیم تر شدن اوضاع جهان باشند ، بلکه این نیز که ما مرتکب اشتباهاتی بشویم حائز اهمیت است . ولی هیچ اشتباهی که مسئولیت آن بمعهد و حزب طبقه کارگر باشد نمیتواند موافقت یا گشودن راه بروی ضد انقلاب یاسعی و کوشش در راه بازداشتن نیروهای انقلابی جهان از ابراز همبستگی بین المللی را تبرئه کند .

مشئ امپریالیسم امریکاد رجعت رویارویی با سوسیالیسم جهانی و تا زانندن مسابقه تسلیحاتی باعث تشدید هرچه بیشتر مبارزه ایدئولوژیک گردید . نیروهای ارتجاعی با تمام قوا میکوشند تصوراتی را در مردم ایجاد کنند که آنها را مجبور کند از دفاع از صلح دست بردارند . ادایه کوشش در راه تأثیر در جنبش کارگری بمنظور تقویت افکار ضد کمونیست و ضد شوروی در آن یکی از این وسائل است .

در شرایط موجود برای امپریالیسم دشوار است به این امید باشد که طبقه کارگر و محافل مرفقی با مسابقه تسلیحاتی و میلیتاریزه کردن کلیه عرصه های زندگی موافقت کند . بهمین سبب تبلیغات بورژوازی میکوشد حداقل در مردم این تصور را بوجود آورد که گویا سیستم سرمایه داری از قطب مخالف خود یعنی سوسیالیسم واقعی موجود بدتر نیست . تبلیغات بورژوازی در تلاش برای پایان بخشیدن به اعتراضات روز افزون علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم مرتباً دروغ پیش پا افتاده " خطر از سوی خاور " را ، که گویا محرک " غرب " در افزودن به نیروهای نظامی خویش است ، تکرار میکند .

در ورائی که اوضاع بحرانی وخیم تر میگردد و خطراتی که پدید میآید در مردم ترس و وحشت ایجاد میکند تبلیغاتی از این قبیل امکانات معینی برای تأثیر بدست میآورد . این تبلیغات از حالتی بهره برداری میکند که مردم از ترس سعی میکنند از مسائل موجود خود را بر کار نگهدارند و جرأت نمیکند شیوه وسوع برخورد خود بد آنها را تعیین نمایند .

" تئوری ابرقدرت های " کدائی که بموجب آن تضاد های موجود در دنیای معاصر گویانه نتیجه پیکار سرمایه و کار ، یا برخورد نیروهای جنگ و صلح ، بلکه ناشی از رویارویی ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی است که گویا هر دو به یک اندازه مسئول و خا متی میباشند که بوجود آمده ، میتواند نمونه ای از این باشد . از این نظریه وسایر نظریات همانند آن بدین منظور استفاده میشود که شمشه های جنگی دولت ریگان را گویانگرا رجاعی ترین منافع امپریالیستی است با برنامهُ صلح حزب کمونیست اتحاد شوروی که متعکس کننده امید های توده های مردم است در ردیف هم قرار دهند . این قبیل نظریات برای ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف نیروهای صلحدوست و تضعیف مقاومت در برابر سیاست جنگ مورد استفاده قرار میگردد . بدین طریق میکوشند امتناع از هستیانی از پیشنهادات صلحدوستانه کشورهای سوسیالیستی را هم تبرئه کنند .

تلاش برای اشاعه و تثبیت " تئوری ابرقدرت ها " در جنبش کارگری و یکک آن نفی اختلافات

بنیادی اقتصادی و اجتماعی - سیاسی طبقاتی میان امپریالیسم و سوسیالیسم و در نتیجه نفی اختلاف در برخورد این دو سیستم اجتماعی بمسائل جنگ صلح با پی آمد های ایدئولوژیک بسیار همراه است. اینگونه تلاشها به قرارداد ن جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری در نقطه مقابل دنیای سوسیالیسم منجر میگردد. این اقدام هم درست هنگامی صورت میگیرد که یکی از مهمترین وظائف طرفداران واقعی منافع زحمتکشان تحکیم یکپارچگی و وحدت طبقه کارگر و تمام نیروهای طرفدار صلح است.

کسانیکه موافق با برخورد غیر طبقاتی میباشند گاهی از این نیز روگردان نیستند که برغم واقعیات مسلم و آشکارا از ارزش و اهمیت سوسیالیسم واقعی موجود در تأمین صلح و دفاع از آن بکاهدند و این حقیقت روشن را فراموش کنند که جلوگیری از فاجعه هسته ای فقط با مساعی مشترک و یک جامعه کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر است.

نقش بی نظیر سوسیالیسم واقعی موجود و اتحاد شوروی در تأمین صلح و اطمینان عینی پیشرفت دنیای معاصر است که آرایش نیروهای طبقاتی و اجتماعی و کشورهای مختلف در عرصه بین المللی تعیین کنند آن است. تمهید اتحاد شوروی در مورد اینکه در استفاده از سلاح هسته ای پیشدستی نخواهد کرد تأیید تازه ای بر رسالت صلحدستانه سوسیالیسم است. این تصمیم تاریخی فوق العاده مهمی است که هدف از آن جلوگیری از خطر هسته ای است و به اقدامات توده های انبوه مردم بمنظور سالم سازی مناسبات بین المللی و در راه خلع سلاح و حذف خود امکان ویرانگری هسته ای از زندگی جامعه بشری نیروی تازه ای می بخشد.

مبارزه ایدئولوژیک در راه همکاری تمام نیروهای صلحد و ست از بحث و مذاکره در جنبش کارگری در اطراف راههای گداری سوسیالیسم جدا و مجزی نشده است. ولی اختلاف نظر و موضوع در مسائل اصلی انقلاب اجتماعی که در جنبش کارگری پدید آمده برای اقدام مشترک احزاب طبقه کارگر در دفاع از صلح و خواه کونیست ها و سوسیالیست ها باشند یا سوسیال دموکراتها مانع بر طرف نشدنی نیست.

در ضمن کونیست ها نمیتوانند تا وقتی که خطر جنگ مرتفع نشده است کار ایدئولوژیک میان توده ها را برای روشن ساختن مواضع اصولی خود در مسائل مربوط به مبارزه طبقاتی متوقف سازند و مبارزه ایدئولوژیک در راه جهان بینی خویش و سیاست دگرگونیها<sup>۱</sup> بنیادی انقلابی را به بعد موکول نمایند. هر نوع تخطئه و بی اعتبار ساختن نظریات و سیاست کونیست ها و یا تخطئه دست آورد های تاریخی سوسیالیسم قدرتی و نیروهای صلحد و ست را تضعیف میکند.

بدین سبب است که نباید به اظهاراتی از این قبیل که گویا سوسیالیسم واقعی موجود راه به سوسیالیسم " حقیقی " نشان نداده و گویا باید " از اول شروع کرد " بی توجه بود. بطوریکه میدان اینگونه " مصلحت اندیشی " برای نخستین بار نمایش داده و صرف نظر از نتایج و مقاصد نهی و آنها در آخرین



تحلیل فقط زحمتکشان را در مبارزه طبقاتی گمراه کرده اند. ولی در زمینه ایدئولوژیک - سیاسی کمونی جریان کارها، به همین محدود نمی‌شود. در پس این قبیل "توصیه‌ها" تصور کاملاً غیرواقعی پنهان است که گویا راه بردن به صلح بدون در نظر گرفتن نقش قاطع سوسیالیسم موجود در مقابل سیاست جنگ امپریالیستی و یاحتی برغم آن امکان پذیر است.

در جنبش کمونیستی همگان این را پذیرفته اند که راه بسوی سوسیالیسم و همچنین آشکال و شیوه‌های اشتراک در مبارزه در راه صلی راه‌حزبی بطور مستقل و با توجه به وضع مشخص در هر کشور و موقعیت بین المللی آن معین می‌کند. البته در ضمن مضمون گذار سرمایه داری به سوسیالیسم بمنزله پروسه قانونمندانه سراسر جهانی را که تئوری مارکسیسم - لنینیسم کشف کرده و طبعاً باید در نظر گرفت. ظن مسئله بدین شکل مستلزم درک ضرورت همبستگی انترناسیونالیستی نیروهای کمونیستی در مبارزه در راه صلح و دموکراسی و استقلال ملی و سوسیالیسم است.

از آنچه در بالا گفته شد، البته، چنین نتیجه نمی‌شود که گویانوی "مدل کلی" سوسیالیسم و دوران گذار بدان وجود دارد. در اسناد احزاب کمونیست و درست برعکس این گفته شده است. از جمله در برنامه‌ای که حزب کمونیست دانمارک در ۱۹۲۶ تصویب کرده تأکید می‌شود: "ما هیچ "مدل" سوسیالیستی را برسمیت نمی‌شناسیم و ولی قانونمندی‌های کلی ساختمان جامعه سوسیالیستی وجود دارد که در تئوری مارکسیستی - لنینیستی تدوین و فرمول بندی شده است" (۱).

در این مرحله و خامت اوضاع بین المللی و روشن ساختن این نکته بدقت حائز اهمیت است که فشار ایدئولوژیک امپریالیسم چه هدفی را دنبال می‌کند. فقط آنوقت است که مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی خصلت پیگیره و واقع بینانه و پرتحرکی کسب خواهد کرد. این کار مستلزم نوساختن مداوم آشکال و شیوه‌های امور ایضاً و تشدید آن در جنبش‌های ضد جنگ و سایر جنبش‌های اجتماعی و سیاسی بین توده‌ها است.

افشای سفسطه‌هایی که تدارک جنگ، از طرف امپریالیسم را تبرئه می‌کنند و همچنین مقابله قاطعانه با گذشت‌های ایدئولوژیک در مقابل فشارهای میلیتاریستی مانع پیشرفت اقدامات گسترده مجامع صلح‌دوست نیست. بعکس قشرهای تازه‌ای که توده‌ها خائنبوهی را شامل است و بدین اقدامات می‌پیوندد در صد در صد برمی‌آید این نکته را عمیقاً درک کند که مخالف آنان کیست و کی متحد آنان می‌باشد. کمک به درک این نکته رسالت بویژه پر مسئولیت کمونیست‌هایی است که نیروهای الهام بخش سوسیالیسم و سرچشمه‌های آنرا درک می‌کنند.

وضع کمونی جهان، همانطور که در آغاز سخن یاد آور شد، بسیار خرنج و پیچیده است و بسیاری هنوز قادر به درک و فهم آن نیستند. به همین جهت بررسی سمت‌های اساسی پیشرفت دوران معاصر حائز اهمیت بیشتری است. بدین سبب کمونیست‌های دانمارک آنچه را که طی این مقاله بیان شد بویژه مهم می‌دانند.

# نو و گهنة در سياست آنتى کمونيستم

سه سار پريس ، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست دومینیکان  
کارلوس سون ایگا ، نماینده حزب کمونیست شیلی  
در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

---

وسائل ارتباط جمعی بورژوازی دائماً شعارهایی را تکرار میکنند که شکلشان مختلف است ، ولی در واقع از لحاظ معنی و مفهوم شبیه یکدیگر میباشند . از دژهای امپریالیسم فرمان صادر میشود که " تروریسم را باید درهم کوبید ! " . خد متکبران آنها صد امید دهند که " جلوی مداخلات شوروی را بگیرید ! " . ارتجاع یکصد افراط میزند " در نیکاراگوئه استبداد مطلق حکمفرماست ! " . در سرپاز خانه هاشیپور هابه صد در میآید که " برای دفاع غرب نیروها را متحد سازید ! " این شعارها بیانگر تبلیغات شدید و پر دامنه ضد کمونیستی است که سراسر آمریکا را تین رافر گرفته است . بکمک این تبلیغات ضد کمونیست ها ظاهر میکنند توده ها را غافل کنند ، نظاً می راکه در کشورهای ما برقرار است تثبیت نمایند مردم را از امکان گزینش راه دیگری محروم سازند .

در این تردیدی نیست که کوششهای بیشمار و گوناگونی که برای دست یافتن به این هدف ها بعمل میآید نتیجه مستقیم موفقیت های مبارزات آزاد بخش ملی خلقها و مرتبط با تغییر تناسب نیروها در عرصه بین المللی و تأثیرات روزافزونی است که جامعه کشورهای سوسیالیستی در پیشرفت اوضاع بین المللی دارد . البته تشدید بحران خود صیتم سرمایه داری هم در این جریان بی تأثیر نیست . تلاشهای نو میانه امپریالیسم بمنظور ایجاد وحدت میان کشورهای اولت ها ، احزاب و سایر سازمانهای اجتماعی و شخصیت های سیاسی بر پایه آنتی کمونیسم هم از اینجانباشی میشود .

ورشکستگی سیاست " دفاع از حقوق بشر " کارتر مخالف حاکمه ایالات متحده آمریکا را ناچار ساخت با تمرکز سعی خود در جهت پشتیبانی از رژیم هایی که افرادی مانند پینوچت ، دو والیه و امثال آنان در رأس آنها قرار دارند و پیش کشیدن آنتی کمونیسم بمنزله پایه ایاید تئولوژیک و سیاسی اتحاد با ارتجاعیترین

رژیم‌های امریکای لاتین ورژیم‌های شبه‌فاشیستی سمت‌تازه‌ای بفآنتی کمونیسم بد هند ، اکتون نیزمانند گذشته تلاش‌های منظور سازگار ساختن سیاست ضد کمونیستی با شرایط تازه و در نظر گرفتن شکست‌های خط مشی سالهای پیشین بعمل می‌آید . بهمین منظور فرضیه یا حکم تازه با فرضیه یا حکم قدیمی تلفیق میشود ، از شیوه‌های تازه‌تری استفاده بعمل می‌آید و شیوه‌هایی هم که مدت‌هاست آزمایش گردیده بکار بسته میشود و در ضمن اشکال " گستاخانه " تبلیغ و زورگویی هم مورد استفاده قرار میگیرد . غرض از در هم آمیختن این هاقبای تازه پوشاندن براندام آنتی کمونیسم و افزایش شرمبختی آن است . چهره کنونی آنتی کمونیسم هم نتیجه این کیمیاگری است .

### بنام " امنیت ملی " ایالات متحده آمریکا

نیاز به شناخت کثرت نظریات ضد کمونیستی اولاً وابسته به تشریح و روشن کردن هدفها و ثانیاً به انجام وظایفی است کمنتیجه اعتلای مبارزات انقلابی است .

ژنرال دوید س . جونز صدر کمیته فرماندهان ستاد های نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا چنین اظهار میدارد : " . . . مادر د روانی زندگی میکنیم که یک کودتا ، اعتصابی بزرگ ، حمله تروریست‌ها یا جنگی که در نقطه‌ای میان دو کشور همسایه در جریان است تا حد و بسیار زیاد پیش از هر زمان دیگری میتواند بین آمد های جهانی بهار آورد که در مصالح ، بهر روزی و امنیت ملی ما هم تأثیر کند . برای ما چنان آگاهی و دید گسترده استراتژیکی ضروریست که مسائل منطقه‌ای را در چهار چوب های جهانی بگنجانده ( ۱ ) آ . هینگ وزیر امور خارجه و ک . واین برگروزیرد فاع نظریات خود را آشکارتر بیان میکنند . از اظهارات متعدد آنها معلوم میشود که اکنون توجه اساسی ایدئولوژییک و سیاسی به کدام نکته مشخص " مسائل امنیت ملی ایالات متحده آمریکا " معطوف میگردد .

تا پایان سالهای ده نظریه استراتژیک " جزای کوپنده " اساس د کترین نظامی - سیاسی واشنگتن را کلمبه‌تیزان علیه دنیای سوسیالیسم بود تشکیل میداد . در نتیجه بحران سلطنت امپریالیستی که پیروزی انقلاب کوبا یکی از مظاهران بود در مواد اساسی د کترین امریکائی امنیت ملی تجدید نظر بعمل آمد و نظریه " واکنش سریع " جایگزین آن شد . در باره امریکای لاتین در این د کترین ضرورت ایجاد و تکمیل ارگانهای دولتی اعمال تضییق و فشار برای مبارزه علیه نیروهای چپ پرست و انقلابی مرجح شناخته شده بود . این نیروها را " دشمنان داخلی " کشورهای امریکای لاتین و منشا " عوامل " فعالیت‌های خرابکارانه " معرفی میکردند . بنا به اظهارات پرزیدنت

ج. کندی "فعالیت خرابکارانه نوع دیگری از جنگ است که نیرویی که در آن عمل میکند تازه است ولی دارای منشاء کهنه است که همان جنگ چریکی است . . . ما ناچار خواهیم بود استراتژی نوی را مورد استفاده قرار دهیم ، نیروهای مسلح دیگری بوجود آوریم که آماده ساختن و تمرینات آنها هم نیازمند اشکال دیگری میباشد " ( ۱ ) ، امپریالیسم در سالهای ۶۰-۷۰ مصادف خود را در عرصه های نظامی ، سیاسی وایدئولوژیک درست در همین جهت متمرکز ساخت .

اکنون ، همانطور که ژنرال جونز طلب میکند جهات بینانی دکترین "امنیت ملی" از اهمیتی قاطع برخوردار است . تعریف ژئوپلیتیک جهانی که به دیپلومک نظامی - سیاسی تقسیم گردیده که رودر روی یکدیگر صرف آرائی کرده اند جلوشکیده شده است . هر رویداد اجتماعی - سیاسی در هر کشوری از کشورهای جهان که رخ بدهد بمنزله جزئی از جنگی که برای "منافع سیطره جویانه" اتحاد شوروی در جریان است ارزیابی شده و معرفی میگردد . در همین حال باید گفت که بیمن نظاریات ویژه " دشمن داخلی" و تعریف ژئوپلیتیک جهان هیچ تضادی وجود ندارد . بعکس ، از آنجاکه آنها در روی یک سکه واحد میباشند ارتباط بسیار نزدیکی بهم دارند و جزء تفکیک ناپذیر و کترینی هستند که خاطر نشان ساختیم و گفتیم که تحقق آن خط تعیین کننده سراسر فعالیت های دستگاه دولتی امریکای شمالی است .

ولی ، اگر آنتی کومنیزم در روز مبارزه علیه "فعالیت های خرابکارانه" را بر سر پرچم اصلی خود نهفته بود ، امروز ، بدون آنکه نوره ای از این مبارزه صرف نظر کرده باشد و حتی در همین تشدید آن ، میکوشد هرگونه تغییر در جهان را بمنابۀ برخورد با اصطلاح بسوگنا تشریح و تفسیر کند . این مسئله با وضوح تمام در سندی که وزارت امور خارجه تهیه کرده و از طریق سفارت ایالات متحده امریکایه اطلاع دولت های امریکای لاتین رسانده شده بازتاب یافته است . در آن سند گفته میشود "سیاست کویا وابسته و مشروط به مناسبات آن با اتحاد شوروی است . کویا با مداخلات خود که موجب مبارزات مسلحانه در امریکای لاتین میشود در رگیبهای محلی رابطه صورت وضعی در میآورد که میان شرق و غرب بوجود آمده است " ( ۲ ) .

البته ، صحبت فقط بر سر مبارزه مسلحانه نیست . حالا ، هر جنبش خلقی ، هر اقدام انقلابی ، ضد امپریالیستی یا دموکراتیک بید رنگ جزئی از "تجاوز بیرون قاره ای" از طرف اتحاد جماهیر شوروی اعلا میگردد و یا همانند عملی کفاب با سیلاب "دعای شوروی" میریزد محکوم میشود .

1 - S. Rojas, Reflexiones sobre la Doctrina de la Seguridad Nacional en Chile. " Araucaria de Chile". N 9, 1980. p.48.

2 - " Qué Pasa ", 7-13 de enero de 1982, p.22.

برای تبرئه سیاست ضد کمونیستی از هروسيله ای استفاده بعمل میآید . مافقط نمونه ای را شرح میدهم که ك ، نویهرگروه روزنامه نگاری که ۳۶ سال مل سیاراد ركوستاریکا افشا کرده ورویسهمرفته در امریکای مرکزی وحوضه کارائیب نزدیک به دویمست جاسوس امریکائی را برملا ساخته ضمن گفتگوی خود با رهبران حزب پیشتازخلق کوستاریکا آنرا تمریف کرده است . طبق اظهارات نوی هرگروه این عاطمین مساعی خود را بدین معطوف کرده بود ندکه " به افکار عمومی بقیولا نند که گویا امریکای لاتین هد فندقشده شوم برقراری حاکمیت شوروی وکوباگریده است وگویا طراخان این نقشه هم اکنون در ایجاب پایگاه درنیکاراگوئه توفیق حاصل کرده اند وحالا درجهت تصرف سالواد ووعمل میکنند " (۱) .

نسخه ای که " تراست مغز " واشنگتن برای مبارزه با جنبش میهن پرستانه ود موکراتیک تهیه کرده به سیار ساده است ، بدین ترتیب که توجه همگان را باید به آنتی صوفیتیم معطوف ساخته وانرا در مرکز فعالیت های ضد کمونیستی قرار دهند . با وجود کوتاه نظری ومحدودیت آشکار جنبش سیاسی ، بویژه در شرایط کنونی ، نمیتوان به پی آمدهای ناشی از آن کم بهاداد .

از لحظه پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی در جهان ، ارتجاع جهانی بطور پیگیر دست بکاراشاهه وتبلیغ نورغ وایا طیلید ضد شوروی شده است . آنتی صوفیتیم را بدین سبب مسورد استفاده قرار میدهند تا بتوانند منکر علل واقعی وعینی گردند که خلقهای مارا بر آن میدارند که در راه استقلال واقعی بیکار کنند . اتهاماتی از قبیل " مداخله از خارج " بمنظور وشاندن این واقعیت است که علل حقیقی مبارزه در راه تحولات اجتماعی وترقی در استثمار بیرحمانه امریالیستی ، فقدان آزادیهای سیاسی ووجود تضییق وفشاری که از طرف طبقات حاکمه اعمال میگردد نهفته است .

امپریالیست ها مبارزان در راه دموکراسی را با سخنانی از این قبیل میترسانند که پیروزی انقلاب گویا نخستین گام درجهت کشاندن شدن به " دایره نفوذ شوروی " است . تمام اینها از یکطرف برای تحریف نقش اتحاد شوروی در عرصه بین الطلی واز طرف دیگر بدین منظور است که نه فقط کوشش های عظیم آنرا بخاطر دفاع از صلح در مقابل فاجعه هسته ای ، بلکه مواضع تزلزل ناپذیر جامعه کشورهای سوسیالیستی در پشتیبانی از حق خلقها برای تعیین سرنوشت وهمبستگی با مبارزات آزاد راهم بدنام کنند .

در ردیف سیاست دولت

قرارداد ن آنتی کمونیسم در ردیف سیاست دولت یکی از وسائل است که بکمک آن امپریالیسم

والیگارشی میکوشند سلطه خود را در کشورهای امریکای لاتین استحکام بخشند. برخی از دیکتاتوری های تازه ما که دارای خصلت فاشیستی میباشند، درست اینطور عمل میکنند، آنتی کمونیسم عامل ایدئولوژیک - سیاسی قاطعی گردید که آنها را به حاکمیت رساند و حفظ کرد.

این دیکتاتوری ها موازینی در حد قانون اساسی تهیه کرد و وعده میسازند که کمونیسم را دشمن عمد معرفی میکنند. در چنین شرایطی مرا سر فعالیت دولت تابع "رهش کن ساختن فئود" مارکسیستی "میشود. تمام منابع و تمام نیرو و وسائل اعمال نفوذی که دستگاه دولت در اختیار دارند، مقدم بر هر چیز دستگاه تضییق و فشار رسمی و سختی، ارتش، وسائل ارتباط جمعی، سیستم آموزش و پرورش، دستگاه های قضائی و دایره پلمتیک مانند اینها به خدمت آنتی کمونیسم گمارده میشود. تبلیغات امپریالیستی بمعنی واقعی کلمه سرشار از جمله به کمونیست ها و اتحاد شوروی و مطالب و مقالات و تفصیرهای تحریف شده است. کمونیست ها از حق و امکان اشتغال در ارگانهای دولتی محروم شده اند و از موسسات خصوصی هم آنها را اخراج میکنند. برای جلوگیری از "سرایت کمونیسم" به نسلهای آینده مرتباً بکودکان و جوانان افکار و نظریات خاصی و در جهت معینی القا میگردد. یکم شیوه های خاص دولتی تعلیم مردم اوس و دانشکده ها تاریخ راه اشکال مختلف تحریف میکنند. از پخش جزوات و کتابهای فاشیستی، سازمانت بعمل نیاید و از جمله در بعضی جاها از نسو "نبرد من" هیتلر دست برداست میگردد. در دانشکده ها و دانشگاهها کترین "امنیت ملی" جزوه مواد اجباری تدوین میشود. حتی در فولکلور و فرهنگ مردم هم با "احوال و روحیه طوفانی از کمونیسم" مبارزه میشود.

دیکتاتوریهائی هم که میکوشند خود را بمنزله دیکتاتوری "معاصر و تکنوکرات" قلمداد کنند مهم خویش را در مبارزه با کمونیسم ادا میکنند. در جریان این کار آنها در جهت عمل میکنند. آنها از یکسو با استناد به براتیک هلاکتبار احزاب مزدور و بورژوازی که در یک سلسله از کشورهای راس حاکمیت قرار دارند و در عین حال با حلقه به تجربه اشتراک توده ها و راداره امور کشور خود، دموکراسی بورژوازی را نفی و رد میکنند. بجای آن دموکراسی "ارشادی" یا "محدود" را که طایفه کمانی است که حاکمیت ثروتمندان را تهدید میکند (یعنی در درجه اول علیه طبقه کارگر و کمونیست ها) به عرض اعلا میرسانند.

از سوی دیگر محیصلترین ایدئولوگ های ارتجاع میکوشند "کهنه گی" مارکسیسم - لنینیسم را با اثبات پسرانند. بطور مثال برای افسران، مدبران و کادر اداری موسسات و رؤسای دانشگاهها سخنرانی، کنفرانس و کورس هائی تشکیل میدهند که هدفشان قانع ساختن شنوندگان به اشتباه آمیز بودن "پیشگوییهای" مارکس و وجود "مکروتزویر" در آموزش لنین است. طبق چنین نظریاتی

بحران سیستم جهانی سرمایه داری ، موفقیت ها و استواری سوسیالیسم و همچنین مسأله تصلیحاتی  
لجام گسیخته ای که مجتمع نظامی - صنعتی امپریالیسم براه انداخته گویا قانونمندی پیشرفت  
اجتماعی را که مارکسیسم کشف کرده نفی میکنند . اما درباره لنینیسم ، حالا نه فقط میکوشند لنین و  
مارکس را " بجان هم اندازند " ، بلکه نوعی " خصلت شوم " شیوه های انقلابی لنین را هم که مورد  
استفاده کمونیست ها است باثبات رسانند . بدین ترتیب ، همچنانکه ساختن حالا هم مانند گذشته  
صلاح اصلی ضد کمونیست ها است .

حتی در آن دسته از کشورهای امریکای لاتین هم که رژیم های بورژوا - دموکراتیک در راس  
حاکمیت قرار دارند گرایشهای نظیری با جریان های سیاسی که بیانگر وجود آنها است خود را نشان  
میدهند . ارتجاع به این ترموسل میگردد که گویا کمونیست ها " با محیط اجتماعی کشورهای منطقه  
ما و منافع خلقهای این کشورها بیگانه نمیشوند " . در ضمن سازمانهای مترقی مختلف و رجال دموکرات  
را به وابسته بودن به کمونیست ها متهم میکنند . تکرار ادعای این تزوتیپل آن به کلیشه گاهی نتایجی  
ببیار میآورد . بطور مثال ، همانطور که حزب کمونیست کلمبیا خاطر نشان ساخت ، برقراری " وضع  
امن و آمان " این ولد محلی در کترین " امنیت ملی " ایالات متحده امریکاد ر واقع معلول این قبیل علل  
است . در سند حزب کمونیست کلمبیا گفته میشود " صحبت بر سر حفظ حالت جنگ مستعربانه احزاب  
و سازمانهای چپ پشکل قانونی است نه بر سر شرایط تازه ای که واکنش در قبال وضع جدیدی را که  
پدید آمده الزام میکند " ( ۱ ) .

حتی در مواردی که در یکتا توپهائی که آنقی کمونیسم را به سیاست دولت مبدل کرده اند ،  
صحنه سازی انتخاباتی بر راه میاندازند ، با این عمل خود فقط تغییر ناپذیری این سیاست را تأیید  
میکند . کاملاً واضح است که تغییر افراد در صحنگان حاکمیت در کشورهای که این قبیل دیکتاتوریهها  
حکومت میکنند بهیچوجه صحت اساسی مشی ضد کمونیستی دولت را تغییر نمیدهد . بطور مثال در  
ارتباط با مسخره بازی انتخاباتی مارس ( سال ۱۹۸۲ ) در گوآتالا حزب کارتاکید نمود که  
" عملاً تمام برنامه های مهم ارتجاعی در کوشش برای " رهانیدن گوآتالا از کمونیسم " یعنی حفظ  
رژیم حاکمیت استثمار و بیعدالتی که مادر شرایط آن بصر میبریم ، با هم تطبیق نمیکردند . فرق آنها  
فقط در برخی جزئیات بود : در بعضی از آنها تکیه بر تدابیر عوامشربانه در رشته های اقتصادی و اجتماعی  
میشود و در برخی دیگر بر فعالیت خائنانه و خشونت بارد ستگاه دولتی شبه فاشیستی . این پیروسه  
بطور کلی در چهار چوب مشی عمومی ضد انقلابی امپریالیسم انجام میگردد " ( ۲ ) .

1 - " Documentos Politicos " , enero-febrero de 1979, p.13.

2 - " Verdad " , septiembre de 1981.



این درست است که دموکراسی بورژوازی نسبت به دیکتاتوری فاشیستی یا شبه فاشیستی هنوز هم برای بورژوازی مطمئن ترین وسیله تحقق سلطه طبقاتی آن در تعدادی از کشورهای منطقه است و همین سبب هم هنوز ارزش و اهمیت خود را حفظ کرده است. ولی این هم معلوم است که توان زهمت چنین دموکراسی منهدم و است و خود آنهم در برخی از موارد حتی برای سیستم سرمایه داری خطری بشمار می آید. رویداد های شیلی و حاکمیت رسیدن جنبه وحدت خلق و موفقیت های جنبه وسیع در اورگوئه که هر چند در سال ۱۹۷۳ حاکمیت را بدست نیاورد ولی عمده ترین نیروی سیاسی کشور را تشکیل میداد و بالاخره پیروزی نیروهای انقلابی و دموکراتیک بلوی در انتخابات سال ۱۹۸۰، همه برای صافل امپریالیستی بمنزله هشدارهاشی بود. اگر قانون منافع سرمایه را زیرضربه قرار میدهد باید آنرا از سر راه برداریم و این نتیجه گیری ارجح بود و درست همینطور هم شروع به اقدام کرد.

رژیم های دیکتاتوری باید دموکراسی بورژوازی میکوشند حاکمیت را بدوین هیچگونه تغییری در شکل اندازد و امور کشورنگهدارند و مانع استفاده از نهادهای بورژوازی دموکراتیک بمسود مردم بشوند. بدین ترتیب برخی از اقلیت بورژوازی قواعد بازی خودشان را هم مراعات نمیکند.

معلوم است که برخی دموکراسیها و ناگامی های موقتی در مبارزه مآنتی کونیسم بهیچوجه گواه بر نیرومندی ضد انقلاب نیست، بلکه بعکس، اثبات کننده ضعف آنست. اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم همزمان هرچه شایان توجه تری در قاره امریکا لاتین انتشار می یابند و جنبش توده ای در راه تغییر سیستم اجتماعی موجود و ایجاد شرایط زندگی واقعا عادلانه برای زحمتکشان تشدید می یابد. قشرهای انبوه هرچه بیشتری از اهالی خصلت تغییر و تحول مورد نیاز راههای تحقق آنها را با آموزش سوسیالیسم علمی ارتباط میدهند. این واقعیت گرایش اساسی پیشرفت را منعکس میکند. مسیحیون، دموکرات ها و نمایندگان روشنفکران انقلابی با بسیاری از نظریات موافق هستند و همین امکانات تازه ای برای تفاهم متقابل و وحدت فراهم می سازد.

مذهب در گذشته یکی از زمینه های ایدئولوژیک اساسی آنتی کونیسم در امریکا لاتین بود و از آنجا که ۸۵ درصد سکنه قاره ما را افراد مذهبی تشکیل میدهد آنتی کونیسم موفق میشد به هدیفهای خود دست یابد. ولی پس از دو مین گره هم آشی و اتیکان و "پروسه تجدید طلبانه ای" که بزودی آغاز گردید وضع در آئین کاتولیک خیلی تغییر کرد. کلیسای یگرمیزان گذشته از "صوتن های" آنتی کونیسم بحساب نمی آید. میلیونها تن از افراد مذهبی همراه با کونیست ها در تظاهرات علیه امپریالیسم اشتراک میورزند. دیاالوگ مسیحیون و مارکسیست ها در زمینه ایدئولوژیک کف در جستجوی مواضع مشترک در مبارزه ضد امپریالیستی میباشند گسترش یافته و ادامه دارد. این پدیده

به‌ویژه در شیلی، پروزیل، سالوادور و برخی کشورهای دیگر چشم می‌خورد و جریان انقلاب  
سازد بینیمتی در نیکاراگوئه با نیروی خاصی بروز کرد.

بدین ترتیب میتوان گفت: امکانات امپریالیسم برای دفاع از منافع خود در قاره مد و تتر  
شده است. در صورت بهمین سبب دولت ریگان تمام مسائل و امکانات اقتصادی و دیپلماتیک و نظامی  
را که در اختیار دارد برای کشاندن کشورهای امریکای لاتین به برافروختن هیستری ضد کمونیستی  
و ضد شوروی مورد استفاده قرار میدهد. ولی با وجود این وا شنگتن اکنون قادر به تأمین وحدت نظر و  
عمل در منطقه نیست و رأینده همه مشکل بتواند بدان دست یابد.

### در خد دست به اعمال زور ارتجاعی

پروژوازی که در اکثر کشورهای قاره در رأس حاکمیت قرار دارد، همانند سایر مناطق جهان،  
تضمین و فشار علیه مردم را تشدید میکند. بدامنه ترور افزوده میشود، شیوه‌های انجام آن بطور  
مداوم تکامل مییابد و گاه و بیگاه این تضمین و فشار به خونریزی و جنگهای خانمان برانداز می‌بدل  
میگردد. ظلم و تعدی بسیار است و اقشار مختلف جامعه آنرا محکوم میکنند. تضمین و فشار توأم با  
خونریزی، کشتارهای ناجوانمردانه و تهدید شکنانه، بودن و سر به نیست کردن افراد، شکجه‌های  
جسمی و روحی، بازداشت و زندانی کردن و تهیید افراد از رویداد های رایج و روزمره است. مجمع  
عمومی سازمان ملل متحد، بارها این وحشیگری را محکوم کرده است.

آنتی کمونیسم از آغاز پیدایش خود به شکل نوعی مجوز رسمی (کارت بلانش) در آمده که "حق"  
در دست زدن به هر جنایتی را علیه نمایندگان نیروهای مردمی و مقدم بر همه علیه کمونیست‌ها، تمام  
انقلابیون و موکراتها تأمین میکند. ارتجاع امریکای لاتین با تغییر و تبدیل دست‌آورهای خود و  
سازگار ساختن آنها با شرایط مشخص مبارزه طبقاتی و نیازهای ویژه خویش همواره از آنتی کمونیسم  
برای استتار سیاست ست‌گرانه خود استفاده کرده است. اینک بمنظور توسعه دامنه این سیاست  
تجهیز ارگانهای سرکوبی و مجازات به‌ویژه نیروهای مسلح با وسائل تکنیکی لازم بشدت افزایش داده  
میشود. پرسنل ارتش را با احوال و روحیه ضد کمونیستی شدید بار می‌آورند. دستگا فنیبه نظامی  
فاشیستی ایجاد و مستحکم میگردد که هدف فتن ناپود ساختن کمونیست‌ها و موکراتهای پیگیر است.

"آلمانس ضد کمونیستی آرژانتین"، "اسواران مرگ" در پروزیل، "دسته انتقام قربانیان"  
در شیلی، MAC ("مرگ بر روی پندگان") که جانشین گروهک "دست سیاه" در کلمبیا گردیده و  
فیروز در سراسر قاره شهرت عم انگیزی یافته اند. در بکناتور پهل و برخی دولت‌های پروژوا و موکراتیک  
نه فقط از فعالیت این قبیل سازمانها جلوگیری نمیکنند، بلکه، بعکس، با آنها در ارتباط هستند،

از آنها حمایت میکنند و آنها را بمبارزه علیه کمونیسم تشویق و ترغیب مینمایند . بطور مثال در پلیدی نوعی همزیستی و همکاری ارگانهای امنیتی دولتی و سرویسهای اطلاعاتی ارتشی با دارودسته های فاشیست های محلی ، تبهکاران و کلان های قدرتمند خرید و فروش مواد مخدر وجود دارد . نازی های معروف نقش " مشاور " را بعهده دارند . در جریان کودتای نظامی سال ۱۹۸۱ این گروهها نیروی ضربتی را تشکیل میدادند و تا امروز هم به فعالیت خود ادامه میدهند .

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا از سرویسهای اطلاعاتی ارتش و ارگانهای ویژه مبارزه با " فعالیت های خرابکارانه " بمقیاس تمام قاره پشتیبانی بحمل میآورد . تصمیمات چهاردهمین جلسه مشورتی فرماندهان نیروهای مسلح کشورهای سازمان کشورهای امریکائی از جمله برایین گواهی میدهد . با سرکار آمدن ریگان مبارزه علیه اصطلاح تروریسم بین المللی شوروی-کوبا در ردیف بدیهیات سیاسی درآمده است . در هم آمیزی و ارتباط بسیار نزدیک سیاست آنتمسی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم از یکسو و تضییقات شدید و بیرحمانه ضد انسانی از سوی دیگر نتیجه این پدیده است . " دلائل " ضد کمونیستی برای آنست که پیش از پیش دامنه تروررا گسترش دهند و حامین ترور در بسیاری از موارد این " دلائل " را خود میتراشند .

این سؤال را باید مطرح ساخت که در حقیقت چه چیزی باعث پیدایش ترور و کمونیسم و کوبا " در امریکای لاتین گردیده است ؟ دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم را چه عللی به جعل آن واداشته است ؟

پس از پیروزی انقلاب ساندینیستی در نیکاراگوئه خلقهای بسیار دیگری در قاره برای آزادی خود در راه مبارزه مسلحانه گام نهادند . حقیقت این است که رژیمهای دیکتاتوری راه چاره دیگری برای آنها باقی نمانده اند . در چنین شرایطی این موضوع برای امپریالیست ها حائز اهمیت است که اتحاد شوروی و کوبا را بعهده اخله در مورد اخلی سایر کشورها متهم سازند و مسئولیت ظلم و ستم و اعمال قهری را که در جریان مبارزه طبقاتی پدید میآید بعهده آنها گذارند . محافل امپریالیستی با علم کردن کلمه " تروریسم " میکوشند مبارزه مسلحانه ها را نه ای را که جنبه آزادی ملی فارا بوند طوقی در سالوادور انجام میدهند با اقدامات تروریستی " بریگاد های سرخ " در ایتالیا و بریکاد ردیف قرار دهند و با عملیات جنگی چریک های گواتمالا را با انفجار وحشیانه دینامیت در یکی از معاهد یهودیان در فرانسه یکسان جلوه دهند . آنتی کمونیست ها بدین ترتیب مضمون طبقاتی اعمال قهری را زمین میبرند . آنها با زدن برجسب " تروریست " به انقلاب بیون میکوشند تضییق و فشار را مستور ساخته و بدان شکل قانون بدهند .

وحدت کلید موفقیت نیروهای انقلابی و موقتیک است. این فرمول بمناسبت بین‌المللی شدن مبارزه طبقاتی، همانطور که با پیروزی ساند نیست ها در نیکاراگوئه زوتاً پدید شد عمومیت پیدا میکند. توده‌ها در بسیاری از کشورها میکوشند از تجربه نیکاراگوئه درس بگیرند. امپریالیسم هم از آن بشیوه خود درس میگیرد و زانسی کونیمس و آنتی سوسیالیسم بمقیاس گسترده ای بمنزله وسیله ای برای جدائی و نفاق افکنی استفاد میکند تا جریانهای مختلفی را که خواستار تغییرات اجتماعی هستند از یکدیگر جدا سازد. امپریالیست ها بمنظور کند ساختن پیشرفت انقلابهاش که پیروز شده اند و با جلوگیری از پیشرفت آنها چه این تاکتیک متصل میگردد. توماس بورخه وزیر کشور نیکاراگوئه با استناد به سند کذائی سان تافه (۱) که بوسیله گروهی از مشاورین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا تهیه و تدوین گردیده است خاطر نشان میسازد که "پشتیبانی نظامی از دولت های ارتجاعی با تشدید تبلیغات در زمینه آیدئولوژی تلفیق میگردد و پایه و اساس این تبلیغات راهم آنتی کونیمس و خرابکاری در عرصه آیدئولوژی تشکیل میدهد" و بنا بگفته او تبلیغات دامنه دار ضد کونیمستی "برای منحرف ساختن ما از محل و فصل مسائل مبرم بحمل میآید" (۲).

در اینجا بجا است به پدیده ای اشاره کنیم که اغلب در کشورهای منطقه بچشم میخورد. محافل در موقتیک که تحت لوای آنتی کونیمس سرورد تصبیق و تعدی قرار میگیرند، با وجود این، اکثر اوقات خودشان هم از این آیدئولوژی ارتجاعی طرفداری میکنند. گاهی حتی برخی از نمایندگان نیروهای انقلابی از موضع ضد کونیمستی و ضد شوروی سخن میگویند. اگر این پدیده جامعه آمیز نبود ممکن بود آتراید یا ماتسدا و نقیض و خارق العاده بشمار آورد. این پدیده یکی از جدیترین موانعی است که مبارزه ما را در شورامی سازد و مانع دست یافتن به پیروزی میگردد. بهیچوجه صحبت برسوا این نیست که بخشی از انقلابیون که پیشداوریهای ضد کونیمستی بین آنها وجود دارد، اختلاف نظرهایی با کونیمست ها دارند یا نه. وجود چنین اختلاف نظرهایی کاملاً امکان پذیر و حتی ناگزیر است. بدون تردید مواضع ضد کونیمستی برخی از گروههای انقلابی (۳) که بین آنها اشخاصی وجود دارد که حاضرند جانشان را فدای آرمانهای مبارزه علیه امپریالیسم نمایند ناشی از سکتاریسم است که تاکنون بر طرف ساختن آن از پراتیک روزمره مبارزه سیاسی میسر نشده است.

۱ - رجوع کنید به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۷، ۱۹۸۱ و شماره ۱، ۱۹۸۲.

۲ - "Granma" 28 de enero de 1982.

۳ - معلوم است که در اینجا ما ثنویت ها و تروتسکیست ها را در نظر نداریم، آنها آنتی کونیمس را محور تمام فعالیت های خود قرار داده اند و به همین سبب هم نفوذ خود را در قاره هر چه بیشتر از دست میدهند.

نتیجه‌گیری‌های جلسه مشورتی احزاب کمونیست امریکای لاتین و حوضه کارائیب ( هاوانا سال ۱۹۷۵ ) در ارتباط با این موضوع آموخته است . در اعلامیه‌های آن تأکید شده است که کمونیست نبودن و ضد کمونیست بودن در چیز مختلف است . موضع‌گیری گروه‌های راکه نام بردیم از بسیاری جهات با عللی میتوان تشریح نمود که به منشاء طبقاتی برخی از نمایندگان آنها و تأثیر تبلیغات ضد کمونیستی مربوط است .

سوالی پیش می‌آید که این عوامل طبقاتی چطور بروز میکنند ؟ و تأثیر متقابل آنها با آنتی کمونیسم چگونه است ؟ پاسخ به این پرسش‌ها بسیار مهم است ، زیرا پیروزی انقلاب تا حدود زیادی وابسته به استواری وحدت کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی است . بدیهی است که این قبیل پاسخ‌ها نیازمند دانستن دقیق هر روضه مشخصی است که پدید می‌آید . با اینهمه ما میکوشیم ، بطور شاماتیک هم شده به برخی از جهات این مسئله معین را مورد توجه قرار دهیم .

بدون تردید احزاب و سازمان‌هایی که از لحاظ خصلت خود بورژوازی هستند ، ولی به بلوک‌های حاکمه تعلق ندارند و با شیوه‌های تروریستی حکمرانی موافق نبوده و علیه آن مبارز میکنند ، داخل در محافل دموکراتیک کشورهای قاره میباشند . البته چنین مبارزه‌ای از لحاظ ماهیت خود فقط در جهت ایجاد تغییر و تحول در اشکال حکمرانی بورژوازی است و خود حاکمیت آنرا مورد شک و تردید قرار نمیدهد . بنابراین ، شگفت آور نیست که این قبیل احزاب و سازمانها در ضمن افشای رژیم‌های دیکتاتوری و ملامت آنها ، اقدامات تبلیغاتی گسترده و واید تئولوژیک ضد کمونیستی فعالانه اشتراک می‌ورزند . تعلقات طبقاتی محدودیت تغییر و تحولی را که آنها خواستار میباشند الزام میکند . ولی در این قبیل سازمان‌های سیاسی گروه‌ها و برخی افراد مترقی هستند که ضمن افشای فعالانه عیوب نظام سرمایه داری و پیش کشیدن خواسته‌های ضد جنگ ، بدون اینکه کمالاً از نظریات ضد کمونیستی خود بی‌خبرند دست بردارند ، در موارد معینی برای همکاری متقابل با کمونیست‌ها گام می‌نهند . موفقیت‌های آند های سوسیالیسم علمی در قاره در این نیز نهی نمی‌نمایان میگردد .

در باره نیروهای انقلابی - دموکراتیک امریکای لاتین باید گفت برخورد آنها نسبت به آنتی کمونیسم پدید یافته بفرنج تری است . آنها به علت منشاء خرد بورژوازی و وضع اجتماعی و تجربه خود آشکارا با سرمایه داری مخالفت میکنند . در همین حال تلاش میکنند راهیانه‌ای برای حل تضاد اساسی دوران ما پیدا کنند و تئوری بنا نهادن " سوسیالیسم دموکراتیک " را وضع میکنند .

بسیاری از این جریان‌ها ( جنبش‌ها یا احزاب ) در راهی گام بر میدارند که مبداء آن نظریات مارکسیستی - لنینیستی نیست ، بلکه در جهت آن است . آنها در فعالیت‌های تئوریک و پراتیک خود اغلب از نظریات و جهان بینی بورژوازی به مواضع علمی می‌رسند . ولی این پروسه چندان پیگیر

نیست و عوامل گوناگونی مانع تحقق آن میگردد . تبلیغات و وسائل ارتباط جمعی بورژوازی هم در این نقش کوچکی ندارند . متأسفانه گاهی با تأثیر نه در ذهن و ضمیر بلکه در ابتدائی ترین جهات پسیکولوژی انسانها به مقصد خود میرسد .

اشاعه و انتشار نظریات متمدل و خرافاتی که بطرق مختلف چندین بار تشدید میگردد و همراه با ترساندن آشکار مردم زرادخانه متد های ضد کمونیستی در امریکای لاتین را تشکیل میدهد . در چنین حالتی ، اگر شنیده شود که میگویند باید علیه این یا آن دیکتاتوری ترویج بعضی مبارزه کرد بدو اینگونه و به برقراری رژیم باصلاح " دیکتاتوری صرخ " راه داده شود ، البته نباید تعجب کرد . این قبیل خرافات و سخنان قالبی دست بدست هم داده و هدف واحدی را دنبال میکنند و آن یکسان جلوه دادن اهانت آمیز رژیمهای فاشیستی و شیوه هایی که مثلا در او روگوشه و شیلی مورد استفاده قرار میگردد با سیستم و راه و روش اداره کشور در سوسیالیسم است .

اینشتین ، زمانی ضمن صحبت درباره آنتی سمیتسم ( ضدیت با یهودیان ) گفت تجزیسه همسته اتم بسیار آسان تر از این بردن خرافات است ، او بدین ترتیب برد شواری ریشه کن ساختن افکار خرافی و موهومات از ذهن و ضمیر انسانها تأکید میورزید . در کشور ما هم بسیاری از موکراتها و انقلابیون با چنین دشواریهایی برخورد میکنند . آنتی کمونیسم ، با استفاده از خرافات و نظریات قالبی و متمدل میکوشد پشتیبانی افکار عمومی را هم که در جستجوی پاسخ به مسائل گوناگون زندگی اجتماعی ملی و بین المللی میباشند جلب نماید .

اوضاع کنونی جهان مانع شکوفائی دکترین های توصیف شده از طرف امپریالیسم مانند تئوری " همگرایی " یا " جامعه ماوراء صنعتی " ، حتی برای دورانی کوتاه و موقتی است ، زیرا دشواری هایی که اکنون سرمایه داری با آن دست بگیرد ، است بسیار زیاد است . این نیز حاکی از اهمیت بسیار است که طی بیست ساله اخیر تصورات واقعی درباره سوسیالیسم موجود کنونی بی اندازه گسترش یافته است . کوبای نو نمونه درخشانی برای مردمان قاره است .

برخلاف این ، امید ثلویگ های آنتی کمونیسم ، چنانکه گفته شد ، میکوشند بهتر ترتیبی که ممکن است از آنجانب اعتبار اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بکاهند . بدین سبب است که مبارزه علیه افکار خرافی و متمدل ضد کمونیستی همگی از وظائف عمده نیروهای انقلابی قاره مبدل میگردد .

نویسندگان این مقاله ، البته قادر نبودند در این مختصر تمام جهات آنتی کمونیسم را در امریکای لاتین کنونی مورد بررسی قرار دهند . بطور مثال یکی از مسائل مهم یعنی شرایط ویژه اشاعه و ترویج آنتی کمونیسم در نیروهای مسلح و در جنبش متشکل کارگری و سندیکائی مورد بحث قرار نگرفته است . همچنین بسیاری از مسائل بلاواسطه مبارزه با آنتی کمونیسم و آنتی سمیتسم هم روشن نگردیده است .

ما مقدم بهره‌رچیز، کوشیدیم این رانسان د هیم کفانتی کمونیسیم د رقارمه‌اگرایش اساسی نیست. احوال و روحیه ضد امپریالیستی که به شدت آن افزود همیگرد، به توده ها کمک می‌کند تا به تجربه دریابند دوست و دشمن آنها کیست. اقدامات مشترک اقشار بسیار گوناگون جامعه علیه امپریالیسم استوارتر می‌گردد و د افکار نیروهای که در آن اشتراک می‌ورزند نه محدود تر، بلکه وسیع تر میشود. تمام اینها به شکست سیاست ضد کمونیستی یاری می‌رساند.

با وجود این، اکنون بیش از هر زمان دیگری باید مبارزه پانتی کمونیسیم و افشای اشکال راه و روش و شیوه های آنها حائز اهمیت دانست.

#### بقیه از صفحه ۱۷

باشد تحمیل نمی‌کند. اتحاد شوروی با همان واقعیت موجودیت خود، پراچیک ملموس مناسبات اجتماعی و بین المللی طراز نوین و منیروی سرمشق قرار گرفتن در حل و فصل بخرنج ترین مسائلی که سرمایه داری قادر به حل آنها نیست در جریان تاریخ تأثیری روزافزون میکند (۱).

بدون تردید این سرمشق در آینده نیز منبع اطمینان بخود برای تمام نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم خواهد بود.



## گئورگی دیپیتروف و دوران معاصر

در صوفیه کنفرانس تئوریک بین المللی برای بحث و مذاکره در اطراف موضوع "فعالیت و آثار گئورگی دیپیتروف و دوران ما" برگزار گردید. این کنفرانس که بوسیله کمیته مرکزی حزب کمونیست بلخارستان سازمان داده شده بود یکی از اقدامات اساسی بود که در ارتباط با صد مین سال تولد شخصیت برجسته جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و فرزند کبیر مردم بلخارستان، گئورگی دیپیتروف بعمل میآید. پیش از ۱۴ نماینده از احزاب کمونیست و کارگری، احزاب انقلابی و موکراتیک، سوسیالیست و سوسیال دموکرات، جنبش آزاد بیخشی طی سازمان های بین المللی در کار کنفرانس شرکت ورزیدند.

رفیق ژوکوف در بزرگ کمیته مرکزی حزب کمونیست بلخارستان و صد رشورای د ولتی جمهوری خلق بلخارستان کنفرانس را افتتاح کرد. سپس ب. ن. پونوماریف عضو مشاور و رهبری سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دبیر کمیته مرکزی آن درباره موضوع "گئورگی دیپیتروف و دوران معاصر" سخنرانی کرد. در جریان کنفرانس ۱۵۰ سخنرانی و خطابه ایراد گردید. شرکت کنندگان در کنفرانس یاد آور شدند که گئورگی دیپیتروف در شمار انقلابیون طراز اولین بود که سراسر زندگی خود را به امر طبقه کارگر و کمونیسم حصر کرده بود. در کنفرانس ارج و اهمیت میراث ایدئولوژیک او بطور همجانیه نمایانده شد و شرکت کنندگان در این دیدار این مسئله را نه فقط از جنبه تاریخی، بلکه در ارتباط کامل با دوران معاصر مورد بررسی قرار دادند.

تاکید میشد که دیپیتروف یکی از نخستین کسانی بود که زنگ خطر را صداد آورد و در باره خطر جنگ جهانی دوم هشدار داد و یکی از نخستین کسانی بود که امکانات روز افزون نیروهای صلح دوست را نشان داد و آثار مشروط بدین دانست که این نیروها ضرورت وحدت ضامعی خود با کوشش های عامل نوین نیرومند صلحی همانند کشور شوروی سوسیالیستی را درک کنند. اینک، در شرایطی که خطر جنگ چنین افزایش یافته و زمانیکه اقدامات مشترک کشورهای سوسیالیستی و سایر نیروهای

صلحد وست بیکی از مهمترین شرایط جلوگیری از فاجعه هسته ای مبدل گردیده است این سر مشق و تجربه بویژه در دستور روز قرار میگیرد . در کنفرانس مسئله دفاع از صلح مسئله اصلی مورد بحث و بررسی بود .

شرکت کنندگان در این دیدار اهمیت اندیشه دیمیتروف درباره ائتلاف ضد فاشیستی را که در شرایط سالهای ۳ مشخص ساختن نظریات لنین درباره پیوند جنبش کارگری با جنبشهای دموکراتیک عمومی بود یاد آور میشدند . دیمیتروف اصولی را درباره کشور " دموکراسی توده ای اصیل " و دولت ضد فاشیستی و دموکراتیک مطرح ساخت و قابلیت بقا این اندیشه ها در طرح مسئله دیگری از طرف احزاب کمونیست تأیید میگردد و آن مسئله مربوط به اشکال بینا بینی سازمان دولت در مبارزه در راه دموکراسی اصیل و سوسیالیسم است . او سهم همسایران رزنده ای در پیشرفت و تکامل سیاست اتحاد های خلقی گسترده اد ا کرد . این کمونیست ها همکاری بانبروهای بسیار گسترده متراجتماعی - سیاسی را با تمام امکانات خود بصط و تکامل می بخشند .

دیمیتروف با تأیید موظف بودن هر حزب کمونیستی به تربیت کارگران و تعامل زحمتکشان با روحیه انترناسیونالیستی خاطر نشان میساخت که انطباق انترناسیونالیسم پرولتری با ویژگیهای ملی هر کشوری از ضروریات است ، باید کاری کرد که انترناسیونالیسم پرولتری درست در زمینه ملی ریشه های عمیقی پیدا کند . این مسائل توجه مخصوص شرکت کنندگان در کنفرانس را بخود جلب کرد و تأکید میشد که همبستگی انترناسیونالیستی کمونیست ها بطور ارگانیک همبستگی با تمام نیروهای انقلابی و مترقی و دموکراتیک ، مبارزان علیه امپریالیسم و رزندگان در راه استقلال و ترقی اجتماعی را نیز در بر میگیرد .

سخنرانان توجه خاصی به برخورد خلاق به مسئله پیوند تئوری و پراتیک مبذول داشتند . بدین مناسبت خاطر نشان میشد که گفورگی دیمیتروف همیشه متوجه این مسئله بود که پروسه انقلابی طبق فرمول ها و طرح های از پیش آماده شده جریان نییابد ، بلکه واقعیت تاریخی بفرنج و متفاد است که باید آنرا شناخت تا بتوان انرژی خلاق توده ها را بدستی هدایت کرد . مارکسیسم - لنینیسم کلید چنین شناختی است . دیمیتروف همواره احکام اساسی آموزش ما و اهداف غایی و قطعی مبارزه انقلابی را خاطر نشان میساخت . حالا هم در کنفرانس گفته میشد نه شما های خیال پرورانه و دلخواه این و آن و نه نظریات حماسی گرانه نمیتوانند جان نشین بصط و تکامل دانش مارکسیستی - لنینیستی گردند .

رفیق ت . ژوکوف در تکمیل سخنان شرکت کنندگان در کنفرانس رشته سخن را به موضوع صلح ، این موضوع روز ، کشاند . او گفت : " حزب ما معتقد است که شرکت کنندگان در کنفرانس

تئوریکی که صد مین سال تولد گورگی دیمیتروف اختصاص داده شده یعنی نمایندگان ۱۴۰ حزب کمونیست، انقلابی و موکراتیک و مترقی و سازمان های بین الطلی دموکراتیک دلائل کافی در دست دارند که به تمام مغلقتها و تمام نیروهای صلحدوست جهان مراجعه کرده و از آنها بخواهند از ابتکار اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی کنند و از تمام کشورهای همسته ای د بگر بخواهند تا از این اقدام پیروی کنند و از پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای امتناع نمایند، زیرا این اقدام بمعنی قدغن ساختن واقعی استعمال آن میبود. کفرانس به رویداد مهم اجتماعی — سیاسی بین الطلی مبدل شد.

گیرگین گیرگینف

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان

## اخبار کوتاه

### اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

هفتاد سال از روزیکه نخستین شماره "روزنامه" "پراودا" انتشار یافت گذشت. در جلسۀ آشکوهی که بمناسبت این سالگرد در مسکو تشکیل یافت مدیران ارگانهای مطبوعاتی احزاب کمونیست و کارگری و انقلابی دموکراتیک از پیش از ۵۰ کشور جهان شرکت جستند. در این جشن سالگرد هیئت نمایندگی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" نیز شرکت داشت.

### جمهوری دموکراتیک آلمان

در آستانه صد مین سال زادروز ارنست تلمان رهبر طبقه کارگر آلمان ایجاد پارکی که بنام او نامگذاری خواهد شد در برلن آغاز گردید. مجسمه ارنست تلمان در بخش مرکزی پارک قرار داده خواهد شد.

### هندوستان

در انتخابات مجلس قانونگذاری محلی بنگال غربی جبهه چپ که از حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان تشکیل شده بود، پیروز گردید. بیش از سه چهارم تمام رأی دهنه گان به نامزد های انتخاباتی جبهه چپ رای دادند. این جبهه مأمور تشکیل دولت ایالتی گردید.

# هنگامی که ماسک‌ها برداشته شد

رافق سمبسون

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی

حزب کمونیست لبنان

پانزده سال پس از تجاوز ۵ ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل علیه خلیج‌های عرب و تقریباً مقارن با همان روز که خاطر ناگواری بجایگذاشته، صحنه تازه‌ای از فاجعه خاور نزدیک تحقق پیدا کرد. پس از بمباران‌های شدید و تیراندازی بسوی نقاط مسکونی لبنان وارد و گاه‌های فراریان فلسطین که چند شبانه روز ادامه یافت، نیروهای اسرائیل، با نقض خسونت‌ها را استقلال جمهوری لبنان و به این سرزمین حمله ور شدند. ده‌ها هزار صربا زود هاتانک و زره پوش به صحنه نبرد آورده شد. هواپیماهای شکاری و بمب افکن نیروی هوایی همراه با هلیکوپترهای نفربر از هوا و ناوهای جنگی از دریا از آنها پشتیبانی میکردند.

تل اوپوکه هیچوقت در انتخاب وسائل حجب و حیائی نداشته این بار هم گستاخانه مجسم بین المللی راه مبارزه طلبید. ستون‌های زرهی و تانک‌های اشغالگران یگراست از وسط نواحی استقرار کاسک‌های آبی یعنی نیروهای موقت سازمان ملل متحد که طبق قرار شورای امنیت، پس از تجاوز سال ۱۹۶۸ اسرائیل، به لبنان اعزام شده اند، گذشتند. چنین چیزی در تمام طول مدت موجودیت این سازمان برای نخستین بار اتفاق افتاده است.

تجاوزکاران با استفاده از تکنیک زمین سوخته شهرها و روستاها را به ویرانه تبدیل ساخته و مزارع و باغها را خراب و نابود کردند. بیروت پایتخت لبنان دستخوش خرابی و ویرانی عظیمی گردید. صد‌ها هزار نفر خانه و مسکن خود را از دست دادند و برای حفظ جان خویش بناچار از شهر و آبادی آنها واجد ادی خود گریختند. راه‌ها پرازد و فراریانی بود که لاشخوران اسرائیلی کفایتش و مسرب بر آنها فرو ریختند، برفراز صرمان پرواز میکردند. از وحشیانه‌ترین انواع سلاح‌های کشتار انسانها،

مانند بمب های خوشه ای و فسفوری و غیره ، بطور وسیع استفاده میشود . دهها هزار نفر لیبانی و فلسطینی ، بطور کلی ، از اهالی غیر نظامی و مید فاع مانند زنان ، سالخوردگان و کودکان قربانی این راهزنی مصلحانه شدند . زبانهای بیشتری به کشور وارد آمده است .

اشغالگران با مقاومت شدید و سردانه گروههای مصلح متحد نیروهای ملی صیہنی لیبنان ، جنبش مقاومت فلسطین و همچنین اهالی شهرها و روستاها و پروگردیدند . آنها که دشمنان و دشمنان یکدیگر می جنگیدند حملات را دفع میکردند و اسرائیلی ها با وجود برتری قابل ملاحظه نیروی خود ناچار شدند در برخی از نقاط عقب نشینی کنند . ارتش صوریه هم که جزئی از نیروهای عربی حافظ صلح در لیبنان است ، در برابر متجاوزین پایداری بخرج داد .

چه چیز باعث اشتعال تازه حریق جنگ در خاور نزدیک گردید ؟ قرقی های اسرائیلی را چه انگیزه هائی و ادراک تجاویز کرد که جدی ترین خطرا برای صلح جهانی بوجود آورده است ؟ طبق اظهارات مبلغین صهیونیست ها و ایالات متحده آمریکا ، سو<sup>۱</sup> قصد بجان صغیر اسرائیل در لندن که گویا بوسیله عاملین سازمان آزاد بیخش فلسطین انجام شده ، . . . طلبت بلا واسطه<sup>۲</sup> این حطه بوده است . این ترجیع بندی آشکار نغمه قدیمی تیرهای سارا بپرواست ( ۱ ) . حتی م . تاچرنخست وزیر انگلستان " توضیحات " تل اوپورا قناعت بخش ندانست و اظهار داشت که دولت اسرائیل صاف و ساده از این حادثه بمنزله بهانه ای بهره برداری کرد . سازمان آزاد بیخش فلسطین هم از طرف خود از این سو<sup>۳</sup> قصد و روی جست .

اظهاراتی از این قبیل هم که این اقدام تجاوزکارانه گویا بمنظور دفاع شمال اسرائیل از آتش توپخانه نیروهای مقاومت فلسطین و " درو کردن " آنها از مرزهای اسرائیل صورت گرفته همینقدر بی اساس است . هیچکس دیگری غیر از خود رهبران نظامیان صهیونیستی قرار داد آتش - بوسی را که در سال ۱۹۸۱ منعقد گردید لغو نکرده است . در آوریل سال جاری تجاوزکاران بحبارا شدید نقاط مختلف در اراضی لیبنان را آغاز کردند و بدین ترتیب نشان دادند که اینقدرها هم نگران امنیت هم میهنان خود نیستند . ا . شارون ، وزیر دفاع اسرائیل با صراحت سپازی نه از درو کردن بلکه از نابود ساختن فلسطینی ها سخن گفت و این نیت دهشتناک در بخشهای اراضی لیبنان که ارتش اسرائیل اشغال کرده بود جامه عمل پوشید و تقریباً نیمی از اراضی این کشور هم ( بهر صورت تا او آخر ژوئن ، یعنی هنگامیکه این سطور نوشته میشد ) اشغال شده بود .

۱ - بطوریکه میدانیم قتل در وکف ، فرد پیمانده ولیعهد اطریش در ساریا و یوهانه ای برای آغاز جنگ جهانی اول گردید . هیئت تحریریه .

باید گفت لیدران صهیونیست ها هیچوقت برای یافتن دلیل ویرهان خوشنمائی بمنظور توجیه اقدامات تجاوزکارانه خویش بخود زحمت ننهادند . وقاحت و بیشرمی از خصوصیات تعیین کننده رفتار و روش سیاسی آنها بوده است . در باره نقشه های حمله به لبنان تقریباً بطور آشکار بحث و مذاکره میشد . هدفهای واقعی این اقدام هم راز و سری نبوده است . با وجود این برای اینکه به هدفهای حمله به لبنان بطور ملموس پی ببریم وضعی را که پیش از تجزیه وجود آمده بود باختصار از نظر میگردانیم .

عملیات اعراب فلسطین در سرزمین های اشغالی طبعی اشغالگران با دامنه و شدت بی نظیر افسانه قدرت شکست ناپذیر کشور صهیونیستی را باطل ساخت و بی ثمری کوششهای را که بمنظور خراب کردن روحیه فلسطینی ها و متزلزل ساختن نیروی حصر و وحدت ملی آنها بعمل میآید ، نشان داد . نقش سازمان آزاد بیکش فلسطین بمنزله پرچم و مرکز بسیج مقاومت فلسطین و مجسم سازنده باور و اعتقاد باینکه خلق در پیاورد حق تعیین سرنوشت خود یعنی ایجاد کشور مستقل خویش را تحقق می بخشد ، روشن تر نمایان گردید .

از سوی دیگر ارتجاع عربی هم فعالیت خود را افزایش داد . نقشه فهد پدیده او شد ( ١ ) . و در آن تمایل بمنسوخ کردن یکمشی کسپ - د وید آشکارا مشاهده میگردد . شمار بازگرداندن مصر به صف اعراب مطرح شد و این در حالی است که کشور در زنجیرهای قرارداد کسپ - د وید و شرایط " صلح " اسرائیل گرفتار شده است . جدی تر از هر زمان دیگری تلاشهایی بعمل میآید تا در وجه بندی مسائل خاور نزدیک تجدید نظر بعمل آید . با اصرار خاصی این فکر تصمیم داده میشد که گویا عمده ترین مسئله " خطر " کذایی شوروی و همچنین " خطر ایران " است ( که برای موضع رژیم های ارتجاعی خلیج فارس که از چرخش غیر مترقبه ( برای آنها ) در جنگ عراق و ایران یعنی جنگی که امپریالیسم آنها شعله ور ساخت ، بسیار نگران شده اند کاملاً نمونه و اراست ) . اظهارات خالد پادشاه عربستان سعودی که چندی پیش در گذشت از نشانه های این طرز برخورد است . او گفت : " اینک وظیفه اساسی نهج و فصل مسئله فلسطین ، بلکه دفع خطر شیعه است " ( ٢ ) . عنصر مرکزی درگیری خاور نزدیک یعنی نبرد با دشمن صهیونیست در حقیقت واپس زده میشد . در عوض راه برای تحقق دکترین امریکائی " کد - سوسو استراتژیک " یعنی ایجاد بلوک متحد سازنده اسرائیل و ارتجاع عربی برهبری ایالات متحده آمریکا هموار میشد .

١ - مشروح تودیه باره این موضوع در مقاله ن . اشهب تحت عنوان : بن بست های سیاست تلبانی در خاور نزدیک سخن رفته است . مجله " مسائل صلح و صومالیسم " شماره ٢ ، ١٩٨٢ .  
٢ - شیعه مگری - یکی از وجریان مذهبی اساسی در اسلام که در ایران حاکم است . هیئت تحریریه

در این شرایط نقطه اتکا<sup>۵</sup> عمدتاً جنبه مبارزه علیه تجاوز امپریالیستی اسرائیل فقط اتحاد سگانه جنبش مقاومت فلسطین، نیروهای ملی و میهن پرست لبنان و سوریه میبود. لبه تیز توطئه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع هملیه این اتحاد سگانه برگردانده شد. اقدامات تخریبی به اشکال پرمکروفریبی در میآمد. مأموران مخفی امریکا و مقدم بر همه ف. حبیب با اصرار و ابهام پیشنهاد هایی را عرضه میداشتند که در واقع متضمن شرایطی بود که تل او میوسطح میکرد، مانند:

خارج کردن نیروهای سوریه از لبنان، خارج کردن واحدهای فلسطینی از نواحی جنوبی کشور، تعویض هر دو آنها با نیروهای جدا کننده محلی که تحت کنترل عمال اسرائیل میباشند، یعنی با واحدهایی که بر پایه اصل کنفدرنال ( مذهبی - قومی ) بوجود آمده اند.

به سوریه هم فشار وارد میشد. امپریالیسم بمنظور متزلزل ساختن وضع کشور از رون اقدامات جنایت بار سازمان ارتجاعی افراطی " اخوان المسلمین " پشتیبانی میکرد و بدان سمت میداد. در یک سلسله از شهرهای لبنان با تلاش برای ایجاد محیطی خصمانه در اطراف واحدهای سوریه مستقر در لبنان به انواع وسائل به تعصبات قومی و محلی دامن زد و میشد.

درگیریهای محلی و قومی، یکسکاموران ویژه محلی و خارجی، در نواحی دیگری هم که زیر کنترل نیروهای ملی - میهن پرست بود برانگیخته میشد. قتل، انفجار و حوادث تروریستی دیگر روی میداد و بی نظمی و هرج و مرج بوجود آورده میشد. هدف عبارات از این بود که درگیریهای داخلی و تفرقه و انضحاب در صفوف مبارزان بوجود آید تا راه برای انجام نقشه های اشغال و تجزیه لبنان که صهیونیسمت ها و عمال آنها در سر می پروراندند هموار گردد.

ولی نیروهای امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عربی در آن هنگام به فتایح مطلوب خود نرسیدند. عملیات مسلحانه محدود اسرائیل در جنوب لبنان در ۲۱ آوریل درست در آستانه موعد تعیین شده برای خروج نیروهای اسرائیل از سینا هم شماری بهاریا وارد. در این هنگام تل او یو راه حله نظامی به لبنان با نیروهای خیلی بیشتری را برگزید.

اسرائیل متجاوز در آن واحد چند هدف را دنبال میکرد. مقدم بر هر چیز واحد اکثریت - جنبش مقاومت فلسطین را تضعیف نموده و در آخرین تحلیل تار و مار کند، ساختار سیاسی سازمان آزاد بیخس فلسطین و قدرت نظامی آنها را نبود سازد، نفوذ این سازمان را میان اهالی سرزمین های اشغالی از بین ببرد و بطور کلی آنها را بمنزله یک عامل نظامی - سیاسی از صحنه خارج و نزدیک پاک سازد. بدین این نمیتوان عزم و اراده خلق عرب فلسطین بمقاومت را در هم شکست، مبارزه آنها در راه ایجاد کشور مستقل خود خفه کرد و اشغال ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را ابدی ساخت. در زمینه مسئله فلسطین و تلاش شرکت کنندگان در روز وند کمپ - در وید بمنظور حل آن بر پایه



" خود مختاری " کذا فی ، تجاوز علیه لبنان مرحله دوم تحقق ثباتی حالا دیگر با قدرت اسلحه گردید . تجاوزکاران در اراضی اشغالی لبنان به شیوه های کشتار و نابودی جمعی دست زدند و نابودی کامل تمام فلسطینی هائی را که در آنجا ساکن بودند ، هدف خود قرار دادند . رهبران فرمانده ستاد کل ارتش اسرائیل ضمن تشریح جریان عملیاتی که بشیوه نازی ها آنها را عملیات پاکسازی نامیده اند اظهار داشت : " ماهیچ سنگی را برنگردانده باقی نمیگذاریم . این کار ، ممکن است وقت زیادی لازم داشته باشد " . فرماندهان نظامی اسرائیل عملاً شروع به ایجاد شرایط برای استقرار رازدست در لبنان کرده اند . در شهرهای اشغالی فرماندهان نظامی گزارده اند . پول اسرائیل را رواج داده اند . به کشورهای افرادی را گسیل داشته اند که در امور مربوط به " اداره کردن سرزمین های اشغالی تجربه ای اند وخته و پیراهنی پاره کرده اند . هم آنها کارهای از کاروند دولت از ساحل غربی رود اردن و نوار غزه هستند . یکی از آنها اینطور خود ستائی میکرد : " ما در این کار تجربه فراوانی بدست آورده ایم و حالا در عمل آنها را بکار میبریم " .

تل اوپیه اندیشه تک تک انباده را آوردن اعراب که در کمپ - د وید پایبندگاری شد و فاد ازمانده با وارد آوردن ضربات خرد کننده به نیروهای ملی میهن پرست در نظر داشت برتری واقعیتی برای عناصر راستگرای انزواطلب تأمین کند و رژیم راروی کاربیاورده که حاضر باشد با قشر بالائی حاکمه اسرائیل همکاری کند و به پروسه کمپ - د وید بپیوندد . قرار بود در وید در لبنان انتخابات رئیس جمهوری انجام شود و حساب اسرائیل این بود که در صورت برقراری کنترل از طرف ارتش لبنان که همانطور که گفتیم بر اساس مذ هبی - قومی تشکیل گردیده و بشرط وجود هرژمونی فالانژیست های ب . جمائیل در انتخابات شخصیتی پیروز خواهد شد که مطلوب آلیانس امپریالیستی - صهیونیستی باشد . بعبارت دیگر ، قرار بود بوسیله تجاوززبان چیزی دست یابند که امپریالیست ها در تمام طول مدت هفت سال جنگ داخلی در لبنان موفق نشده بودند بدست آورند .

بالاخره هدف دیگری هم متزلزل ساختن موضع سوریه و تضعیف نقش آن در درگیری خاور نزدیک و " سازگارتر " نمودن رژیم سوریه بود .

البته ، گردانندگان اسرائیل در صورتیکه شریک قدرتمندی مانند امپریالیست های آمریکا از آنها طرفداری نمیکرد ، جرأت نداشتند چنین گستاخانه و بیشرمانه رفتار نمایند و جبارت نمیکردند چنین غیرعقلانه بهما جراحی های خونباری دست بزنند . " همکاری اشتراکاتیک " امریکایی و اسرائیل در لبنان بمعنی واقعات هشتاد و یک کلمه شکل و تجسم مادی یافته است . دست شرکت کنندگان در این تباتی به خون هزاران لبنانی و فلسطینی آغشته است که زیر زنجیرهای تانکهای

ساخت آمریکا بهلاکت رسیده اند و یاد را اثر انفجار گلوله های توپ و موشک با علامت " Made in USA "

جان سپرده اند و یا زهر بمب‌هایی کشته شده اند که از هواپیماهایی فرو ریخته شده که در آنصوی  
اقیانوس ساخته شده است . ارسال مقدار مستجابی اسلحه و مهمات جدید و کامل از طرف  
امریکا به اسرائیل یگانه پایه‌های است که توسعه طلسمی اسرائیل بر آن استوار است . در گرما گرم  
تباجم پنتاگون تصمیم خود را دایر بر ارسال تعداد دیگری تانک ، توپ‌های خود رو و نفربرهای  
زرهی برای تل‌آویه اعلام داشت و بدین ترتیب مهاجمین را آشکارا به ادامه امحاء جمعی تشویق و  
ترغیب نمود . باید گفت که خود تجاوز نیز با رضایت واشنگتن آغاز گردید . ا . هیگ وزیر خارجه وقت  
ایالات متحده آمریکا چند روز پیش از آغاز آن هشدار داد که در صورت شکست مذاکرات مربوط به  
" خود مختاری " در چهار چوب زد و بند کمپ - د وید ، گویا " راه‌های خطرناک‌تری " پیدا میشود .  
اوپه شکل معنی داری اشاره کرد که وقت آن رسیده است تا تصمیمی برای لبنان اتخاذ گردد .  
پیش در آمد این تجاوز سفر آ . شارون وزیر دفاع اسرائیل به ایالات متحده آمریکا بود ، پس از  
بازگشت او سخنانی گفت که آشکارا نشان میداد : به تجاوزکاران صهیونیست " چراغ سبز " داد ماند .  
امپریالیسم امریکا نه فقط مرگبارترین و مخربترین سلاح را بدست‌آورد مکنان داد ، بلکه برای آنها  
سپهر سیاسی هم تهیه کرد . واشنگتن با انواع وسائل با محکوم ساختن اقدامات متجوزین در مجامع  
بین المللی و در درجه اول در سازمان ملل متحد مخالفت میکرد و از اینکه شورای امنیت این سازمان  
بوظیفه خود در دفع تجاوز و برقراری صلح عمل کند جلوگیری میکرد . خانم کسر پاتریک ناپینده  
ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد تجوز مسلحانه تل‌آویه را صاف و پوست کنده تهرئه میکرد و  
آنها را بهانه تحقق حق " دفاع ملی " توصیف مینمود . ایالات متحده آمریکا طرح قطعنامه شورای امنیت  
را کجاوی محکوم ساختن اقدامات اسرائیل و خواست خارج ساختن بید رنگ نیروهای آن از لبنان  
بود و تکرر . ریگان هم اینطور گفت : " ماهه باید در پیش‌کن ساختن تروریسم لعنتی ( کاخ سفید  
از این اصطلاح در مواردی استفاده میکند که صحبت از نیروهای آزاد بیخشم ملی در میان است .  
ر . سی ) که در اثر آن در خاور نزدیک بطور مداوم خطر جنگ وجود دارد همکاری کنیم " .  
رئیس جمهوری امریکا همسرا و همزمان با انفجار بمب و گلوله‌های توپ در سرزمین مستعزده لبنان  
از نخست وزیر اسرائیل در کاخ سفید پذیرائی میکرد . و ریگان عملاً از پید آمدن گری سران نظامی  
اسرائیل در اراضی اشغالی لبنان حمایت کرد و مثل او برای اینکه از آن بیخه هم در کشور مستقل  
همسایه بچیل وارد شود ، با بی‌اعتنائی کامل به حقوق بین المللی امر ونهی کند رخصت داد .  
م . بگین پس از پایان دیدار در آنصوی اقیانوس اعلام داشت که دیدگاه رهبری اسرائیل و امریکا در  
مورد رویداد های لبنان کاملاً با هم مطابقت میکند . مسئله ساده و روشن است . تجوز صهیونیست ها  
را کاملاً میتوان اقدام مشترک امریکا و اسرائیل نامید . اقدامی که به اهداف هردو شرکت کننده این

تجارتی تبهکارانه خدمت میکند. این را شخصیت سیاسی کاملاً مطلقه مانند ه. کیسینجر وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا که در فرمول بندی استراتژی خاور نزدیک واشنگتن مستقیماً شرکت داشته آشکارا تأیید کرد. او قید کرد که " در این مورد مشخص ( یعنی با در نظر داشتن هجوم نیروهای اسرائیل به لبنان ) نتایج با منافع پیرونده صلح در خاور نزدیک ، ( یعنی پیشبرد مشی کپ دوید . ر. س. ) و مصالح تمام کشورهای معتدل در منطقه ( بخوانید رژیم‌های مترجع عربی ر. س. ) و همچنین ایالات متحده آمریکا مطابقت می‌کند .

تجاوز اسرائیل ، بواشنگتن از جمله این شانس را داد که حضور نظامی مستقیم خود را در این منطقه تثبیت کند . در پی حمله جنگ واحد های ضربتی هواپیما بر نیروی دریایی آمریکا بصوی سواحل لبنان روان شدند . این جریان بی اختیار انسان را به فکر امکان تکرار رویداد های سال ۱۹۵۸ ، یعنی زمانی می‌انداخت که ایالات متحده آمریکا به مدخله مسلحانه در لبنان دست زد . استراتژی های واشنگتن طرحی را تهیه کرد ند که بر اساس آن خروج نیروهای اسرائیل به استقرار نیروهای با اصطلاح چند ملیتی با مشارک قسمت‌هایی از ارتش آمریکا ، بجای نیروهای سازمان ملل متحد در جنوب لبنان مشروط میشد . در واقع این کوششی برای تکرار شگردی بود که در چهار چوب کپ - دوید با چنان موفقیتی علیه مصر یکبار برود شد و به چکمه های آمریکایی امکان داد وارد اراضی اعراب شود .

امریالیسم ایالات متحده آمریکا با برداشتن نقاب با جبهه خود نه فقط نقش دستیار روحانی تجار و کاران اسرائیلی ، بلکه شریک مستقیم جنایاتی را که آنها مرتکب میشوند به عهد ه گرفت و بنا بر این مسئولیت آن جنایات ه هم تمام و کمال به عهد هردوی آنهاست .

جنایات وحشتناک مسلم جنیانان نظامی اسرائیل که مورد حمایت و تشویق و ترفیب محافظان حاکمه ایالات متحده آمریکا است موجی از اعتراضات خشم آلود در سراسر جهان برانگیخت . میهن پرستان انترناسیونالیست و دلاور و خود اسرائیل هم اقدامات دولت را محکوم کردند . م. ویلنر در بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل ضمن سخنرانی خود در کنست ( پارلمان اسرائیل ) اعلا نمود : " دکترینی که طبق آن بحیران افزایش تعداد فلسطینی های که به هلاکت میرسند ، امنیت اسرائیل هم تقویت می‌گردد ، دکترینی تبهکارانه و در حد و مرز وحشیگری است . تمام مردم شرافتمند سیاره ما طرفدار خلق های عربی هستند که در راه حقوق قانونی ملی خود وصلحی عادلانه واستوار مبارزه میکنند .

همبستگی بین المللی سرچشمه پشتیبانی گرانقدر جنبش آزاد بیخش ملی عربی است . اکنون اهمیت این همبستگی برای مبارزان لبنانی و فلسطینی فوق الحاد ه زیاد است ، ما در این لحظات بحرانی برای کشورمان ، اخطار جدی به تجار و کاران و حامیان آنها از طرف دولت شوروی را با

خرمندی ویژه ای استقبال کردیم . دولت شوروی در اعلامیه خود تأکید کرد که : " بخاطر مصالح صلح در خاور نزدیک و منافع گسترده امنیت بین المللی اقدامات فوری و مؤثری برای دفع تجاوز و آتش بصر و خارج ساختن نیروهای اسرائیل از اراضی لبنان ضروری است . قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که با توافق آراء بتصویب رسید ، نیز همین را طلب میکند . این خواستهها باید انجام شود . اکنون این مسئله ای راهگشا است " ( ۱ ) . احزاب کمونیست کشورهای اروپای غربی هم مردم را به گسترش همبستگی با خلقهای لبنان و فلسطین و سازمان آزاد بیخش فلسطین و جنبش ملی میهنی لبنان فراخواندند . آنها اعلام داشتند : " . . . ما برای این فعالیت میکنیم که جامعه دموکراتیک و ولت‌های کشورهای ما متحدان بایر ممکن را برای قطع فوری تجاوز و خارج ساختن بی قید و شرط ارتش اسرائیل از اراضی لبنان اتخاذ کنند " . نمایندگان نزدیک به ۶۰ حزب کمونیست و کارگری و انقلابی دموکراتیک که در کنفرانس تفویک بین المللی که در اواسط ژوئن در صفوفیت تشکیل شد شرکت کرده بودند به این فراخوان پیوستند .

مبارزه خلقهای لبنان و فلسطین علیه تجاوزکاران اسرائیل ادامه دارد . برای آنکه ایمن مبارزه با موفقیت قرین گردد باید اتحاد رزنی نیروهای راکه در برابر جبهه واحد امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع ایستادگی میکنند با تمام وسائل ممکن استحکام بخشید . ژ . حاوی دیموکسل کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان از تمام مردم لبنان خواست که " برغم اختلافات ایدئولوژیک ، مذهبی و غیره برای مقابله قطعی با تجاوزکاران اسرائیلی متحد شوند " . متحد ساختن صفوف ، استحکام مناسبات همکاری برادرانه با اتحاد جماهیر شوروی و تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی این دوستان صدیق ما و با تمام کسانی که موصلح و عدالت‌اگرایی میدارند ضامن پیروزی است . فقط بدین ترتیب میتوان به چرخش بنیادی در جریان رویداد های خاور نزدیک نائل گردید ، عمال خون آشام ژدهای جنگ را سرکوب کرد ، نقشه‌های تبهکارانه امپریالیستی را عقیم کرد و استقرار صلح استوار ، عادلانه و جامع را در منطقه تأمین نمود .

# سخن را نمیتوان تیرباران کرد

يك اظهار نظر جمعی درباره طرز کار مطبوعات کمونیستی

در شرایط تضییق و فشار و پیگرد

کمیسیون مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " ویژه مسائل مطبوعات و نقد و بررسی کتاب " میزگردی " برای بحث در اطراف موضوع " مطبوعات کمونیستی در شرایط تضییق و فشار و پیگرد " تشکیل داد. شرکتکنندگان در آن نمایندگان يك سلسله احزاب کمونیست بودند که ناگزیر در شرایط غیرعادی فعالیت میکنند. مادر زیر گزارش کوتاه مبروط به این تبادل نظر ادرج میکنیم.

در کتاب " نوری در تاریکی " بقلم خورشید مونتس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی که در زندان خونناهی پهنوجت نوشته شد و به طور غیرعادی انتشار یافته است از جمله درباره تدابیر صحبتمیشود که دیکتاتوری بمنظور جرد ساختن کامل میهن پرستان زندانی از جهان خارج اتخاذ کرد. نوپسند قید میکنند که " ولی تجربه نشان میدهد: هر نوع مانعی هم که بر سر راه اخبار و اطلاعات قرار دهند، خبر میرسد، معلوم میشود، انتشار پیدا میکند و در زمینکند و مانند آب و هوا حتی به دورترین نقاط هم میرسد و به مکان های ممنوعی هم سراپت میکند که در آنجا زندانیان تحت شدیدترین کنترلها در سلول های انفرادی عذاب میکشند " ( ۱ ) .

این سطور در حقیقت میتواند مدخلی برای گفتگو درباره فعالیت مطبوعات مخفی کمونیستی باشد. آری، سخن راست و پرشور کمونیست ها که به مبارزه در راه آزادی فرامیخواند، برغم تدابیر غلاظ و خداد رژیم های ارتجاعی درست مانند آب و هوا بمیان مردم نفوذ میکند .

1 - Jorge Montes. La Luz entre las sombras. Edición Clandestina, 1980, p.175.

( به نقدی بر این کتاب در شماره ۳ سال ۱۹۸۲ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " رجوع کنید )  
هیئت تحریریه

### فعالیت غیرعلنی فعالیت غیرعلنی است

میدانیم که حتی در آن کشورهای سرمایه داری هم که احزاب کمونیست قدغن نشده است این احزاب در انتشار مطبوعات خود با دشواریهای بسیاری روبرو میشوند. هزینه چاپ و نشر تحت تأثیر تورم سال بسال افزایش مییابد و این پدیده به گران شدن مطالب روزنامه ها و مجلات منجر میگردد. به کارهای متخصص روزنامه نگاری احتیاج هست و مسئله انتشار مطبوعات بسیار گران حل نمیشود.

ولی تمام این دشواریها برای احزاب کمونیستی که "غیرقانونی" اعلام شده اند بارها به فرنج تروپ پیچیده تر میشود. علاوه بر این یک سلسله مسائل ویژه هم بروز میکند. شرکت کنندگان در "میزگرد" اظهار داشتند خصوصیات این مسائل در درجه اول از عدم آزادی مطلق کمونیست ها ناشی میگردد. بناچار باید در شرایط پنهان کاری ورعیست مستمر کار کرد. این عوامل انسان راناکزیر میکنند به تکنیک چاپی متصل گردند که مجبور است آنرا کاملاً از نظرد یگران مخفی نگهدارد، اغلب به سرعت بجای دیگری انتقال یابد و این قبیل مسائل چاپ قاعد تأثیراتشان بسیار کم است. اگر احزابی که فعالیتشان علنی است میتوانند منظماً بمنظور جمع آوری بودجه لازم برای مطبوعات و فستیوال روزنامه های خود میان کمونیست ها و مخالفان در تبلیغات دامنه داری دست بزنند و انجام این کار در شرایط تروپ غیرممکن است، زیرا تماس با خوانندگان بی اندازه محدود میگردد (ارتباط از طرف دیگر هم) و در نتیجه مسئله بدست آوردن خبررشدت مشکل میشود. حل مسئله کارها و شرایط کار غیرعلنی بسیار به فرنج تراست. بنا بر این باری که بود و روزنامه نگاران و کارکنان انتشارات است فوق العاده افزایش مییابد. جستجوی راه استفاده از حجم نشریه با مراعات صرفه جویی کامل اهمیت ویژه ای کسب میکند و این نیز بدون تردید در مضمون و سبک آن تأثیر مینماید. کوتاه سخن، میزان دشواریها به هنگام انجام تبلیغات غیرعلنی به مراتب بیش از حالت عادی است. شرکت کنندگان یاد آور شدند که بسیاری از معضلاتی را که برشمرده ایم نمیتوان برطرف ساخت. ولی کمونیست ها میکوشند راه های غلبه بر مشکلات را بیابند. همبستگی بین المللی احزاب و تبادل تجربه میان آنها را اینجانشان نقش کوچکی ایفا نمیکند.

همه سود بیان عضو رهبری حزب کمونیست اند و نزی خاطر نشان ساخت که، البته به هنگام گفتگو درباره تجربه های ما باید احتیاط محینی را مراعات کرد. فعالیت غیرعلنی فعالیت غیرعلنی است و ارگانهای تضییق و فشار روی گرد کشورهای که احزاب کمونیست در آنها در شرایط غیرعلنی فعالیت میکنند، بدون تردید، از اینکه هر پنهان جزئی را برای تشدید تضییق و فشار بدست آورند قرار دهند.

در پیغ نخواهند ورزید .

بجاست یادآور شویم که در بحث و مذاکره " میزگرد " قید گردید که دربارهٔ تجربهٔ مطبوعات مترقی غیرعلنی مأخذ و منبع ، اگرچه نه خیلی زیاد ، ولی موجود است . بطور مثال ، اطلاعات جالبی در کتابیکه نویسندهگان شوروی تحت عنوان " چاپخانه‌های مخفی انقلاب در روسیه ( ۱۸۶۰-۱۹۱۷ ) " ( ۱ ) برشتهٔ تحریر و آورده اند ، وجود دارد . در این کتاب تجربهٔ مطبوعات غیرعلنی سوئیس - دموکراتیک و سپس بلشویکی بطور مشروح بیان گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و سهم برجسته و و ای ، لندن در بنیانگذاری و پیشرفت آن نشان داده شده است .

چند سال پیش به ابتکار انجمن روزنامه‌نگاران کوبا مجموعه‌ای از مصاحبه و گفت‌وگو با کسانی انتشار یافته است که در سالهای مبارزه علیه دیکتاتوری باتیستا در چاپ و انتشار روزنامه ها و مجلات غیرعلنی که " جنبش ۲۶ ژوئیه " منتشر میکرد بلاواسطه اشتراک میوزیدند ( ۲ ) . در این کتاب مطالب مشروحنی دربارهٔ تکنیک کار مخفی چاپخانه‌ها ، تهیه و استقرار آنها ، شیوه های انتشار و پخش مطبوعات و مانند اینها وجود دارد . کومنیستهای چکسلواکی و مجارستان و رومانی ، ایتالیا ، بلژیک و تعداد دیگری از کشورهای هم کتب و پروشورهای دربارهٔ دوران غیرعلنی مطبوعات کومنیستی در دست دارند .

دربارهٔ اینکه ، در فرانسه در سالهای مقاومت علیه فاشیسم ، روزنامه " او مانیت " چگونه انتشار مییافت ، میتوان با مطالعه کتاب خاطرات ژرژ کئیو ، شخصیت مشهور حزب کومنیست فرانسه و جنبش بین المللی کومنیستی ، مطالبی یافت ( ۳ ) .

راه یافتن به اندیشه و دل انسانها

ممکن است اینطور بنظر آید که نشریات غیرعلنی کومنیستی ، تنها به این علت که بطور مخفی به چاپ رسیده و منتشر میگردد محکوم به ناشناس ماندن در خارج از دایره خوانندگان خویش است .

۱ - ای . گ . لوتاس ، A. M. ، ماسکالیف ، M. A. ، فینگریت . چاپخانه‌های مخفی انقلابی در روسیه ( ۱۸۶۰-۱۹۱۷ ) مسکو ، مؤسسه انتشارات سیاسی دولتی ، ۱۹۶۲ .

۲ - منظور یادداشت‌های مطبوعات غیرعلنی و چریکی سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۸ است .

La Habana, Instituto Cubano del Libro, 1970

کتاب بزبانهای اسپانیایی ، انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه و روسی انتشار یافت . هیئت تحریریه .

3 - Georges Cogniot, Parti pris, Tome I. D'une guerre mondiale à l'autre. Paris, Editions sociales, 1976.



ولی اینطور نیست . شرکتکنندگان در ملاقات و " میزگرد " می‌گفتند ما روزنامه ها و مجلات فیرعلنی را میشناسیم که شهرت کتری از نشریات بزرگ بورژوازی ندارند . بطورمثال ، آنها " روزنامه " " سیگلو " ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست شمالی نام بردند . معلوم است که انتشار اخبار فیرعلنی کمونیستها با مطبوعات بورژوازی نه از لحاظ سرعت عمل ، نه از لحاظ شکل و صفائی و نه تیسراژ نمیتوانند رقابت کنند . این سؤال مطرح میگردد که چه نیروی است که نه فقط به آنها امکان میدهد وجود داشته باشند ، بلکه باعث میشود که در توده ها نیز تأثیر کنند ؟

۱ . سلیم نمایندۀ حزب کمونیست سودان در نباله صحبت گفت این نیرو اعتقاد شدیدی و همیق کمونیستها به حقانیت اندیشه های خود و توانائی مطبوعات کمونیستی به رساندن این اندیشه ها به آن ها و دل های خوانندگان و قابل فهم ساختن آنها حتی برای افراد زحمتکش بیسواد است . در کشور ما وضع کار چنین است . حزب ما در سال ۱۹۴۶ تأسیس گردید و نام آن ابتدا " جنبش سودان در راه آزادی ملی " بود . پس از یکسال بکم کمونیستهای مصر که ماشین چاپ در اختیار ما گذاشتند حزب انتشار نخستین نشریه کمونیستی در کشور را روبراه کرد . با استثنای مدت کوتاهی حزب ما ۱۱ مکان آنرا نداشت که به فعالیت انتشاراتی علنی بپردازد . مجله داخلی حزب بنام " الشیخی " ( کمونیست ) اینک ۳۵ سال است بطور غیرعلنی منتشر میشود . ارگانهای رهبری حزب به مسائل مربوط به انتشار مطبوعات توجه مستمر میدول میدارند ، آنها مراقب هستند که نشریات ما مرتب و منظم بخوانندگان برسد و سطح هر چه بالاتری داشته باشد . ورزیدترین افراد و کادرهای کمونیست را به امور مطبوعاتی می‌گمارند . ما روزنامه " کثیرالا نشار " المیدان " را که تا ۱۹۵۴ ، " اللواء الاحمر " ( پرچم سرخ ) نامید میشد منتشر میکنیم . کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان گسترش دایره خوانندگان آنرا از مهمترین وظائف خود میداند .

سؤال - میتوانید مشروح تر بگوئید که این وظیفه چگونه انجام میشود ؟

- انتشار روزنامه به شعبه های حزب در محل کار و یا سکونت مردم می‌آید اگر کرده است . به این مسئله در مناطقی که حزب دارای پایگاههای مطمئنی است توجه ویژه ای مبذول میگردد . در شعبه های حزب انجمن های خوانندگان دائمی وجود دارد . ما میکوشیم از این قبیل انجمن ها در نقاطی هم که شعب حزب هنوز وجود ندارد تشکیل دهیم ، زیرا این مجامع خوانندگان را بمنزله گام مہمی در راه تشکیل حوزه های حزبی بشمار می‌آوریم . هدف ما این است که هر کمونیستی در اطراف خود جمعی از خوانندگان دائمی بوجود آورد و در جنب هر شعبه حزبی شبکه ای از این انجمن ها وجود داشته باشد .

معلوم است که در شرایط کار مخفی امکانات حزب و از آنجمله امکان برای افزایش تمداد

نشریات خود و تیراژ آنها بسیار محدود است . انجمن ها امکان میدهند دایره خوانندگان انتشارات ما بحساب "گردش" هر نسخه از روزنامه یادستبدست گشتن آن گسترش یابد . این امر در عین حال به تحکیم روابط میان اعضای انجمن کمک میکند و به نوع معینی آنها را متشکل میسازد . همین چندی پیش ما باین موضوع رسیدگی کردیم که معلوم کنیم یک نسخه روزنامه حزبی را چند نفر میخوانند . نتیجه این بود که از سه تا هشت نفر ( اختلاف ناشی از تعداد سازمانهای حزبی محلی و ترکیب اجتماعی اعضای انجمن ها است ) در نقاطی که اکثریت اهالی بیسواد است ، جمعی برای خواندن با صدای بلند ایجاد شده است .

پس از رویداد های خونبار سودان در تابستان سال ۱۹۷۱ ، هنگامیکه دوران ترور فرار رسید حزب با وجود پیگرد های فراوان و خشونت آمیز موفق شد ۱۵ شماره روزنامه "المیدان" ، ۲۵ شماره مجله "درون حزبی" "الشیوعی" ، ۱۲ شماره مجله "دراسات اقتصادیه" و ۳۰ شماره روزنامه بزبان انگلیسی برای انتشار در بخش های جنوبی کشور و همچنین تعداد زیادی پرورش و نشریات دیگر چاپ و منتشر کند .

س . سود بیان به سخن ادامه داده و گفت در طیف و وظائف و تکالیف مطبوعات کمونیستی اهمیت آن برای ساختمان حزبی بویژه متعاضد است . حزب ما اکنون ۱۶ سال است غیر قانونی اعلام گردیده است . پس از ضرباتی که در سال ۱۹۶۵ بر آن وارد آمد ما نمیتوانستیم چاپ و انتشار روزنامه یا مجله ای را بلافاصله سرور صورت دهیم . ولی پس از دو سال گروه ما کمیست - لنینیست شروع به انتشار مجله ای کرد که اینک کاملاً مشهور است و نام آن "تکاد و اکیات" ( اراده مردم ) میباشد . این مجله ارگان مطبوعاتی رسمی حزب کمونیست اندونزی است . حال آنکه فقط بزبان اندونزی بلکه به انگلیسی هم منتشر میشود . نشریه انگلیسی را میان احزاب برادر بمنزله نشریه ای اطلاعاتی پخش میکنیم . مجله فعلاً یگانه نشریه انقلابی پیگرد راندونزی است که مرتباً منتشر میشود .

وجود تعداد کثیر جزایر که از ویژگیهای وضع جغرافیائی اندونزی است ، تا حد وند زیاد انتشار مطبوعات حزبی را دشوار میسازد . حتی هنگامی هم که حزب بطور ملی فعالیت میکرد بخاطر همین مشکلات ، مسائل سازمانی بشکل بسیار حاد ای مطرح بود . میتوان حدس زد که حالا وضع چطور است ! با وجود این حالا هم در بسیاری از نقاط کشور مطبوعات ما را میخوانند .

اودرد نیاله سخن گفت علیت اینکه من به اهمیت مطبوعات برای ساختمان حزبی ونه چیز دیگری تکیه میکنم ، این است که برای ما مسئله استحکام حزب اینک فوق العاده مهم است . مطبوعات هزاران تن از افراد زحمتکش را با سیاست کمونیست ها آشنا میکند و برای اینکه اوضاع کشور و جهان را درست فهمیده و ارزیابی کنند ، متحد شوند و برای مبارزه در راه ایجاد دگرگونیهای بنیادی دموکراتیک

و انقلابی و در راه سوسیالیسم متشکل گردند به آنها یاری میرساند .

در واقع هم ، مطبوعات حزبی گروههای کثیری از مردم را به مبارزه جلب میکند ، بدست آوردن ماشین آلات و وسائل چاپ ، رنگ و کاغذ و یافتن محلی که بتوان ماشین چاپ را بکارانداخت تهیه و وسائل نقلیه لازم برای پخش مطبوعات و خود پرصفت ارباب و انتشار نشریات ، هزاران کمونیست و افرادی را که با آنها توافق و همکاری دارند به کار و فعالیت جلب میکند . این پروسه در برقراری مناسب استوار میان آنها یاری میرساند و میآموزد که چگونه با هم بطور جمعی کارکنند ، این خود آموزش مبارزه متشکل است .

۱ . سانچس نماینده حزب کارگواتمالا نسخه هائی از روزنامه ها و مجلاتی را که در شرایط رژیم فاشیستی منتشر میشوند نشان داد . با مشاهده آنها هرکسی درک میکرد که انتشار آنها به چه بهای گزافی و اغلب به بهای جان انسانها تمام میشود . اینک تقریباً سه سال است که کمونیست ها این کشور در شرایط کارمخفی عیق بصر میبرند . سانچس گفت مطبوعات مهمترین وسیله ارتباط حزب با توده ها شده است . ارگان مرکزی آن روزنامه " ورداد " ( حقیقت ) از اواخر سال ۱۹۵۴ منتشر میشود . در آغاز بقطع کوچک با وسائل تکثیر ویژه ای چاپ میشد ، بعد ها وسیله چاپ آن در مطبعه وحقی بشیوه افست امکان پذیر شد . سالهای اخیر با زهم ناگزیر از وسائل تکثیر برای انتشار آن بقطع کوچک استفاده میشود . هشت هزار نسخه آن در داخل کشور انتشار مییابد . شعبه های منطقه ای حزب کارگواتمالا ، علاوه بر این ماهانه در حدود ( ۱۵ ) هزار نسخه نشریات دیگر چاپ رسانده و منتشر میکنند . در برخی از نقاط کشور حتی نشریات جداگانه حزبی چاپ و پخش میشود . بطور مثال در پخش مرکزی گواتمالا روزنامه " رولوسویون پیوپلار " ( انقلاب خلق ) ، در فسرپ آن روزنامه " ترینچر " ( سگسر ) و در جنوب " گریته پیوپلار " ( صدای مردم ) منتشر میگردد . سازمان جوانان حزب بنام جوانان میهن پرست کار هم روزنامه ای ویژه خود دارد .

در تمام این مناطق گروههای جوانان کمونیست مسؤل فعالیت های انتشاراتی بوجود آورده شده است . بسیاری از طرفداران حزب هم به پخش و نشر مطبوعات کمک میکنند . معلوم است که این کار با ریسک و خطراتی برای زندگی و " ناپدید شدن " افراد همراه است . حزب همواره در جستجوی چنان شیوه های کار و فعالیت مطبوعاتی است که این خطرات را تا حد اقل ممکن کاهش دهد .

دشواریهای مطبوعات کمونیستی در گواتمالا نه فقط با شرایط کار غیرعادی ، بلکه با امکانات محدود مالی و فقدان وسائل و ابزار لازم در ارتباط است . در ضمن اشتباه نخواهد بود اگر بگوئیم که از قرا معلوم این دشواریها ویژه تمام احزابی است که ناگزیر در شرایط تضییق و فشار رویکرد فعالیت

میکنند . علاوه بر اینکه رژیم مطبوعه را کشف و ویران میکند و رفقای ما را بزدان افکنده و ناپهرد میسازد فروش ماشین و وسائل چاپ ، کاغذ و رنگ را هم بشدت کنترل میکند . با اینهمه بعقیده ما در صورت سازماندهی ماهرانه امور ( باید گفت ضوابط و یکتاتوری هم خیلی چیزها بماند ) و بسط روابط نزد یکتاری با توده ها و افزایش پشتیبانی بین المللی از مردم گواتمالا مطبوعات ما میتوانند درآینده نیز به نحو شایسته ای وظیفه خود را انجام دهند .

### با د نظر گرفتن شرایط خاص

ک . کروان نمایندۀ حزب کمونیست ترکیه ضمن صحبت از فعالیت های مطبوعاتی حزب بطور کلی توجه خود را روی تبلیغات بوسیله راد یو متحرک ساخت . او گفت برنامه های ما بوسیله راد فرستندۀ راد یوئی پخش میشود بنام های " پیژیم راد یو " ( راد یوی ما ) و " تورکیه کمونیست پارتیاسنین سیمی " ( صدای حزب کمونیست ترکیه ) . آنها در شبانه روز ۱۶ ساعت برنامه پخش میکنند و برنامه های بزبان های ترکی و هفته ای یکبار هم بزبان کردی پخش میشود ( ۲۰ درصد اهالی کشور را کردها تشکیل میدهند ) . اگر د نظر بگیریم که بیش از یک سوم از اهالی ترکیه بیسواد هستند و مفهوم میشود که بجز سبب راد یو بنظر ما وسیله بویژه مؤثری برای تأثیر در اندیشه و نظریات مردم است . در ارتباط با کودتای نظامی ، طبعاً فعالیت های انتشاراتی کاهش یافت ولی ماهنامه ای که ارگان مرکزی حزب است یعنی " آتلیم " ( به پیش ) مانند گذشته منتشر میشود .

ب . با نظری بگذشته ، بد ویرانی که با نفاصله پیش از کودتای بود ، در کمینکم که یکی از نواصی جدی فعالیت انتشاراتی حزب فقدان تجزیه و تحلیل عمیق میزان شخصیت مطبوعات صواب بود . تصور میکنم چنین تجزیه و تحلیلی حتی در سخت ترین شرایط کا و صخف امکان پذیر و لازم است .

ف . مجاهد نمایندۀ حزب کمونیست مصر گفت پیش از آنکه در باره کار کمونیست های مصر در مرصه تبلیغات سخن بگوئیم ( بیش از ۶ سال است که ما ناچار در شرایط مخفی فعالیت میکنیم ) باید سه عامل ویژه را یاد آور شوم . اول وجود دستگاه پلیسی بسیار ورزیده ای که از استعمار انگلستان باقی مانده و جزو رازی آنرا بکمک سیای امریکا ، موساد اسرائیل و گردانندگان ساواک شاه ایران تحکیم و تکمیل کرده است . دوم اینکه عملاً تمام وسائل ارتباط جمعی کشور در دست هیئت حاکمه و یا تحت کنترل آنست . سوم عامل بهصودی که با د رصد بسیار بالائی مشخص میگردد ( بیش از ۷۵ درصد اهالی مصر بیسواد است ) . از آنچه گفته شد میتوانیم بیبیرد که انتشار مطالب چاپ شده برای ما کمونیست ها چقدر دشوار است . بهمین سبب ، من وقتی شنیدم م حزب کمونیست ترکیه میتواند بوسیله راد یو با مردم سخن بگوید خوشحال شدم . این البته هم از

لحاظ شمر بخشی وهم از لحاظ امنیت بر سایر وسائل برتری دارد . ولی ما بوسیله دیگری متوسل میشویم . در مصر تقریباً هر خانواده ای ، از جمله خانواده دهقانان ( دهقانان اکثریت اهالی مصر را تشکیل میدهند ) دستگاه ضبط صوت ارزان و سبکی در اختیار دارد . ما تصمیم گرفتیم از این موضوع استفاده کنیم و سخنرانیهای رهبران حزب و حتی موضوعهای ایدئولوژیکی را که در مدارس حزبی تدریس میشود روی نوار ضبط و تکثیر کنیم .

در مصر از زمانهای بسیار قدیم شعر را خوانندگان خلقی مورد توجه و علاقه فراوان مردم میباشند . هیچ جشن و سروری بدون آنها برگزار نمیشود . آنها متن شعرها ترانه خود را با آلت موسیقی که خود مینوازند همراهی میکنند . بطور مثال شیخ امام خواننده مصری نه فقط در مصر بلکه در بسیاری از کشورهای عربی مشهور است . او ترانههای بسیاری با مضمون مترقی ساخته که مورد علاقه مردم است . مردم با امام درباره باهی ( نام مستعار مصر ) درباره سالواد و آلکنده هوشی مین ، چه گوارا و یا بلونرود ترانه میخوانند . ما با این قبیل خوانندگان خلقی روابط خوب و نزدیکی برقرار میکنیم .

البته ، حزب ارگانهای مطبوعاتی هم دارد . نشریه " آلاوی " ( " آگاهی " ) به درج مطالب سیاسی و ایدئولوژیک میپردازد . " الانتصار " که ارگان حزب است از سال ۱۹۷۵ به اینطرف مرتباً چاپ و بطور گسترده منتشر میشود ، تا امروز ۷۲ شماره از طبع خارج شده است . روزنامه " الارض " برای دهقانان منتشر میگردد و هولتن اخبار حزبی بنام " النشر العالمیه " در صفحات خود اصلاً مسائل زندگی بین المللی را منعکس میکند . علاوه بر اینها ما بروشور و تراکت و غیره نیز چاپ میکنیم . نماینده حزب کمونیست اوروگوئه س . بهاک رشته سخن را بدست گرفته و گفت تجربه کمونیست های مصر در تبلیغات شفاهی ، بدون شك جالب و آموزنده است . ولی در شرایط کشور ما ، نمیتوانیم کلام شفاهی را مانچه به چاپ میرسد ترجیح دهیم . استدلالات و راهنمایی های ما با توجه به تبلیغات شبانه روزی دیکتاتوری برای انحراف افکار مردم ، نیازمند شرح و مبسط عمیق و آوردن آنها بروی کاغذ است . علاوه بر این ، همانطور که رفقا در اینجا تاکید کردند ، پروسه طبع و نشر مطبوعات کمونیست ها را در سازمان واحدی متحد میکند . تا آنجا که بخاطر همبستگی و یکپارچگی از شاخص های بلوغ و کمال جنبش انقلابی را در مبسط و تکامل مطبوعات حزبی میدید . وجود ارگان مطبوعاتی حزب به معنی وجود حزب است . خود این فاکتورها وجود تمام مشکلات ما به نشر مطبوعات ما را کمیستی - لنینیستی میپردازیم به کمونیست ها ، بدوستان و تمام مردم عادی کمک میکند زیر بار تضییق و فشار خم نشوند و سر بلند باشند .

در شرایط مبارزه غیرعلنی و ترور مداوم ، هنگامیکه رساندن اخبار و اطلاعات تازه در ساره

رویدادها به خوانندگان و شرح و تفسیر آنها در رجه اول اهمیت قرار دارند و بشیدن در باره صحافی و زیبایی شکل و استیل چندان ضرورتی ندارد. آنچه لازم است طرز تماس و برخورد مستقیم به خواننده است و در این صورت هر گله ده با بر معنی ترمیشود و شعار در ردیف حکم ( تزی ) در میآید.

در او رو گوته نشریات غیر علنی کم نیست. حزب کمونیست روزنامه " کارتا " ( نامه ) را منتشر میکند. در صفحات این روزنامه مسائل عمده داخلی کشور و پیرویه انقلابی در کشورهای همسایه تجزیه و تحلیل میشود، اخبار و اطلاعات مربوط به مبارزات طبقه کارگر، دانشجویان و قشرهای متوسط درج میگردد، مطالب افشا کننده رشوه خواری و فساد و جبر مخواری قشر بالائی فاشیست مآب و مسائل الیگارشوی خد متنگد ارا میرالیسم و مانند اینها بچاپ میرسد. ما توجه خاصی به مسائل همبستگی بین الطلی با مبارزها مبذول میداریم. مجله " شوریک بنام " استود یوس " ( بررسی ) منتشر میشود. ارگان اتحاد دانشجویان کمونیست هم مرتباً انتشار مییابد. علاوه بر کمونیست ها در مبارزه با رژیم سایر احزاب و گروههای سیاسی هم اشتراك میوزند و آنها هم برای خود شان روزنامه و مجله دارند. این نتیجه مبارزه و مقاومت ضد فاشیستی است که کمونیست ها در آن مقام شایسته و افتخار آمیزی دارند.

پرسش — مجله " استود یوس " اینک در چه فاصله زمانی از چاپ خارج میشود؟ سطح عالی مندرجات آن چگونه حاصل میشود؟

ص. بهاک. در سال ۱۹۸۱ ما بیست و پنجمین سالروز مجله خود را برگزار کردیم. مجله از سال ۱۹۵۶ تا آخر سال ۱۹۷۳ بطور علنی هر دو ماه یکبار با شش شماره در سال منتشر میشد. پس از کودتای ۵ سال انتشار آن متوقف گردید. در سال ۱۹۷۸ مجله از نو انتشار یافت. اینک ما میکوشیم به تدریجی که شده حداقل چهار شماره در سال منتشر گردد. ر. آر. سمندی رهبر حزب و دبیر اول کمیته مرکزی آن ( اوشخصاً مدیریت مجله " استود یوس " را بر عهده دارد ) همواره توجه فراوانی بمسائل تبلیغاتی و کارایید ثولوژیک پراتیک یعنی در واقع فعالیتهای انتشاراتی مبذول میداشت و میدارد. حزب برای این کار بهترین کارهای خود را انتخاب میکند.

پرسش — ما یلیم بدانم وسائل تبلیغاتی غیر علنی چگونه با وسائل علنی تلفیق میشود.

ف. — مجاهد. قطعاً هر یک از احزاب کمونیستی که از طرف دولت غیر قانونی اعلام شده اند دارای چنین تجربه ای میباشند. بطور مثال کمونیست های مصر همواره کوشیده اند از وسائل ارتباط جمعی علنی هم استفاده نکنند. تاکتیک حزب بارت از این است که افکار و اندیشه های ما را اشاعه دهد، موضع ما را در باره این یا آن مسئله در رجه اول میان کارکنان این وسائل روشن

سازد و سپس از طریق آنان با سخنان حق و درست خود در صفحات روزنامه‌ها و مجلاتی که بطور علنی منتشر میشوند نفوذ کنند . البته صحبت فقط بر سر تشریح و تشریح نیست ، ما از سایر ارگانهای مطبوعاتی بورژوازی هم که در مسئله معین با سیاست دولت موافق نیستند استفاده میکنیم . از این قبیل امکانات وجود دارد ، البته بطور محدود .

#### حقایق در بارهٔ سوسیالیسم واقعی موجود

و سیزده صیمه روزنامه‌نگار افریقای جنوبی در بارهٔ فعالیت‌های انتشاراتی حزب کمونیست افریقای جنوبی صحبت کرد . این حزب بخارج از کشور مجلهٔ " آفریکن کمونیست " ( کمونیست افریقا ) را که سالی چهار بار منتشر میشود چاپ کرده و بطور مخفی در داخل کشور پخش مینماید ، در خود جمهوری افریقای جنوبی روزنامه‌ای بنام " این کولولوکو " ( آزادی ) بزبان زولوکه با مینه اوگراف تکثیر میشود بطور غیر علنی انتشار مینماید . پخش پوستر ، تراکت ، صفحات تگرا مافون و نوار ضبط صوت بخشی از کارهای تبلیغاتی حزب است . به غیر از کمونیست‌ها سزمانی که در راس مبارزهٔ آزاد بخش مردم افریقای جنوبی قرار دارد یعنی کنگرهٔ ملی افریقا فرستندهٔ رادیوئی در اختیار دارد که برای اهالی جمهوری افریقای جنوبی برنامه پخش میکند .

همین روزنامه‌نگار افریقای جنوبی گفت ما بلم توجه شما را به یکی از جنبه‌های — موضوع بسیار مهمی جلب کنم آن وظیفهٔ رسالت مطبوعات غیر علنی کمونیستی برای اشاعهٔ حقایق در بارهٔ سوسیالیسم واقعی موجود است . در دنیا سرمایه داری بویژه در آنجا که دیکتاتوربهای فاشیستی در رأس حاکمیت قرار دارند ، آنجا که مانند جمهوری افریقای جنوبی هیستری ضد کمونیستی وضد شوروی عنصر مهم سیاست رسمی را تشکیل میدهد ، گشودن چشم مردم با شرح دست آورد های سازمان اجتماعی نوفوق العاده مهم است . مبالغه نخواهد بود اگر گوئیم در چنین شرایطی منابع اطلاعاتی کمونیستی یگانمندی است که در بارهٔ زندگی در سوسیالیسم از آن میتوان اطلاعات و تصویری تحریف نشده گرفت . ما میگوئیم اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی در دستان طبیعی تمام کمانی هستند که در امان آزادی ملی و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند . ما در مبارزهٔ انقلابی در واقع به پشتیبانی آنها اتکا میکنیم . دشمن طبقاتی ما هرگز موفق نخواهد شد " پردهٔ آهنینی " میان مردم و جنبش انقلابی بوجود آورد ، زیراها بطور که ما رکن گفت اندیشه پس از آنکه تو ده‌ها را تسخیر کند به نیروی مادی مبدل میگردد و باید گفت اندیشهٔ مقاومت قاطعانه علیه نژاد پرستی ، استعمار و فاشیسم مدتی است که توده‌های زحمتکش را فرا گرفته است . این جریان بی‌وزن قابل توجهی به کمک مطبوعات مترقی مخفی تحقق پذیرفته است .



آ. سلیم . مفهوم است که مطبوعات غیرعلنی کمونیستی از بسیاری جهات نسبت به وسائل ارتباط جمعی بورژوازی ناقص تر است . این نکته بویژه در کاربری و سرعت عمل آن مشهود میگردد . بارها شنیده شده است که میگویند در تبلیغات سرعت عمل حل کننده کارها است : گویا هر کس که اول گفت حق همها را است . بنظر من این حکم بیشتر به پراتیک بورژوازی صو<sup>ه</sup> استفاده از آگاسی و ضمور افراد مربوط میگردد در تبلیغات علمی که همه<sup>ه</sup> در نظر داریم .

تاتشکیل سیستم جهانی صوسیالیسم برتری مادی ، اگر بتوان چنین گفت ، همواره با بورژوازی بوده است ، با وجود این ایدئولوژی صوسیالیستی هر چه بیشتر در اکناف مختلف جهان روح و اندیشه مردم را تسخیر کرده است . افریقان نمونه بارز این واقعیت است . ما می بینیم در راه انتشار حقایق چه موانع زیادی وجود دارد . ولی کمونیست ها از هیچ کوششی برای اینکه بیان حقایق در باره جامعه صوسیالیستی را در نقطه مقابل تبلیغات امپریالیستی قرار دهند فروگذار نمیکنند .

س . سوید یمان . گفت بد بین مناسبت میخواهم توجه شما را به مطالب زیر جلب کنم . آیا ما همیشه میدانیم که روی سخن مان با کی است ؟ بمقید ه من این پرسش در سخنان رفیق کروان هم وجود داشت که خواستار آن بود که حتی در شرایط کار مخفی هم شریکهای کمونیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد . بطور مثال ما همیشه بفکر این هستیم که مطالبی که در "نگار اکیات" چاپ میشود نه فقط برای اعضای تحصیل کرده حزب و آشنایان با سیاست حزبی ، بلکه برای کارگران و دهقانان مادی هم قابل فهم باشد .

آ. سلیم . با این نظر موافقم ، ولی زمانی کار دشوار میگردد که حزب فقط یک نشریه داشته باشد ، ما هم این نکته را فراموش نمیکنیم . بطور مثال در کشور ما سوئدان در حوزه هایی که برای بیسوئدان تشکیل میشود و من در باره آنها صحبت کردم توجه خاصی به خواندن سرمقاله های روزنامه "المیدان" که بزبان ساده نوشته شده بعمل میآید . ولی هر موضوع بفرنجی را بدون نقصان در موضوع و استدلال نمیتوان ساده کرد . برای کسی که همین در روز خواندن را فرا گرفته است مانیتوان<sup>نیم</sup> بکمر تبه روشن کنیم که ماتریالیسم تاریخی یاد موکراسی صوسیالیستی چیست . از طرف دیگر هم نمیتوان بخاطر ساده کردن مطلب مضمون مطالب را از متن سخن یا مقاله گرفته و بد و روان ساخت . در اینجا فقط یکراه چاره بنظر میرسد : روزنامه و مجله باید شامل طیفی گسترده از مطالب مختلفی باشد که درجه فهم و درک آنها متفاوت باشد ، هم برای روشن فکران و بهر نام دانشگاه ، هم برای دهقانی که بسختی میتواند امضای خود را بنویسد .

گفتگود رها و مطبوعات کمونیستی غیرملنی در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " برای نخستین بار ترتیب داده شده است . اگرچه در صفحات آن مطالب جداگانه ای در ارتباط با این موضوع چاپ شده است . بطوریکه این بحث و گفتگو نشان داد مطبوعات کمونیستی در شرایط غیرملنی هنگام انجام وظیفه اصلی خود که عبارتست از تبلیغ ، تهییج و متشکل ساختن توده ها ، خصائص ویژه ای کسب میکند . خود واقعیت موجود بیت و انتشار این مطبوعات گواه بر این است که اولاً آرمانهای مارکسیسم - لنینیسم را نمیتوان ناپود کرد ، زیرا در آنها حقیقت انکارناپذیر زندگی نهفته است ، ثانیاً بحث و بررسی با ثبات رساند که سرپای جمله پرودا زبانی بورژوازی در باره دموکراسی و آزادی کلام درونی بیشتر نیست ، زیرا این آزادی را به کمونیستها نمیدهند .

این ملاقات و بحث و گفتگو همچنین تأیید کرد که با وجود ویژگیهای مبارزه کمونیستها که مرتبط با شرایط مشخص کشورهای آنها است ، تجربه انترناسیونالیستی گردآوری شده به حل و فصل بسیاری از مسائل کمک میکند .

## اخبار کوتاه

هلند

در انتخابات ارگانهای حاکمیت محلی آرائی که به احزاب چپ یعنی حزب کمونیست هلند و حزب سوسیالیستی پاسیفیک و حزب سیاسی رادیکال ها داده شد افزایش یافت . موفقیت ویژه در آن نقاط آشکاراست که نیروهای چپ جبهه واحدی تشکیل داده بودند .

پرتغال

شمین کنفرانس ویژه دفاع از اصلاحات ارضی که یکی از دستاوردهای عمده انقلاب پرتغال است در او را تشکیل گردید .

لهستان

سی و پنج سال از زمان تأسیس کوئوپراتیو انتشاراتی کارگری " پراسا - کسنژکا - روخ " گذشت . این کوئوپراتیو در امور انتشاراتی و تبلیغاتی و روشنگری که هدفش اشاعه و انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم است فعالیت گسترده ای دارد .

تیراژ یکجای ۴۳ روزنامه و ۲۲۶ مجله ای که این بنگاه انتشار میدهد به ۲۲ میلیون نسخه میرسد .

علیه تضییق و فشار و پیگرد

## جان خوزه لوئیس ماسرا را نجات دهید!

از اوروگوئه خیرهای نگرانی آوری میرسد • پیگرد و تضییق و فشار و "ناپدید شدن" انسانها مانند گذشته ادامه دارد • شرایط نگهداری زندانیان سیاسی که در زندانی رنج میکشند که بریسخند بدان نام "لیبرتاد" (آزادی) داده اند و شرایط زندان ویژه زنان پونتاریلس بدتر میشود • چیزی غذای بخور و نمیر آنها تا میزان ناچیزی کاهش یافته است • زندانیان دیکتاتوری عملاً از هوای آزاد محروم شده اند و هیچوجه اجازه ندارند بکاری مشغول شوند • اخبار مربوط به کتک زدن شدید زندانیان به بیرون میرسد و شکجه روحی زندانیان ادامه دارد • زندانیان را تهدید به قتل میکنند • خوزه لوئیس ماسرا ریاضی دان مشهور و سیاستمدار کمونیست که در سال ۱۹۷۵ از طرف یک دادگاه نظامی به ۲۰ سال زندان محکوم شده از کسانی است که زندگی شان در خطر است • جلادان این دانشمندان را بطرف جیبی شکجه کرده اند • ماسرا که در اثر شکجه استخوان رانش شکسته شده یسختی میتواند حرکت کند • زندانیان پراختن به فعالیت های علمی را برای او قذغن کرده اند • وازدادن داروهای بسیار ضروری به او امتناع میورزند • همه چیز دال بر این است که میخواهند یکی از رهبران مشهور و معتبر حزب کمونیست اوروگوئه را نابود سازند •

ماسرا راه پرازنج و کرامت و مبارزه را در پشت سردارد • او هنگام جنگ دوم جهانی بطور فعال در جنبش ضد فاشیستی شرکت کرد و در ایان جنگ فعالانه در ایجاد شورای جهانی صلح اشتراک ورزید • (در سال ۱۹۸۰ شورای جهانی صلح به او مدال سالوادور آلنده اعطاء کرد) • ماسرا در سال ۱۹۶۱ عضو حزب کمونیست شد و از سال ۱۹۶۵ مرتباً به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه انتخاب میشود • در سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۷۲ او نماینده پارلمان بود • او سهم بزرگی در پایه گذاری و تحکیم جبهه گسترده یعنی مجمع نیروهای مترقی اوروگوئه دارد •

فعالیت علمی ماسرا در سالهای سی آغاز گردید • او مؤلف بیش از ۲۰۰ اثر علمی است • که در انتشارات آکادمیک تمام جهان بچاپ رسیده است • او بنیانگذار دانشکده عالی ریاضی در مونتویدئو است • آموزش مارکسیسم - لنینیسم هم از عرصه های علمی مورد علاقه او است • او بر این اساس متئوریک به تجزیه و تحلیل پروسه های اجتماعی و اقتصادی پرداخت که در کشور جریان دارد •

پروفسور ماسرانه فقط در مین خود ، بلکه در کشورهای خارجه هم شهرت و معروفیت یافت . دانشگاه رم ، دانشگاه هومبولد ( جمهوری دموکراتیک آلمان ) ، دانشگاه نیس ( فرانسه ) و دانشگاه مرکزی اکوادوریه اود کنرای افتخاری ریاضیات اعطاء کرده اند . کتابها و کارهای علمی اود در بسیاری از کشورها چاپ و تجدید چاپ میگردد .

بنابایتکار ریاضی دانان مکزیکی فعالیت پر دامنه ای بمقیاس جهانی برای آزادی ماسرا آغاز گردیده است . دانشمندان دهها کشور دیگر به این جریان پیوسته اند . دولت های یک سلسله از کشور های امریکا و اروپا آمادگی خود را برای دادن پناهندگی سیاسی به ماسرا اعلام کرده اند . در عمل و رفتار فاشیستی زندانبانان نسبت به ماسرا بیم و هراس در مقابل کسانی نمایان میشود که سعادت و آزادی هممیهنان خود را بر ترا زندگی شخصی خود میدانند . اراده و خواست خلق او روگونه و نیروی همبستگی بین المللی باید این دانشمند و انسان مبارز را از شکجه گاه دیکتاتوری برهاند .

ساموئل بهاک

نماینده حزب کمونیست اوروگونه در  
مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " .

## قهرمانان دوران ما

«سرنوشت تاریخی برای نسل ما چنین مقدر داشته است که در یک دوران شگرف و پیرخادشه انقلابی زاده شویم و زیست کنیم»<sup>۱</sup> این کلمات سرآغاز فصل اول کتاب «چهرهٔ یک انسان انقلابی» است که از جمله کتابهای میباشد که بنفاسبت چهلمین سالروز تأسیس حزب توده ایران در تهران انتشار یافت.

نویسنده کتاب احسان طبری عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران آنرا به همه شهیدان و قهرمانان ایثارگر جنگ و انقلاب و قربانیان توطئه های ضد انقلابی اتحاف کرده است و روی صفحهٔ باد ابره و سیاهی از خوانندگان میباشد. او در آغاز کتاب بزبانی ساده و از موضع ماتریالیسم تاریخی علل پیدایش مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی را تشریح میکند و نشان میدهد که بچه سبب جامعه طبقاتی به اقلیت صاحب امتیاز بهره کشان و اکثریت استثمار شوندگان تقسیم شده است. در کتاب تأکید بر این میکند که «امروز ما باید ترین اشکال امتیاز و فرمانروایی ستمگرانه ازمسئول و حرمان و ستمدیدگی رنجبار ازمسئول دیگر حتی در کشور «تمدنی» مانند ایالات متحده آمریکا روبرو هستیم. و سوژه در آنجا» - (صفحه ۶۱).

طبقات حاکمه برای حفظ امتیازات خود با هرگونه تغییر و تحولی بسود زحمتکشان مخالفت میکنند و باتمسام و مسائل از آن جلوگیری مینمایند. در حقیقت بمنظور پایان دادن به سیستم های ستمگرو بیعدالتی است که در بخش غیرسوسیالیستی سیاره ما مبارزه طبقاتی و آزاد بیخشن بان نیروی هرچه بیشتری گسترش مییابد.

نویسنده از قول تاریخ عصر ما خطاب بهمهمیهنای خود مینویسد: «انسان هستی و ایرانی هستی و در دوران انقلابی زیست میکنی. سمت انقلاب و دوستان و دشمنان آن روشنند. حالابگو تو کیستی؟ آیا میتوان نام پرطنین «انسان» را بر خود نهاد و سپس گفت «من بیطرفم» (صفحه ۱۳).

احسان طبری مینویسد دوران انقلابی انسان انقلابی میطلبد نه انسان بیطرف. اما انسان انقلابی باید چگونه باشد؟ نویسنده میکوشد به این سؤال پاسخ بدهد. او پیشاپیش خواننده را مطلع میسازد که این کار را بدون غوطه زدن در بحث های صرفاً فنی یا صرفاً اخلاقی انجام میدهد و میخواهد تجارب و نتیجه گیریهای مبارزه و مبارزان را بیان دارد و از این رانوعی آگاهی برای اعتلای شخصیت بوجود

در کتاب خا طرنشان شده است که صفاتی که برای هر فرد انقلابی ضروری است بطور کلی معلوم است مانند شجاعت ، پایداری ، انضباط و ایثار که صفات اصلی يك انسان انقلابی است . ولی ایمان به راه انقلابی است که چنین انسانهایی میسازد . يك فرد واقعا انقلابی باید در جریان تمام مسائل حاد دوران معاصر باشد و بینش انقلابی است که تعیین کند ه این مسائل است . ولی تنها بینش انقلابی کافی نیست و باید با عمل انقلابی توأم باشد و در کار و فعالیت ایثارگرا نه روزانه تجلی نماید و همانطور که و . ای . نلین نوشت بتوده ها بیاموزد که باید انقلاب مبارزه کرد ( ۱ ) .

اکنون ه زمانیکه دشمنان داخلی و خارجی جمهوری نوپای ایران برای جلوگیری از تمسیق پروسه انقلابی به روسیه ای متوسل میشوند ه دعوت به شرکت فعالانه در مبارزه طبقاتی در صرف مردم که در کتاب آمد ه فوق العاده ضروری و مهم است . در کشور نیروهای مختلفی عمل میکنند که دارای منافع متضادی میباشند . بسیاری از آنها طرفدار صدیق در گرونیهای بنیادی انقلابی هستند ه ولی فاقد افکار عقاید و ایدئولوژی مشخص و برنامه عمل میباشند و در نتیجه آب به آسیاب ارتجاع میریزند . کتاب " چه ره يك انسان انقلابی " به این قبیل مبارزان بویژه به جوانان و روشنفکران کمک میکند قطب نمای دقیقی بدست آورند و مارکسیسم - لنینیسم را فراگیرند . نویسند ه این بینش انقلابی را بمنزله آموزشی میدانند که دارای عرصه عمل جهانی است .

۱ - طبری فصل جداگانه ای را به اظهار نظر درباره ایثار اختصاص داد ه و متذکر میشود که بدون ایثار روند تکاملی جامعه امکان پذیر نیست . او مینویسد : در نبرد دشوار انقلابی از همان آغاز " ایثار جان " باید به حساب گذاشته شود " ( صفحه ۲۵ ) با توجه به اینکه مبارزه با نیروی مخوف ه ظریف و دقیق و اغلب چندین بار افزون دشمن همواره با خطراتی نه فقط برای آزادی شخص ه بلکه برای زندگی او همراه است ه مؤلف تاکید میکند که فرد انقلابی باید صفات اخلاقی از لحاظ کیفی نوی را در خود پرورش دهد و منافع زندگی او با منافع افرادی نازیرورد ه و کومه بین تفاوت داشته باشد .

بدون اشتراك سازندگان حقیقی تاریخ یعنی توده های مردم از در گرونیهای انقلابی سخن نمی تواند در میان باشد . به همین سبب ا . طبری در عین توجه به نقش قهرمانان بر این عقیده است که مسئولیت عمدتاً محل و فصل مسائل مهم دوران معاصر به عهد ارتش توده ای انقلاب یعنی زحمتکشان است . او بر این نکته تأکید دارد که " مهم است نسل مادرك كد که پیکار اجتماعی و معرفتی او بویژه و در درجه اول پیکار زیربنایی اجتماعی او ( نبرد طبقاتی ) کلید اساسی حل مسئله است . . . " ( صفحه ۶۲ ) .

مردم ایران رژیم سلطنت را واژگون ساختند ه امپریالیسم امریکا ه حامیان آنسوی اقیانوس رژیم را بیرون راندند و رژیم جمهوری را برقرار ساختند . ولی تاپیروزی نهایی بر امپریالیسم و عمال

ودست نشانندگان آن درکشورراهی درازود شواردرپیش است • دراین راهم به دانائی وخرود و شها  
 لیدرهای انقلاب وهم به کارپرشکیب ود قیق روزمره تمام مرد نیازاست • زیرا بنا بگفته لنین وظیفه  
 مآختمان جامعه نو " بهمیچوجه باقهرمانی پرهیجان آئی انجام پذیرنیست ونیازمند طولانی ترین  
 مصرانهترین ود شوارترین قهرمانی کار روزمره همگانی است " ( ١ ) •

ح . به — رای



# سیستم انتخاباتی : معیار دموکراتیسم

میان نامه‌هایی که به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " میرسد نامه های زیادی متضمن این تقاضا وجود دارد که مجله ما مطالب و مقالاتی را تشریح نماید که با فاکت های مشخص جریان زندگی سیاسی کشور های سوسیالیستی و اشتراک زحمتکشان در اداره تولید و امور دولتی و اجتماعی رانشان دهد . در پاسخ بدین قبیل تقاضاها مجله قصد دارد ، سلسله مقالات و مطالبی در باره واقعات دموکراسی سوسیالیستی انتشار دهد . اینک مانخستین مقاله از این نوع مقالات را منتشر میسازیم . مقاله حاوی اطلاعاتی مجملی در باره طرز تشکیل ارگانهای نمایندگی حاکمیت دولتی است .

## حقوق همگان

سوسیالیسم با اعلام " حاکمیت به خلق تعلق دارد " بمنزله یک آرمان و ایدآل ، در عین حال مکانیسم سیاسی مؤثری برای تحقق آن نیز ایجاد نمود . سیستم سرپاآموز و واحد ارگانهای نمایندگی که از طرف خلق تشکیل میشوند و در برابر آن هم مسئول است مهمترین جزئی این مکانیسم است . خلق از طریق سیستم نمایندگی ، خودگردانی خویش و حاکمیت دولتی را که بدان تعلق دارد تحقق میبخشد ( ۱ ) .

ارگانهای نمایندگی سوسیالیستی تنها بوسیله انتخاب تشکیل میشوند و بدین ترتیب انتخابات مهمترین عمل خودگردانی خلق را تجسم میبخشد .

حق انتخاباتی : در سوسیالیسم عمومی است . این بدان معناست که تمام شهروندان در سن معینی از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای نمایندگی برخوردارند . در اکثر کشورهای سوسیالیستی این سن قانونی انتخاباتی از ۱۸ سالگی است ( در کوبا از ۱۶ سالگی ، ولی نامزد های نمایندگی مجلس ملی باید ۱۸ سال تمام داشته باشند ) . در برخی از کشورها سن کمی بیشتری برای استفاده از حق انتخاباتی غیرفعال ( یعنی حق انتخاب شدن ) پیش بینی شده است ، بطور مثال

۱ - در باره باهیت و وظائف ارگانهای نمایندگی سوسیالیستی ، با توجه به نمونه شوراهای در مقاله و کوزنتسوف عضو مشاوری بوروی میاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سوسیالیستی و معاون اول صدر شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مطالبی بیان شده است . این مقاله در صفحات ۳ - ۹ شماره ۷ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " سال ۱۹۸۲ صفحه ۳ - ۱۷ مجله مسائل بین المللی شماره ۴ - ۱۳۶۱ انتشار یافته است . هیئت تحریریه .

در لهستان ۲۱ سال تمام برای نمایندگی سیم • در ویتنام وچکسلواکی ۲۱ سال و در رومانی ۲۳ سال برای نمایندگان تمام ارگانهای نمایندگی در نظر گرفته شده است •

از یکسوهیچ محدودیتی برای حقوق انتخاباتی وجود ندارد و از سوی دیگر چون زحمتکشان از لحاظ سیاسی بسیار فعال و آگاه هستند ، لذا در کشورهای سوسیالیستی عملاً تمام بزرگسالان داوطلبانسه در انتخابات شرکت میکنند •

در مقام مقایسه باید قید کرد که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری حق اشتراک در انتخابات ( بویژه حق انتخاب شدن ) قاعدتاً به سنین بالاتر تعلق میگیرد • مثلاً در فرانسه و سوئد نمایندگی لاقلاً باید ۲۳ سال داشته باشد و در بلژیک ، یونان ، ایتالیا ، ژاپن ، ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای باید ۲۵ ساله باشد • در برخی از کشورهای سن حائزین شرایط برای نمایندگی مجلس سنایا هم باید بیشتر باشد ، بطور مثال سناتوهای ایتالیائی و بلژیکی باید ۴۰ سال داشته باشند •

حق انتخاباتی بورژوائی دارای محدودیت های متعدد دیگری است مانند ( محدودیت از لحاظ دارائی ، از لحاظ معلومات ، محل سکونت و محدودیت نژادی ) • در عین حال میان توده های زحمتکش بیعلاقگی به شرکت در انتخابات هر چه بیشتر افزایش مییابد و علت آنهم عدم اعتماد به سیستمی است که اراده و خواست انتخاب کنندگان را تحریف میکند و آنها در چنان انتخاباتی هم امکانی برای بهبود وضع خود نمی بینند • غیبت جمعی توده ها و امتناع آنها از شرکت در رأی گیری که بویژه در ایالات متحده آمریکا رایج است از اینجانشی میشود • مثلاً انتخابات میان دوره ای کنگره در سال ۱۹۶۲ فقط ۴۶٫۵ درصد از رأی دهندگان را جلب کرد ، در سال ۱۹۷۴ ۳۸٫۵ درصد ، و در سال ۱۹۷۸ تا ۳۵ درصد تقلیل یافت • در سال ۱۹۸۰ فقط ۵۲٫۳ درصد انتخاب کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کردند که از این عده فقط ۵۱ درصد به رونالد ریگان رأی دادند • بدین ترتیب رئیس جمهوری جدید فقط با ۲۶ درصد آراء شهروندانی که حق رأی داشتند ، انتخاب شده است •

قوانین اساسی کشورهای سوسیالیستی بعلاوه اصل حقوق انتخاباتی برابر را تثبیت میکنند که عبارت از این است که کلیه شهروندان صرف نظر از وضع اجتماعی ، میزان دارائی و ملیت و غیره برای تأثیر در انتخاب نمایندگان از امکانات مساوی برخوردار هستند • این حق مقدم بر هر چیز از جمله بدین طریق تأمین میشود ، که هر انتخاب کننده در انتخابات يك ارگان نمایندگی فقط يك رأی دارد و حوزه های انتخاباتی برپایه مساوی تعداد اهالی تشکیل میگردد •

اصل " يك نفر - يك رأی " در قوانین اساسی بورژوائی هم تثبیت شده ، ولی در عمل غالباً نقض میگردد • بدین منظور بطور مثال از " جغرافیای انتخاباتی " استفاده میشود ، و این هنگامی است که حزب حاکم تعداد قاطع انتخاب کنندگان حزب مخالف را به يك یا چند حوزه انتخاباتی " میراند " و

بدین ترتیب بدان حد اقل اعتبارنامه امید دهد. ولی سایر رای دهندگان برعکس به حوزه های انتخاباتی بسیاری تقسیم میشوند، بطریقی که برای حزب حاکم اکثریت اعتبارنامه هاتأمین میگردد. در ضمن حوزه های انتخاباتی اشکال عجیب و غریبی بخود میگیرند، و تعداد رای دهندگان آنها چند برابر فرقی میکند. اینگونه سیستم "قطعه قطعه کردن" نواحی انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا موجب بالا رفتن تعداد نمایندگان نواحی روستائی بضرر شهرها و نواحی بورژوائی بضرر پرولتاریا میشود. در انگلستان برای انتخاب شدن ب نمایندگی پارلمان نماینده نواحی شهرها در مقایسه بانمایندگی ای از مناطق روستا نشین باید چند برابر بیشتر رای بدست آورد.

در باره دموکراتیسم عمیق سیستم انتخاباتی کشورهای سوسیالیستی، این واقعیت گواهی میدهد که در نتیجه انتخابات نمایندگان گروههای اساسی زحمتکشان - یعنی کارگران و دهقانان بخش قابل ملاحظه و حتی اکثریت کرسی های نمایندگی را اشغال میکنند: در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۵۱ درصد در پارلمان خلقی جمهوری دموکراتیک آلمان ۵۹ درصد، در مجلس کمیونسر خلقی (هورال) جمهوری توده ای مغولستان ۵۵٫۷ درصد و غیره.

بیهود نیست که پارلمان سوسیالیستی غالباً "تصور جمعی" کشورنامه میدهد، زیرا در آن قشرهای اساسی اهالی و منافع تمام گروههای زحمتکشان تجسم یافته است.

برعکس، پارلمان های کشورهای بورژوائی حتی يك تصور تقریبی هم از ساختار اجتماعی جامعه نشان نمیدهند. بطور مثال در کنگره ایالات متحده آمریکا در میان ۵۳۵ نفر نماینده حتی يك کارگر هم وجود ندارد، در عوض ۱۴۰ نماینده از کارفرمایان و بانک داران، ۴۷ نماینده از ناشرین و مسئولین مطبوعات بورژوائی، ۲۵ فارمر و نیز ۲۴۳ مدیران دفاتر وکلای دعاوی و خدمات حقوقی انحصارات هستند. اینکه چنین ارگان حاکمیتی از منافع چه کسانی دفاع میکند، نیازی به غیبگوئی ندارد.

### فراوانی تجارب جمعی

در اکثر کشورهای سوسیالیستی انتخابات ارگانهای نمایندگی بطور مستقیم انجام میگردد. بدین معنی که نمایندگان مستقیماً از طرف شهروندان انتخاب میشوند. ولی در شرایط مشخص برخی از کشورها سیستم های دیگری نیز بکار گرفته میشود. بطور مثال تلفیق انتخابات مستقیم با انتخابات غیر مستقیم را میتوان نام برد. مثلاً در مجارستان شوراهای شهرها و روستاها و نیز مجلس دولتی مستقیماً از طرف شهروندان انتخاب میشوند، ولی انتخابات شوراهای ایالتی از طرف شوراهای شهرها و روستاها (و شورای پایتخت وسیله شوراهای بخش های پایتخت) انتخاب میشوند. در کوکوا انتخاب کنندگان مستقیماً انجمن های شهرداری حکومت خلق را بوجود میآورند و سپس این انجمن هانمایندگان انجمن های ایالتی و نمایندگان مجلس ملی را انتخاب میکنند.

از همین مطالب معلوم میشود که اصول حقوق انتخاباتی سوسیالیستی که از لحاظ ماهیت دموکراتیک خود در همه جایسکان است در پراتیک سیاسی کشورهای مختلف به اشکال گوناگونی تحقق می یابد . سوسیالیسم با تقلید کورکورانه یک نوع " مدل " بیگانه است و هر کشوری با توجه به سنن زندگی مردم تجارب سیاسی زحمتکشان و شرایط مشخص تاریخی ساختمان جامعه خود تحقق این یا آن اصل ویژگی های معینی را وارد میکند .

این امر با تفاوت های هم که در ترتیب تشکیل ارگان های انتخاباتی کشورهای مختلف وجود دارد و با عبارت دیگر در تحقق اصول نمایندگی ها هم تأیید میگردد . در اکثر کشورهای سوسیالیستی ارگان های نمایندگی خلق طبق اصل محل سکونت انتخاب میشوند و بر اساس آن انتخاب شدگان نماینده شهر و رندان طبق محل سکونت آنها هستند . در ضمن واحدهای انتخاباتی هم میتوانند بر حسب حوزه های انتخاب معینی باشند که به هنگام انتخابات بوجود آورد میشود ( در اکثریت کشورها اینطور است ) و هم بر حسب جمع معینی از شهر و رندان یک ناحیه ( مانند شهرداری ها در کوبا و شهرها و روستاها در مجارستان و آنجناب های اسکوپیه در یوگوسلاوی ) .

در پارلمان های فدراسیون های سوسیالیستی در کارمجالسی ، که طبق اصل محلی و منطقاً انتخاب میشوند و مجلس نمایندگان تمام مردم کشور میباشند ، مجالس دیگری هم هست که انتخابات آنها طبق اصل ملیت انجام میگیرد ( شورای ملیت ها در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، مجلس خلق در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی و وجهیه جمهوری ها و ایالات در جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگوسلاوی ) . بطور مثال نمایندگان شورای بایستی های شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را شهر و رندان محدوده های ملی - دولتی بطریق زیر انتخاب میکنند : ۳۲ نماینده از هر جمهوری متحد شده ۱ نماینده از هر جمهوری خود مختار ، ۵ نماینده از هر استان خود مختار و یک نماینده از هر حوزه خود مختار . این شیوه نمایندگی و برابر حقوقی قسمت های ملی - دولتی را در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تضمین میکند و در عین حال خود بجزئی تضمین دیگری برای برابر حقوقی واقعی ملی و شکوفائی اقتصاد و فرهنگ تمام ملیت ها و اقوام است . اینکه در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمایندگان از ۶۱ ملیت و در شوراهای عالی جمهوری های متحد شده و جمهوری های خود مختار نمایندگان از ۷۱ ملیت و در شوراهای محلی نمایندگان از ۱۰۰ ملیت انتخاب شده اند ، نشان دهنده این برابر حقوقی است . ارقام زیر نیز قابل توجه است : اگر روس ها ۵۲٫۳ درصد اهالی کشور را تشکیل میدهند و ۴۵ درصد از نمایندگان شوراهای روس هستند ، این ارقام برای کازاخ ها به ترتیب ۵٫۲ و ۲٫۹۹ درصد و برای لاتویا ۵٫۵ و ۰٫۸۲ درصد و نظایر اینها است . در شورای ملیت های شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمایندگان جمهوری های خود مختار ۲۹ درصد

تمام نمایندگان را تشکیل می‌دهند ، اگرچه اهالی این جمهوری فقط ۸ درصد ساکنان کشور است .  
چنین برخوردی ویژه مجلس خلقهای مجمع فدراتیو جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی نیست —  
میباشد .

ترکیب نمایندگان در مجلس خلقهای مجمع فدراتیو چکسلواکی

تعداد نمایندگان	به درصد	سهم مجموعه مردم جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی ( به درصد )
۷۱	۴۷	۶۵
۶۲	۴۱٫۴	۲ ر ۲۹
۱۲	۸	۴
۱	۰٫۶	۰ ر ۶
۲	۱٫۳	۰ ر ۵
۲	۱٫۳	۰ ر ۴

بدین ترتیب درصد نمایندگان اقلیت های ملی در پارلمان های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی بالاتر از درصد آنها نسبت به مجموعه اهالی این کشورهاست . این  
" نابرابری " برای تأمین نمایندگی واقعی منافع کلیه ملت ها و اقوام سوسیالیستی و برابری کامل  
آنهاست .

در کشورهای سرمایه داری عملاً چنین چیزی وجود ندارد . به اقلیت های ملی ندرتاً در پارلمان  
ها ویا ارگانهای دولتی دیگر نمایندگی داده میشود . علاوه بر این در بسیاری از کشورهای محدودیت  
های ویژه ای وجود دارد که علیه چنین نمایندگی است .

بارزترین آن محدودیت نژادی است که در جمهوری آفریقای جنوبی بمثابه آلتسی  
در دست ارتجاع میباشد . اگرچه در ایالات متحده آمریکا بظاهر حق رأی از سیاه پوستان گرفته نشده  
ولی عملاً آنها بر اساس محدودیت های مالی و تحصیلی و نیز باصطلاح محدودیت اخلاقی ( لزوم داشتن  
" خصل نیک " و " عقل سلیم " و مانند اینها ) تحت فشار قرار میگیرند . بهمین جهت است که در  
ایالات متحده آمریکا ۹۵ درصد نمایندگان کنگره سفید پوست ها هستند ، در حالیکه سیخ پوستان ،  
مکزیکیی ها و سایر اقلیت های ملی تقریباً در آن نمایندگی ندارند .

بالاخره بهنگام انتخابات در کشورهای سوسیالیستی اصل نمایندگی تولیدی بکاربرد میشود .

در اکثر موارد نمایندگان از طرف جمع کارکنان و کارگران پیشنهاد میشوند . طبق قوانین يك سلسله از کشورها کارگران حق دارند ، فعالیت کسانی را که خود انتخاب کرده اند کنترل نمایند . در قانئون انتخابات کوبا امکان تشکیل محدوده های انتخاباتی ویژه ای برای برخی از افسار زحمتکشان پیش بینی شده است .

کار بست اصول انتخاباتی بر پایه محل سکونت ، ملیت و مؤسسات تولیدی و تلفیق این اصول تحقق موفقیت آمیز مهم ترین منافع زحمتکشان و گروه های آن ها و تلفیق موزون منافع دسته جمعی تمام خلقی را در کشورهای سوسیالیستی تأمین میکند .

### بر اساس تصمیم مردم

عمل معرفی نامزد های نمایندگی برای نمایندگی های سوسیالیستی از لحاظ ماهیت خود عمیقاً دموکراتیک و از لحاظ اشکال آن فوق العاده گوناگون است . هم احزاب سیاسی و هم سازمانهای اجتماعی و جمعیت زحمتکشان حق دارند افرادی را برای نمایندگی معرفی نمایند . در ضمن معرفی کاندید ها آشکارا ، در جلسات زحمتکشان در محل کار و یا محل سکونت و همچنین در جلسه های حوزه های حزبی و سازمانهای اجتماعی بعمل می آید . سپس در میتینگ های انتخاباتی با دقت و بطور همه جانبه درباره کاندید ها بحث و مواضع آنها را بررسی می کنند . در اتحاد شوروی که در بسیاری از محدوده های انتخاباتی چند کاندید برای يك کرسی پیشنهاد میشود ، انتخاب کنندگان در مرحله ای که درباره کاندید ها بحث و مواضع آنها را بررسی می کنند ، مناسب ترین شخصی را که بنا بر عقیده آنها باید نامش در لیست کاندید ها درج گردد تعیین میکنند و سایر کاندید ها را رد میکنند . برای توصیف و تشریح اینکه زحمتکشان تا چه حد در مبارزات انتخاباتی شرکت میکنند ، فقط به ذکر يك واقعیت اکتفا میکنیم : در جریان آخرین انتخابات ( سال ۱۹۸۰ ) در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تقریباً ۹۳۷۰۰۰ کیسیون انتخاباتی تشکیل گردید ، که بیش از ۸۶ میلیون نفر در ترکیب آنها شرکت داشتند ، ۴۴٫۷ درصد اعضا ، کیسیون ها را کارگران تشکیل میدادند ، ۱۳٫۱ درصد را دهقانان کلخوزی ، ۴٫۲ درصد پزشکان ، مهندسان کشاورزی ، مهندسان ، معلمان و دانشجویان و زحمتکشان دیگر .

این مطلب را هم یاد آور شویم : اگرچه امکان شرکت فعال در معرفی نامزد های انتخاباتی از نقطه نظر دموکراسی واقعی همانقدر مهم است که خود عمل دادن رأی ، انتخاب کنندگان در کشورهای سرمایه داری عملاً از تعیین دایره اشخاصی که باید نام آنها در لیست های انتخاباتی درج گردد کنار زده شده اند . این اولویت و امتیاز از آن رهبری حزب و گروه بندی های سیاسی گوناگون است . بطور مثال در ایالات متحده آمریکا حد اکثر تا پنج درصد اشخاص بالغ کشور در معرفی نامزد های انتخاباتی برای عالیترین مقامات

انتخاباتی شرکت میکنند و این عده بطور عمده اعضای کلوب های حزبی و سایر سازمانهای طبقه حاکمه هستند \*

در سالهای اخیر پراتیک انتخابات در کشورهای سوسیالیستی گرایش به تمعیق هر چه بیشتر مبادی دموکراتیک در معرفی نامزدهای انتخاباتی را نشان میدهد \* مثلاً در بلغارستان ، کوبا و مجارستان کاندید های ارگانهای نمایندگی محلی مستقیماً از طرف انتخاب کنندگان در جلسات خود آنها در حوزه های انتخاباتی معرفی میشوند \*

قوانین کشورهای سوسیالیستی به شهروندان این امکان را میدهد که در حوزه های انتخاباتی کاندید های بیشتری از تعدادی که باید به نمایندگی انتخاب شوند ، معرفی کنند و نام آنها را در لیست ثبت نمایند \* بطور مثال طبق مقررات مربوط به انتخابات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کمیسیون های انتخاباتی محلی " موظفند تمام ( تأکید از من است ) نامزدهای نمایندگی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را ، که از طرف سازمانهای اجتماعی و مجامع زحمتکشان معرفی شده اند ، در لیست ثبت نمایند " \* \* \* در یک سلسله از کشورهای انتخاب کنندگان در عمل از این حق استفاده میکنند و چند نامزد نمایندگی برای یک کرسی نمایندگی معرفی مینمایند \* در جمهوری دموکراتیک آلمان افزونی تعداد نامزدهای نمایندگی بر تعداد کرسی ها در ارگان نمایندگی مربوطه تقریباً ۲۰ تا ۲۵ درصد است ( در اینجا آنهاست که انتخاب نشده اند با اصطلاح نامزد نمایندگی میشوند و ترکیب نمایندگی های خلق در صورت خروج این یا آن نماینده از میان آنها تکمیل میگردد ) \* در کوبا در انتخابات انجمن های شهرداری باید از ۲ تا ۸ نامزد نمایندگی برای هر کرسی معرفی شود \* در مجارستان بهنگام انتخابات ارگانهای نمایندگی محلی در سال ۱۹۸۰ برای ۲۷۰ ۵۹ کرسی نمایندگی ۶۲۰ ۶۱ نامزد نمایندگی معرفی شدند ، در ضمن در ۱۷۶۷ حوزه انتخاباتی برای هر کرسی ۲ نفر ، در ۱۱ حوزه انتخاباتی برای هر کرسی ۳ نفر و در یک حوزه انتخاباتی ۴ نفر برای یک کرسی نامزد نمایندگی بودند \* برای مجلس کشوری جمهوری توده ای مجارستان ( با ۳۵۲ نماینده ) ۳۶۷ نفر نامزد نمایندگی شدند ، یعنی در ۱۵ حوزه انتخاباتی از هر دو نفر یکی را به نمایندگی انتخاب میکردند \* باید یاد آور شویم که در سوسیالیسم انتخاب یک تن از میان چند نامزد نمایندگی به رقابت برنامه های سیاسی و مبارزه میان احزاب گوناگون مبدل نمیشود \* در اینجا تمام نامزدهای نمایندگی نمایند زحمتکشان و مدافع منافع زحمتکشان هستند \* بهمین سبب مردم در جریان رأی گیری خوب می سنجند که کدام یک از نامزدهای نمایندگی از لحاظ خصائل شخصی خود ، برای تحقق برنامه انتخاباتی مناسبتر است \*

البته نمیشود گفت که در سیستم های انتخاباتی سوسیالیستی اصول دموکراتیسم " تا به آخر "



تجسم یافته و پراپراتیک انتخاباتی دیگر نیازی به تکامل نسبی ندارد. • بعکس در اینجا با زهم مشکلات زیاد و مسائل حل نشده ای وجود دارد. • در کشورهای سوسیالیستی در جستجوی راههایی برای ارتقاء با زهم بیشتر تمرین تمامی نهاد های حاکمیت خلق و از جمله سیستم انتخاباتی میباشند. • ولی باید آنچه را که مهم است دید: سوسیالیسم برای زحمتکشان دموکراسی واقعی و گسترده ای را تأمین میکند. • که هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ شکل خیلی از چهارچوب آنچه که در نظام سرمایه داری امکان دارد فراتر میرود. • زندگی سیاسی بی پایگی کامل سرودهاهایی را که گاه و بیگاه در باره "صوری" بودن حقوق انتخاباتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی به دور کلی برامیافتد. • آشکار میسازد. • آنجا که حاکمیت عملاً به خلق تعلق دارد و تمام نهاد های سیاسی و از جمله سیستم انتخاباتی چنان ساخته و پرداخته شده که با جلب واقعی شهروندان به اداره امور کشور و جامعه محرک فعالیت اجتماعی آنها باشد ظاهر سازی و فورمالیته را جایی نیست. •

م • ایوانشیک

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مفردجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۸۲ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' لپچاپ رسیده است.

## PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist  
and Workers' Parties throughout the world

No 7 , 8 1982



انتشارات حزب توده ایران